مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام

داوود حسینی

بسم الله الرحمن الرحیم

جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام

نویسنده:

داوود حسینی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی، داوود، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور : جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام/ داوود حسینی.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری : ۱۵۳ص.

شابک : ۸۰۰۰ ریال ۹۶۴-۷۸۰۸-۲۲-۴ :

وضعیت فهرست نویسی : برونسپاری.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۵۰] - ۱۵۳.

موضوع : تشویق -- جنبه های قرآنی

موضوع : تشویق -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : کودکان -- انضباط -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۱۰۴ /ت۵ ح۵ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۳۱۷۵۵

ص:۱

اشاره

با سپاس از همکارانی که در آفرینش این پژوهش نقش داشته اند:

ویراستار: محمدصادق دهقان

نمونه خوانی: محمدرضا پورفلاحتی و علی روحانی بیدگلی

حروف نگار: اکرم سادات بنی زهرا _ راضیه حامد

صفحه آرا: اکرم سادات بنی زهرا

مسؤول تولید: هادی نعمتی

طراح جلد: آسمان گرافیک

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

دی / ۱۳۸۱

دیباچه

دیباچه

تشویق، عاملی است برای برانگیختن و وسیله ای برای تقویت انسان در ترغیب به کار خیرو فراهم آوردن نشاط لازم در انجام کارها. تشویق و سپاسگزاری از زحمات و خدمات دیگران یکی از ضروری ترین نیازهای روانی فرد و جامعه است. گاهی یک جمله ی تشویق آمیز چنان تأثیر عمیقی در روحیه ی افراد می گذارد که غیرقابل توصیف است. اگر خدمات ارزشمند افراد با کم ترین درجه ی قدردانی، یعنی ستایش لفظی همراه نباشد، نه تنها دور از مروت و جوانمردی است، بلکه نوعی حق کشی است. البته تشویق اگر به صورت مکرر انجام شود به تدریج خاصیت خود را از دست میدهد. چه بسا افرادی که به واسطه ی تعریف و تمجیدی که درباره شان می شود، مغرور خواهند شد.

از روش تشویق و تنبیه برای برانگیختگی و باز دارندگی و شکوفاسازی استعدادهای انسان در جهت کمال بهره می گیرند. باید بین نیکان با بدان و شایستگان با ناشایستگان فرق گذاشت و با هر یک به تناسب وضع و حالشان رفتار کرد و به وسیله ی تشویق و تنبیه مناسب، آنان را هدایت

نمود. البته در تربیت انسـان، اصـل بر تشویق و ترغیب است نه تنبیه و مجـازات. تنبیه بایـد کاملاً سـنجیده، حساب شـده و دقیق باشـد و به هیـچ وجه از حـد و مرز لازم فراتر نرود. زیرا عملی طبیبانه است و هرگونه نسـنجیدگی و بی دقتی در آن فاجعه آور است و اثرات منفی به همراه دارد. تنبیه بایـد از چنان ظرافت های تربیتی برخوردار باشد که به صورت عاملی بیدار کننده و باز دارنده عمل کند. تنبیه نباید وسیله ی تشفّی خاطر و ارضا و یا انتقام گیری شود.

بنـابراین در اسـتفاده از این دو روش، حساسـیت فوق العـاده ای وجود دارد زیرا ساختـار روانی و عاطفی انسان طوری است که اگر در ازای فعـالیت به او پاداش دهنـد آن نوع فعالیت برایش خوش آینـد می شود و اگر بعـد از انجام کاری تنبیه شود از آن کار نفرت می یابـد و تکرارش برای او خاطره ای آزار دهنـده دارد، پس این دو عامل، یعنی پاداش و کیفر، در اصـلاح و تغییر رفتار انسان با رعایت آداب و شـرایط بسیار مؤثر است. پژوهشگر ارجمند جناب حجت الاسلام داوود حسینی در تبیین جایگاه، کارکرد، آسـیب شناسـی آثار و نتایج این دو روش، تلاش ارزنده ای داشته اند که شایسته ی تقدیر است، امید آن که ره توشه ای برای برنامه ریزان و برنامه سازان ارجمند باشد.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

پیش گفتار

همه می دانیم که انسان ها در زنـدگی خود از عوامل گوناگونی تأثیر می پذیرند و این فرآیند همیشه با زندگی اجتماعی بشـر همزاد و همراه بوده است. آموزش و پرورش یکی از نمودهـای برجسـته ی این تأثیرپـذیری به شـمار می رود که بر اساس آن، پدرو مادر و مربیان با روش های گوناگون می کوشند مفاهیم مورد نظر خود را به نسل خویش منتقل کنند.

همه ی دست انـدرکاران و پژوهش گران عرصه ی آمـوزش و پرورش آگاهنـد که کشـف دقیـق روش هـا و قـوانین حـاکم بر فرآینـد آمـوزش و پرورش هم چون کشف قوانین و روش هـای حـاکم بر پدیـده هـای طـبیعی دیگر، سـبب می شود مربیـان با اِشـراف بر این روش ها از پیدایش حرکت های نامطلوب در انتقال مفاهیم پیش گیری کنند. از سوی دیگر، کشف روش های صحیح تعلیم آموزشی و پرورشی، زمینه ی دست یابی به اهداف والای کارگزاران این عرصه را آسان تر می کند.

گفتنی است سـپاس و قدرشناسـی و به کـار بردن تشویق در برابر کـار خوب و تنبیه و مجـازات در برابر کـار ناشایسـته یکی از روش های مسـلم و دیرپا در آموزش و پرورش به شـمار می رود. این روش پسـندیده که به درست کردار و بـد کردار یکسان نگریسته نشود، پی آمدهای بسیار سودمندی

برای دانش آموز دارد. از این رو، به کار بستن تشویق و تنبیه در جای خود، لازم و ضروری است.

تشویق و تنبیه، دو ضمانت اجرایی مناسب برای گسترش آموزش و پرورش، در فضای خانه، مدرسه و جامعه و برانگیزاننده ی آدمی در پرهیز از ناهنجاری های اجتماعی هستند. بشارت و انذار پیامبران الهی و وعده ی پاداش و کیفر دینی آنان نیز بر همین روش استوار شده است. به همین دلیل، اصل تشویق و تنبیه در اسلام، امری پذیرفته به شمار می آید.

از آن جا که انسان ها متفاوتند، گروهی را باید با انذار و تخریب و تنبیه به سوی ادب، و اخلاق کشاند و برخی دیگر را با تشویق و تبشیر می توان تأدیب کرد. از این رو، اگر رفتار پسندیده ای از کسی دیدیم، باید وی را تشویق کنیم و او را در حضور دیگران بستاییم. هم چنین اگر کار ناپسندی از او سر زد و آن را از ما پوشیده داشت، ما نیز باید با چشم پوشی، از کار او درگذریم. با این حال، اگر وی آن رفتار ناپسند را تکرار کرد، باید او را از انجام این کار به شدت برحذر داشت.

با همه ی این ها، تشویق زیربنای اصلی آموزش و پرورش اسلامی به شمار می رود؛ زیرااساس تربیت برسهولت،محبت و ملایمت بنا نهاده شده است. وانگهی با تشویق می توان انگیزه ی دانش آموز را به انجام دادن کارهای مطلوب افزایش داد و میل فطری او را با مهر و محبت و قدرشناسی، تأمین و اعتماد او را جلب کرد. البته در صورتی که تشویق مؤثر واقع نشود، می توان ابتدا به انذار و سپس به تنبیه روی آورد. بی شک، روی آوردن به تنبیه نه از سر تشفّی خاطر که برای هدایت و تضمین سعادت فرد و جامعه است.

در این پژوهش برآنیم تـا با نگاهی به منابع اسـلامی، جایگاه تشویق و تنبیه را بررسـی کنیم و روش های مجاز تشویق و تنبیه و ویژگی هـا و اهـداف هر یـک را از دیـدگاه اسـلام بکـاویم. امیـد اسـت این پژوهش برای مربیـان، پـدران و مـادران گرامی و کارگزاران آموزش و پرورش سودمند افتد.

بخش اوّل: کلیات

اشاره

بخش اوّل: کلیات

زیر فصل ها

تشویق در لغت

تشویق در اصطلاح

تنبیه در لغت

تنبیه در اصطلاح

پیشینه ی تاریخی تشویق و تنبیه

تشویق در لغت

تشویق در لغت

تشویق، واژه ای عربی از باب «تفعیل» و ماده ی «شوق» است در لغت عرب چنین آمده است:

الشوق: نزاع النفسِ اِلی الشی ءِ.

کشاندن نفس آدمی به سوی امری.

هم چنین گفته اند:

تشویق به معنای به شوق آوردن و راغب کردن به چیزی و کسی را در امری ستودن و به چیزی دلگرم کردن است.(۱)

تشویق در اصطلاح

تشویق در اصطلاح

چون شوق نتیجه ی دریافت محبت است، تشویق را می توان هرگونه رفتار یا عملی دانست که کسی برای خوش آیند دیگری انجام می دهد. به دیگر سخن، تشویق گونه ای پاداش و به کار بردن عامل یا عواملی است که افراد

۱- بررسی تشویق از دیدگاه اسلام، غلام رضا دولتی، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، ۱۳۷۷، ص ۲۷؛ فرهنگ معین، محمد معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۰، صص ۱۵ _ ۱۰.

را بـه نیکوکـاری وادارد. تشویـق برای ارایـه ی محبـت صـورت می گیرد و نشـانه ی اعلاـم رضـایت و پـذیرش رفتـار دیگری است.(۱)

تشویق، ره آورد به کـار بسـتن راه کـاری تربیتی است که برای ایجـاد، اصـلاح یـا تثبیت یـک رفتار صورت می گیرد. تشویق، پاداشی کلامی، اشاره ای، مادی یا معنوی است که فرد را به سمت و سوی معینی ترغیب می کند.

تنبیه در لغت

تنبیه در لغت

تنبیه، واژه ای عربی است از باب «تفعیل» و ماده ی «نَبَه» که در لغت عرب آن را چنین معنا کرده اند:

القیام و الانتباهِ مِنَ النَّومِ، انتبه من نومه، اِسْتَیفظ و التنبیه مثله.

برخاستن و بیدار شدن از خواب غفلت.(۲)

در فرهنگ های فارسی نیز آمده است:

آگاه و بیدار کردن، واقف گردانیدن بر چیزی، مجازات کردن، گوشمالی دادن، سیاست کردن و چوب زدن.(۳)

۱- بررسی تشویق از دیدگاه اسلام، غلام رضا دولتی، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، ۱۳۷۷، ص ۲۸.

۲- لسان العرب، اقرب الموارد، ماده ی «نَبَه».

۳- روش های تربیتی انذار و تبشیر در قرآن، اسداللّه طوسـی، پایان نامه ی کارشناسـی ارشد، موسـسه ی آموزشـی و پژوهشی امام خمینی، رشته ی علوم تربیتی، ۱۳۷۷.

تنبیه در اصطلاح

تنبیه در اصطلاح

مربیان برای کاستن از احتمال انجام رفتاری خاص از سوی شاگرد، به کارهایی دست می زنند تا زمینه های انجام آن رفتار را در وی از بین ببرند. از این رو، روان شناسان، تنبیه را این گونه تعریف کرده اند:

ارایه ی یک محرک آزاردهنده (ناراحت کننده) به یک ارگانیزم که نتیجه ی آن، کاهش قدرت فراوانی پاسخ هایی است که پیش از تنبیه انجام شده است، مانند: انتقاد شدید از یک دانش آموز پس از مشاهده ی رفتار خاص.(۱)

پیشینه ی تاریخی تشویق و تنبیه

اشاره

پیشینه ی تاریخی تشویق و تنبیه

بحث های مربوط به کاربرد تشویق و تنبیه به عنوان ابزارهای تغییر رفتار در جانوران و زیردستان از دیرباز مطرح بوده است. با این حال، نخستین کنکاش ها درباره ی تشویق و تنبیه و تقویت کننده های مثبت و منفی در پیدایش یا از بین بردن برخی رفتارها با پژوهش های ایوان پترویچ پاولف (۱۹۳۶ _ ۱۸۴۹) آغاز شد. پاولف در تبیین بازتاب های شرطی بر این باور است که تقویت فرآیند شرطی سازی سبب می شود پاسخ های بازتابی فرد به عرصه های گوناگون گسترش یابد. وی با طرح نظریه ی شرطی سازی کلاسیک مدعی شد که با دادن تقویت و شرطی کردن حیوان، رفتارهای بازتابی حیوان را می توان کنترل کرد. پس از او بوروس فردریک اسکینر (۱۹۹۰ _

۱- روان شناسی تربیتی، برگردان: خویی نژاد و دیگران، ص ۳۶۴.

۱۹۰۴) بررسی های گسترده ای درباره ی اثر تقویت کننده ی مثبت و منفی در رفتار آفرینی و فراخواندن رفتار جدید در حیوانات آغاز کرد. وی با گسترش دادن این یافته ها به قلمرو رفتار انسانی، در زمینه ی اثر گذاری تشویق و تنبیه بر رفتار انسان، دریچه ی تازه ای گشود. پژوهش اسکینر که به نام شرطی سازی کنش گر معروف شد،(۱) هم چنان ادامه پیدا کرد.

باید گفت تشویق و تنبیه برای تربیت و اصلاح نسل ها و بازداشتن آنان از لغزش و خطا و ترغیب به انجام رفتار نیک و شایسته از آغاز پیدایش جامعه های انسانی هم پای انسان دگرگون شده و در تاریخ به صورت های گوناگون، تجلی یافته است.

انسان در آغاز از تشویق و تنبیه برای رام کردن حیوانات بهره می گرفت. برای نمونه، هنگام نزدیک شدن به حیوانات وحشی، با دادن غذا و علوفه و نوازش، آن ها را رام می کرد. هم چنین برای بهره برداری بهینه از حیوانات رام شده، به پرورش آن ها می پرداخت و با به کار بستن تشویق و تنبیه، آن ها را به کارهای گوناگون وامی داشت. سپس از تشویق و تنبیه برای پرورش و اصلاح فرزندان و انسان های دیگر بهره گرفت. به کار بستن تشویق و تنبیه در طول تاریخ با فراز و نشیب های فراوانی همراه بوده است. گروهی، تشویق را اصل و اساس پرورش و تنبیه را کاری ناستوده می پنداشتند. در مقابل، گروهی دیگر، تنبیه را اصل می دانستند و بر این باور بودند که باید خطاکار را با ضرب و جرح، ادب کرد، هر چند کودک باشد. با اندکی دقت

۱- روان شناسی پرورشی، علی اکبر سیف، فصل ۹ _ ۱۰، با تلخیص از صص ۲۲۰ تا ۲۳۰.

در آثار بر جای مانده از تمدن های کهن به راحتی می توان به پی آمدهای به کار بستن این شیوه های نادرست پی برد. در این میان سه نظریه ی عملی وجود دارد که بدین قرار است:

۱_ نظریه ی افراط گرایانه

۱_ نظریه ی افراط گرایانه

بیشتر صاحب نظران مکتب های تربیتی قدیم بر این باور بودند که کودک یا مجرم و خطاکار به دلیل طبع ناسالم و نداشتن هوش و درک کافی، سزاوار سخت ترین تنبیه ها هستند. برخی از آنان اعتقاد دارند که هنگام وقوع خلاف و جرم، روح شیطان در کالبد کودک و جوان مجرم حلول می کند. بنابراین، باید او را به شدت تنبیه کرد و در محرومیت نگاه داشت تا روح شیطان از کالبدش بیرون رود.

داروین و هواداران نظریه ی او نیز که انسان را بالفطره شرور می دانستند، روح کودک و نوجوان را روح حیوانی می خواندند و می گفتند باید آنان را مانند چهارپایان تنبیه کرد تا آداب و اخلاق بیاموزند. توماس هابز و جان لاک، دو فیلسوف مشهور غربی و برخی دیگر از فلاسفه ی مسیحی، به جواز مطلق تنبیه اعتقاد دارند.(۱)

بررسی وضعیت رفتاری و روانی تنبیه شدگان، نشان می دهد که تنبیه بیش از اندازه به ویژه نسبت به موجودات ضعیف و معصومی هم چون کودکان از روح ادب و مروّت انسانی به دور است، در بیشتر موارد، خلاف

۱- تربیت و شخصیت انسانی، سیدمجتبی هاشمی، دفتر تبلیغات اسلامی، پاییز ۱۳۷۲، ص ۸۹.

کاری کودکان، ناآگاهانه و بر اساس سرشت کودکانه ی آنان است. به همین دلیل، تنبیه شان نه تنها سودی ندارد، بلکه چنان زیان بار است که جبران آن را تا حدودی ناممکن می سازد.(۱)

به یقین، در خانواده هایی که کودکان با کوچک ترین خلاف، تنبیه می شوند و نوجوانان مورد تحقیر و اهانت شدید قرار می گیرند، محیط سالمی برای رشد و پرورش انسانی وجود ندارد. همان گونه که خانواده، چشمه ی جوشان محبت و عشق و ایثار در درون جامعه است، اگر به تعارض، خشم و نابرابری آلوده باشد، جامعه را نیز به زورگویی و شناعت می آلاید. در این میان، خانواده های نوظهور نیز با اثر پذیری از رفتار و آداب اجتماعی، از پرورش اجتماعی الگوبرداری می کنند. بدین ترتیب، روحیه ی خشونت، زورگویی و پرخاشگری تداوم می یابد و فراگیر می شود.

۲_ نظریه ی تفریط گرایانه

۲_ نظریه ی تفریط گرایانه

بر خلاف افراط گرایان که به جواز مطلق تنبیه اعتقاد داشتند، تفریط گرایان، ممنوعیت مطلق آن را تجویز می کنند. به باور آنان، همواره باید تمایلات بی حد و مرز کودک و نوجوان را بپذیریم و با فرد مجرم و خلاف کار نیز مانند یک بیمار برخورد کنیم.

به باور افرادی، هم چون روسو، فروبل و پستانوری که از این نظر هواداری می کنند، تنبیه خواه ناخواه پی آمدهای به مراتب زیان بارتری از خود جرم و

۱- تربیت و شخصیت انسانی، ص ۸۰.

خلاف به همراه می آورد.(۱)

ژان ژاک روسو معتقد است که انسان برای تربیت خردسالان، به مجازات و تنبیه نیاز ندارد، زیرا برای هر کار کودک مجازات و تنبیه طبیعی وجود دارد. کودکی که سیب فاسد می خورد، دل درد می گیرد. کودکی که به آتش نزدیک می شود، از آن آسیب می بیند و آن که با چاقو بازی می کند، زخم بر می دارد، همین آسیب ها، تنبیه و مجازات اوست. پس به طور کلی، برای هر رفتار نامطلوب کودکان، تنبیه و مجازاتی طبیعی و متناسب با آن وجود دارد، اسپنسر می گوید:

بهترین سنتی که در تأدیب کودک باید از آن پیروی شود، مجازات طبیعی است که متجانس با عمل او است. تنبیه بدنی و توبیخ و زجر طفل، تنبیه و مجازاتی بی ارزش و اهمیت است؛ چون مخالف با سنن و قوانین طبیعت است. نظربه این که میان جرم طفل و کیفرها و تنبیه تأدیبی معمول، فاصله وجود دارد و با هم متناسب نیستند. زیان چنین تنبیهاتی، از نفع آن بیشتر است.(۲)

نظریه های روسو تا مدت ها فراموش شده بود تا این که دکتر اسپاک آمریکایی در اوایل قرن بیستم آن را با عنوان تربیت آمریکایی در کتاب چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم؟ مطرح ساخت.

اسپاک در کتاب خود مدعی شد که تنبیه پی آمدهای کوتاه مدت یا دراز

۱- تربیت و شخصیت انسانی، ص ۸۳.

۲- اسلام و تعلیم و تربیت، سیدمحمدباقر حجتی، نشر فرهنگ اسلامی، تابستان ۶۸، ج ۲، صص ۱۸۳ ـ ۱۸۴.

مـدت ناگواری برای خلافکاران دارد و انگیزه ی انتقام گیری و تکرار خلاف را در آنان تقویت می کنـد. بایـد دانست مکتب روانکاوی فروید بر دکتر اسپاک اثر فراوانی داشته است. اصولاً هواداران فروید معتقدند که هر گونه محرومیتی به تولید عقده و فشار روانی می انجامـد و باجای گرفتن در ضـمیر ناخودآگاه، نابهنجاری می آفریند. مجرم در اثر عقده های روانی پنهان در ضمیر ناخودآگـاه، به رفتار خلاف دست می زنـد. تنبیه نیز راه را بر عقـده گشایی و ارضای محرومیت عاطفی وی می بنـدد. با افزایش فشارهای درونی، او را به سوی انفجار می کشاند.(۱)

۳_ نظریه ی اعتدال گرایانه

۳_ نظریه ی اعتدال گرایانه

نظریه ی اعتـدال گرایانه که با عقل سـلیم و تجربه هم آهنگی دارد تشویق و تنبیه را به عنوان دو عامل پیش برنـده و بازدارنـده در تربیت می پذیرد. ولی تشویق را بر تنبیه مقدم می داند. به دیگر سـخن، این نظریه هر چند وجود تنبیه را لازم و ضروری می داند، ولی می گوید میزان پاداش و تشویق و محبت همواره باید از میزان تنبیه و مجازات بیشتر باشد.

دیـدگاه تربیـتی اسـلام و بیشـتر روان شـناسان جدیـد غربی بـا نظریه ی اعتـدال هم آهنگی دارد، زیرا نبود تنـبیه و ترس از آن، ضمـانت اجرایی منع و نهی را از بیـن می برد. افزون بر آن، غلبـه ی تنـبیه بر تشویـق به احسـاس نـاامنی و حقـارت، دوگـانگی شخصیت و بدفهمی کودک، جوان و مجرمان در انجام وظیفه می انجامد. مکتب اسلام چون به اصالت رحمت و محبت اعتقاد دارد،

۱- تربیت و شخصیت انسانی، ص ۸۴.

تنبیه درست و مجاز را نیز گونه ای لطف و رحمت در حق فرد خلافکار می داند، زیرا سبب کنترل رفتار و تربیت انسان و پیش گیری از هرز رفتن نیروی جسمی و روانی و سلامت و سعادت فرد خواهد شد.

به یقین، در جهانی که همه چیز بر اساس نظم و ضابطه در روند زندگی خود، پی آمدهایی به همراه دارد، تنبیه و تشویق نیز به عنوان دو ساختار مهم در تربیت انسانی باید از نظم و ضابطه ای مشخص پیروی کند تا پی آمدهای مطلوب و مؤثر را به همراه آورد.(۱)

از یک سو، هیچ مربی نمی تواند کودک را به حال خود واگذارد تا طبیعت، او را مجازات کند. از سوی دیگر، نمی توان انسان را حیوانی پنداشت که باید با تنبیه و کتک زدن، او را تربیت و رام کرد. باید با در پیش گرفتن اعتدال، تشویق و تنبیه را هم پای همدیگر به کار بست؛ تشویق به عنوان عامل محرک فرد و تنبیه به عنوان ابزاری بازدارنده. باید دانست تشویق بر تنبیه مقدم است و تنبیه را باید با حفظ مراحل به کار بندیم تا به نتیجه ی مثبت آن دست یابیم.

۱- تربیت و شخصیت انسانی، ص ۸۶.

بخش دوم: تشویق و تنبیه در اسلام

اشاره

بخش دوم: تشویق و تنبیه در اسلام

زیر فصل ها

فصل اول: تشویق و تنبیه در قرآن

فصل دوم: شیوه های تشویق در اسلام

فصل سوم: ویژگی های تشویق در اسلام

فصل چهارم: پی آمدهای تشویق در اسلام

فصل پنجم: تشویق های زیان بار در اسلام

فصل ششم: تنبیه در اسلام

فصل هفتم: گونه های تنبیه در اسلام

فصل هشتم: ویژگی های تنبیه در اسلام

فصل اول: تشویق و تنبیه در قرآن

اشاره

فصل اول: تشویق و تنبیه در قرآن

زیر فصل ها

تشویق در قرآن

اشاره

تشویق در قرآن

قرآن هنگام بیان سرگذشت امت های پیشین به نعمت های داده شده به ایشان و بلاها ومصیبت های وارد آمده بر آن ها اشاره می کند تا امت های آینده از آن پند بگیرند. آوردن داستان سرگذشت امت های پیشین برای بازگوکردن توانایی خداوند است. قرآن در وصف پیامبران می فرماید که آنان مبشر (بشارت دهنده) و منذر(بیم دهنده) هستند. تعبیر قرآنی بشارت وانذار کاملاً با پاداش و تنبیه که دو ابزار تربیتی و اصلاحی است، هم آهنگی دارد.

از مجموع آیات مربوط به دو عامل تشویق و تنبیه، حدود ۳۰۰ آیه به مسأله ی تشویق و ۶۰۰ آیه، به عامل تنبیه مربوط است.(۱) در این جا دسته بندی این آیات، برای هر دسته، نمونه هایی می آوریم.

۱ـ پاداش و تشویق؛ ابزار تأثیرگذار

۱ــ پاداش و تشویق؛ ابزار تأثیرگذار

الف ــ خداوند می فرماید:

آمِنوا بِاللّه وَ رَسولِهِ وَ اَنفِقوا مِمّا جَعَلَکُم مُسْتَخْلَفینَ فِیهِ فَالَّذینَ امِنوا مِنْکُمْ وَ اَنْفَقُوا لَهُم اَجْرٌ کَبیرٌ.(۲)

به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آن چه خداوند، شما را در آن جانشین قرار داده است انفاق کنید.پس کسانی از شما که ایمان آورند و انفاق کنند، برای ایشان پاداش بزرگی است.

۱- قدرت در مدیریت اسلامی، محمدمهدی نادری قمی، ص ۱۵۸.

۲- حدید، ۷.

این آیه ی شریفه برای نفوذ در قلب مسلمانان از پاداش بهره می گیرد و می فرماید کسانی که از دستور الهی، پیروی کنند و رفتار مطلوب و مورد نظر خدا را انجام دهند از پااش بزرگ الهی بهره مند خواهند شد.

ب ـ خداوند در سوره ی رعد، قوانین و مقررات مطلوب الهی را بیان می کند. سپس برای تقویت انگیزه ی افرادی برای پیروی از این قوانین و مقررات، پاداش الهی را به تصویر می کشد:

وَالَّذینَ صَبَرُوا ابْتِغاءَ وَجْهَ رَبِّهِم وَ اَقامُوا الْصَّلوهَ وَانْفَقوُا مِمّا رَزَقْناهُمْ سِرّا وَ عَلانِیَهً وَ یَدرَؤُنَ بِالْحَسَنَه الْسیِّئَهَ اولئِکَ لَهُمْ عُقْبَی الْدّار جَنّاتِ عَدْنٍ یَدْخُلوُنَها وَ مَنْ صَلَحَ من ابائِهِم وَ اَزواجِهِمْ وَ ذُرّیاتِهِمْ وَ الْمَلائِکَهِ یَدْخُلوُنَ عَلَیْهِمْ مِنْ کل بابٍ. سَلامٌ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الْدّار.(۱)

آنان که برای به دست آوردن خشنودی پروردگارشان، شکیبایی کردند و نماز را بر پاداشتند و از آن چه به آنان روزی دادیم، در نهان و آشکار انفاق کردند و بدی را با نیکی دور می کنند، برای آنان است خانه ی آخرت، بهشت هایی پاینده که به آن در آیند و نیز هر یک از پدران و همسران و فرزندان شایسته و نیکوکارشان و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد شوند و (گویند) سلام برشما به پاداش صبری که کردید. پس چه نیک است خانه ی آخرت.

۲ـ پاداش؛ مادی و غیرمادی

۲ـ پاداش؛ مادی و غیرمادی

الف ـ خداوند در این آیه، به پاداش مادی اشاره کرده است:

وَالَّذینَ آمَنوا وَ عَمِلوُ الْصّالِحاتِ اوُلئِکَ اَصْحابُ الْجَنَّه هُمْ فیها

۱- رعد، ۲۲ ـ ۲۴.

خالِدُون. (۱)

و کسانی که ایمان آورند و کردار نیک و شایسته انجام دهند، ایشان اصحاب بهشت اند و در آن جاودانه خواهند بود.

ب ــ در این آیه ی شریفه، دوستی الهی، پاداش پیروی از فرمان خداوند شمرده شده است:

وَاَنْفِقوُا فی سَبیلِ اللّه وَ لاتُلْقُوا بِایْدیکُمْ اِلی الْتَهْلُکَهِ وَ اَحْسِنُوا اِنَّ اللّه یُحِبُ الْمُحْسِنین.(۲)

و در راه خدا (از مال خود) انفاق کنید و با دست خود، خویشتن را در هلاکت میافکنید و نیکی کنید. همانا خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

۳ــ همراه بودن پاداش و تنبیه

۳ــ همراه بودن پاداش و تنبیه

الف ــ خداوند می فرماید:

مَنْ عمل سَیّئه فَلایُجْزی اِلا مِثْلها وَ مَنْ عمل صالِحا من ذَکَرٍ اَوْ اُنْثی وَ هُوَ مُؤمِنٌ فَأُولئِکَ یَدخُلوُنَ الْجَنَّه یُرْزَقونَ فیها بغَیر حِسابٍ.(۳)

هر کس در دنیا کار بدی کرده است، جزایی جز شبیه آن چه انجام داده است نخواهد داشت و هر مرد و زنی که کردارشایسته به جا آورده است، اگر با ایمان باشند، به بهشت جاودان وارد شوند و از روزی و رزق بی حساب برخوردار می گردند.

۱- بقره، ۸۲.

۲- بقره، ۱۹۵.

۳- غافر، ۴۰.

براساس این آیه ی شریفه، کارکنان خطاکار که بر خلاف اهداف مدیر حرکت کنند، تنبیه می شوند و کارکنان فرمانبر پاداش می گیرند. در این جا تشویق و تنبیه همراه با یکدیگر آمده است:

ب ـ خداوند در قرآن فرموده است:

بَلی مَن کَسَبَ سیئَهً وَ اَحاطَتْ بِهِ خَطیئَه فَاُولئِکِ اَصْحابُ النّارِ هُمْ فیها خالِدون وَالَّذینَ امَنوا وَ عَمِلُوا الصّالِحات اولئکَ اَصْحابُ الْجَنَّه هُمْ فیها خالِدون. (۱)

آری، هر کس کردار زشت بیاندوخت و کردار بد بر او چیره شد، هر که باشد، اهل دوزخ است و در آن آتش، پیوسته ماندگار خواهد بود و کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک و شایسته کردند، اهل بهشت اند و پیوسته در بهشت، جاوید خواهند ماند.

پیامبران برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود و نفوذ در میان افراد، از دوابزار پاداش (بشارت) و تنبیه (انذار) بهره می گیرند. این دو ویژگی (به صیغه ی بشیر و نذیر یا مبشر و منذر) ۵۸ بار در قرآن تکرار شده است که در ۱۶ مورد در کنار یکدیگر آمده است:

فَقَد جائَکُم بَشیرٌ وَ نَذیرٌ.(۲)

اِنَّنی لَکُم مِنْهُ نَذیرٌ وَ بَشیر.(۳)

۱- بقره، ۸۱ ـ ۸۲.

۲- مائده، ۱۹.

۳- هود، ۲.

۴_ نادیده گرفتن پیشینه ی نامطلوب؛ پاداش خطاکاران برای انجام رفتار مطلوب

۴_ نادیده گرفتن پیشینه ی نامطلوب؛ پاداش خطاکاران برای انجام رفتار مطلوب

خداوند می فرماید:

یـا اَیُّهـا الَّذینَ آمَنوا اتَّقواللّه وَ قولوا قَولاًـ سَدیـدا یُصْـلِحْ لَکُمْ اَعْمـالکم وَ یَغْفِرلَکُم ذُنوبکم وَ مَن یطِعِ اللّه وَ رَسولَهُ فَقَـد فـازَ فَوزا عَظیما.(۱)

ای اهل ایمان! پرهیزکار و خـدا ترس باشـید و همیشه به حق و صواب، سـخن گوییـد، تا خداونـد، کردار شـما را به لطف خود اصلاح فرماید و از گناهان شما درگذرد. همانا هر که از خدا و رسولش پیروی کند، به رستگاری بزرگی دست یافته است.

یکی از مواردی که در این آیه ی شـریفه به عنوان پـاداش آمـده، این است که اگر مؤمنـان در رفتـار و گفتـار، گوش به فرمان خداوند باشند، خطاها و پیشینه ی بد آنان بخشیده می شود و خداوند، عملکردشان را اصلاح خواهد کرد.

ب _ هم چنین در این آیه آمده است:

یا اَیُّهَا الَّذینَ امَنوا اِنْ تَتَّقوا اللّه یَجْعَلْ لَکُمْ فُرْقانا وَ یُکَفِّرْ عَنْکُم سَیِّئاتِکُمْ وَ یَغْفِرْلَکُمْ وَ اللّه ذوُ الْفَضْلِ الْعَظیم.(۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از خدا پروا داشـته باشید، به شمار (قدرت) شناخت حق و باطل را می دهد و کردار بدتان را می زداید و شما را می آمرزد و خداوند دارنده ی فضل و بخشش بزرگ است.

۱- احزاب، ۷۰ _ ۷۱.

۲- انفال، ۲۹.

این آیه، کمک های فکری مدیر و چشم پوشی از کردار بدکارمندان را به عنوان یک پاداش بیان کرده است.

۵ـ مراتب گوناگون پاداش

۵ـ مراتب گوناگون پاداش

الف ــ در قرآن آمده است:

وَ لِکُلّ دَرَجاتٌ مِمّا عَمِلوُا وَ ما رَبُّک بَغافِلِ عَمّا یَعْمَلون.(۱)

و هر کس از بندگان به کرداری که کرده است (نزد خداوند) رتبه خواهد یافت و خدا از کردارهیچ کس غافل نخواهد بود.

ب ــ هم چنین خداوند می فرماید:

لایَسْتَوی مِنْکُم من اَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قاتَلَ اُولئِکَ اَعْظَمُ دَرَجَهً مِنَ الَّذین اَنْفِقُوا مِن بَعْدُ وَ قاتِلوا وَ کُلّاً وَعَدَاللّه الْحُسْنی وَ اللّه بِما تَعْمَلوُن خَبیرٌ.(۲)

آن مسلمانان که پیش از فتح مکه (در راه دین) انفاق و جهاد کردند، با دیگر مسلمانان، برابر نیستند، آنان اجر و مقامشان بسیار بزرگ تر از کسانی است که پس از فتح (و قدرت اسلام)، انفاق و جهاد کردند و خداوند به همه ی آنان، نیکوترین پاداش را وعده داده است و خدا به هر آن چه انجام دهید، آگاه است.

تنبیه در قرآن

اشاره

تنبیه در قرآن

آیات فراوانی در قرآن با اشاره به مجازات سرپیچی کنندگان از احکام الهی در میان اقوام گذشته، به آیندگان هشدار می دهد که اگر آموزه های پیامبران الهی را زیر پانهند، به عذاب و مجازات دنیوی یا اخروی یا هر دو

۱– انعام، ۱۳۲.

۲– حدید، ۱۰.

گرفتار خواهند شد. اینک آیات را به چند دسته تقسیم می کنیم و برای هر مورد، نمونه هایی می آوریم.

۱_ تنبیه؛ عامل تأثیرگذار

۱_ تنبیه؛ عامل تأثیرگذار

الف _ در قرآن آمده است:

وَ لَقَد اَهْلَکْنا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِکُم لَمّا ظَلَمُوا وَ جائَتْهُم رُسُلُهُمْ بِالْبَیّنات وَ ما کانوا لِیؤمنوا کَذلِکَ نَجْزی القومُ المجرمینَ.(۱)

و ما اقوام و ملت های پیش از شما را آن گاه که ستم کردند و پیامبرانشان با دلایل روشن نزد آنان رفتند و ایمان نیاوردند. هلاک کردیم. این گونه تبه کاران را کیفر می دهیم.

خداوند، کسانی را که در برابر دلایل روشن و آشکار پیامبران الهی تسلیم نمی شوند و ایمان نمی آورند، تهدید می کند و به آنان هشدار می دهد که آنان را تنبیه خواهد کرد. خداوند با این روش می کوشد آنان را به انجام رفتار مطلوب (ایمان آوردن به خدا) وادار سازد.

ب _ در آیه ی دیگری چنین آمده است:

من یشاقِقِ اللّه و رَسُولَهُ فانَّ اللّه شَدیدُ الْعِقاب.(۲)

هر کس با خدا و رسولش مخالفت ورزد، پس (بترسد که) همانا عذاب خداوند، شدید و سخت است.

۱- یونس، ۱۳.

۲- انفال، ۱۳.

این آیه برای آن که مردم را از مخالفت با خدا و رسول باز دارد، تهدید می کند و هشدار می دهد افرادی که با مدیر مخالفت کنند و از حیطه ی رفتار مطلوب خارج شوند، تنبیه خواهند شد.

۲_ تنبیه برای همه ی خطاکاران

۲_ تنبیه برای همه ی خطاکاران

الف _ خداوند فرموده است:

فالتقَمهُ الحُوتُ وَ هُوَ مُلِيمٌ فَلَوْلا اَنَّهُ كانَ مِنَ الْمُسَبِّحينَ لَلَبِثَ فى بَطْنِه اِلى يَوْمِ يُبْعَثوُن.(۱)

پس ماهی دریا، او را به کام خود فرو برد و مردمان نیز او را سرزنش کردند. اگر او به ستایش و تسبیح خدا نمی پرداخت، تا قیامت در شکم ماهی می ماند.

این آیات درباره ی حضرت یونس است که خداوند به دلیل سرزدن خطا، او را در شکم ماهی زندانی کرد. این آیات تأکید می کند که اگر یونس با توبه و استغفار، به جبران عملکرد نامطلوب خود نمی پرداخت تا روز قیامت در اعماق آب ها و در جای تاریکی هم چون شکم ماهی باقی می ماند و بیشتر از این تنبیه می شد.

ب _ در آیه ی زیر چنین آمده است:

وَ لَو تَقَوَّلَ عَلَينا بعض الاقاويل لاخذْنا مِنْه بِالْيمين ثُمَّ لَقَطَعنا مِنْه الْوَتين فَما مِنْكُم مِنْ اَحَدٍ عَنْه حاجِزين.(۲)

و اگر پیامبر گفته هایی را که از ما نیست، به ما نسبت دهد، ما با دست

۱- صافات، ۱۴۲ _ ۱۴۴.

۲- الحاقه، ۴۳ _ ۴۷.

راست او را می گیریم (کنایه از شدت است) و سپس رگ گردنش را می بریم. و هیچ یک از شما نمی تواند ما را از این کار باز دارد.

مخاطب این آیه، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. در این گونه آیات، دو احتمال وجود دارد. احتمال نخست آن است که واقعا خطاب اصلی شخص پیامبر باشد. در این صورت آیه را باید این گونه معنا کرد که مجموعه ی خدا و پیامبران و مردم همانند یک مجموعه و سازمان هستند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از خداوند در عالی ترین جایگاه این مجموعه قرار دارد. این آیات می فرماید حتی اگر همین شخص (پیامبر) در انجام مأموریت الهی و وظیفه ی خویش خطا کند، به شدت تنبیه می شود. روشن است که اگر دیگران نیز خطا کنند، تنبیه خواهند شد و هیچ گونه تبعیضی وجود نخواهد داشت.

احتمال دیگر این است که این آیه مصداق این ضرب المثل باشد که «به در می گوید تا دیوار بشنود». به دیگر سخن، به مردم هشدار می دهد که اکر بر فرض محال، شخصی مانند رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز خطایی مرتکب شود، تنبیه و مجازات خواهد شد.

۳_ رحمت و بخشش پیش و پس از تنبیه

۳_ رحمت و بخشش پیش و پس از تنبیه

الف _ خداوند به پیامبر می فرماید:

نَبِّئْ عِبادِی اَنّی اَنَا الْغَفُورُ الرَّحِیم وَ أَنَّ عَذابِی هُوَ الْعَذابِ الالیم.(۱)

بندگانم را آگاه کن که من بخشنده و مهربانم و عذابم دردناک است.

۱- حجر ۴۹ _ ۵۰.

نخستین راه کار خداوند در رفتار با بنده، رحمت و مغفرت است، ولی اگر بنده به سرپیچی از قوانین و مقررات ادامه دهد، باید بداند که از عذاب دردناک الهی در امان نخواهد ماند.

ب ــ هم چنین در جایی دیگر به پیامبر فرموده است:

وَالَّذینَ عَملوا الْسَّیئات ثُمَّ تابوُا مِنْ بَعْدِها وَ امِنوا اِن رَبّک مِنْ بَعْدِها لَغَفُور رَحیم.(۱)

و کسانی که کردار بد و ناشایسته انجام دادند و پس از آن توبه کردند و ایمان آوردند، همانا پروردگار تو پس از توبه و ایمان آنان بخشنده و مهربان است.

۴ــ ضرورت تنبیه برای خطای بخشش ناپذیر

۴ــ ضرورت تنبیه برای خطای بخشش ناپذیر

الف ــ در قرآن آمده است:

اِنَّ اللّه لایَغْفِر أَن یُشْرَکَ بِهِ وَ یَغْفِر مادُوَن ذالِکَ لِمَنْ یَشاء وَ مَنْ یُشْرِکْ بِاللّه فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً مبینا.(۲)

همانا اگر به خداوند شرک ورزند، آن را نمی بخشد و هر گناهی که پایین تر از این باشد، برای هر کس که بخواهد، می بخشد و و هر کس به خدا شرک ورزد در گمراهی آشکاری است.

ب ــ هم چنین در آیه ی زیر می فرماید:

اِنَّ الَّذینَ امَنُوا ثُمَّ کَفَروُا ثُمَّ اَمَنوُا ثُمَّ کَفَروُا ثُمّ ازْدادوا کفرا لم یَکُن اللّه لِیَغْفِرَ لَهُمْ وَ لا لِیَهْدِیهِمْ سَبیلاً.(۳)

۱- اعراف، ۱۵۳.

۲- نساء، ۱۱۶.

۳- نساء، ۱۳۷.

همانا کسانی که ایمان آوردند. سپس کافر شدند و پس از کفرشان، دوباره ایمان آوردند و پس از ایمان (دوم) دوباره کافر گشتند، سپس بر کفر خود افزودند، خداوند آنان را نمی آمرزد و به هیچ راهی هدایت نمی کند.

۵_ مرحله ای بودن اجرای تنبیه

۵_ مرحله ای بودن اجرای تنبیه

الف _ خداوند می فرماید:

وَالّلاتِی تَخافوُنَ نُشُوزَهُنَّ فَعَظُوهُنَّ واهْجِروُهُنَّ فِی الْمَضاجِعِ وَ اْضرِبوُهُنَّ فَاِنْ اَطَعْنَکُمْ فَلا تبغوا عَلَیْهِنَّ سَبیلا.(۱)

و زنانی را که از نشوز و نافرمانی ایشان بیم ناک هستید، پند دهید و در خوابگاه از آنها کناره گیری کنید و آنان را بزنید، پس اگر از شما پیروی کردند، راه های ستم کارانه را درباره ی آنان به کار نبرید.

ب _ در قرآن آمده است:

اَلَّذینَ کَفَرُوا وَ صَدّوُا عَنْ سَبِیلِ اللّه زِدْناهُمْ عَذابًا فَوْق الْعَذاب بِما کانوا یفسدون.(۲)

کسانی که کفر ورزیدند و مانع راه خدا شدند، عذاب شان را از عذاب دیگران بیشتر می کنیم، زیرا فساد می کنند.

درجه ای از عذاب و تنبیه برای کسانی است که کافرند، کسانی که هم خودشان کافرند و هم در راه هدایت دیگران، مانع آفرینی می کنند، به مرتبه ی شدیدتر و بالاتری از تنبیه دچار می شوند.

۱- نساء، ۳۴.

۲- نحل، ۸۸.

۶ـ تنبیه متخلفان، مایه ی تشویق افراد پای بند به مقررات

۶ـ تنبیه متخلفان، مایه ی تشویق افراد پای بند به مقررات

الف ــ قرآن درباره ی متخلفان فرموده است:

قاتِلوُهُم یُعَذِّبْهُمُ اللّه بِاَیْدیکُمْ وَ یُخْزِهِمْ وَ یَنْصُرْکُم عَلَیْهِم وَ یَشْفِ صُدوُرَ قَومٍ مُومِنین.(۱)

آنان را بکشید خداوند به دست شما، آنان را عذاب می کند و خوار می گرداند و شما را در برابر آنان یاری می کند و قلب های مؤمنان را شفا می دهد.

در این آیه، تنبیه کافران و مشرکان و خوار ساختن آنان، مایه ی آرامش قلب های مؤمنان شمرده است.

ب ــ خداوند می فرماید:

وَ لا یَحْزُنْکَ الَّذینَ یُسارِعوُنَ فِی الْکُفْرِ اِنَّهُم لَن یضروا اللّه شَیئا یریدُ اللّه ءاَلّا یجعل لهم حَظّا فی الاْخِرَهِ و لهم عذابٌ عظیم.(۲)

شتافتن افراد به سوی کفر، تو را غمگین نسازد زیرا آنان هیچ زیانی به خدا نمی رسانند. خداوند اراده کرده است که برای آنان در آخرت بهره و نصیبی نباشد و برای ایشان عذابی بزرگ است.

خداوند برای آرامش خاطر پیامبر می فرماید:

کافران تنبیه خواهند شد و در آخرت بهره ای ندارند.

تشویق و تنبیه در نهج البلاغه

اشاره

تشویق و تنبیه در نهج البلاغه

زیر فصل ها

الف ــ تشویق در نهج البلاغه

ب ــ تنبیه در نهج البلاغه

الف ــ تشویق در نهج البلاغه

اشاره

الف _ تشویق در نهج البلاغه

۱- توبه، ۱۴.

۲- آل عمران، ۱۷۶.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ها و نامه های خود از دو عامل تشویق و تنبیه برای هدایت مردم به راه حق، بهره جسته است. ایشان به عنوان حاکم جامعه ی اسلامی برای مدیریت درست اجتماعی، فرمانداران و استانداران شایسته را مورد تشویق قرار می داد و خطاکاران را توبیخ و تنبیه می کرد. افزون بر آن، حضرت علی علیه السلام به کارگزاران خود سفارش می کرد که از تشویق و تنبیه برای واداشتن زیردستان به کوشش اجتماعی بهره بگیرند. اینک به سخنان حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می پردازیم.

۱_ تشویق خداوند برای بندگی

سبحانک، خالِقًا وَ مَعْبُودا، بِحُسن بَلائِکَ عِنْدَ خَلفک خلقت دارا، وَ جَعَلت فیها مأدبه. مَشْرَبا وَ مَطْعَما وَ اَزْواجا وَ خَدَما وَ قصورا وَ اَنْهارا وَ زُرُوعا وَ ثَمارا. ثُمَّ اَرْسَلْت داعیا یَدْعوُا اِلَیها فَلاـ الدّاعی أجابوا، وَ لا فِیما رَغَبت اِلَیْه رَغَبوا، وَ لا اِلی ما شَوَّقْتَ اِلَیْه اشتاقوا.(۱)

ای خدای سبحان که جهان را آفریدگاری و همگان را به حق سزاوار پرستشی. تو از سر آزمایشی زیبا با خلق خود، سرایی آفریدی و در آن خوانی گستردی با هر گونه خوردنی و آشامیدنی و انواع همسران، خدمت گزاران، کاخ ها، نهرها، کشت زاران و میوه ها. آن گاه دعوت گری ویژه فرستادی تا خلق تو را به آن میهمانی فراخواند، ولی بندگانت، به آن دعوت گر، پاسخ مثبت نگفتند و به آن چه تو ترغیب شان کردی، رغبت نشان ندادند و به سوی آن چه تشویق شان فرمودی، شوق ابراز نکردند... .

۱- فرهنگ آفتاب (فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه)، عبدالمجید معادیخواه، ج ۳، ص ۱۳۹۰.

۲_ پی آمدهای تشویق الهی برای بندگان صالح خدا

اَمّا اَللّیلُ فَصافُّونَ اَقْدامَهُمْ تالینَ لِاَجْزاءِ اَلْقُرانِ. یُوَتِّلُونَه تَرْتیلا، یُحَزِّنُوُنَ بِهِ اَنْفُسَهُمْ وَ یَسْتَثیروُنَ به دَواءَ دائِهِمْ. فَاذا مَروّا بِایَهٍ فِیها تَشْویقٌ رَکَنُوا اِلَیْها طَمَعًا، وَ تَطَّلَعَتْ نُفُوسَهُمْ اِلَیْها شَوقًا، وَ ظَنُّوا اِنَّها نَصْبُ اَعْیُنِهِمْ.(۱)

شب را بر پا می ایستند و بخش هایی از قرآن را چنان با ترتیل تلاوت می کنند که آتش درون را شعله ور و داغ فراق را تازه می کنند و بر اندوه هجران می افزایند و با آن، به درمان دردشان می کوشند. چون به آیه ای می رسند که در آن، گونه ای تشویق است، چنان سرشار نیاز می شوند که جان هاشان از شوق سر بر می کشد وآن را فراروی خود می پندارند.

۳_ تشویق هواداران اهل بیت پیامبر علیهم السلام

وَ جَزاکُمُ اللّه مِنْ اَهْلِ مِصْرٍ عَنْ اَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّکُمْ أَحْسَنَ ما یُجْزی اَلْعامِلینَ بِطاعَتِه وَ الشّاکِرینَ لِنِعْمَتِهِ فَقَدْ سَمِعْتُمْ وَ أَطَعْتُمْ، وَ دُعیتُمْ فَأَجِبْتُمْ.(۲)

از خداوند برای شما که از اهل بیت پیامبرتان پشتیبانی کردید، بهترین پاداشی را که به عمل کنندگان طاعتش و سپاس گزاران نعمتش عطا می کند، خواستارم؛ زیرا شما شنیدید و پیروی کردید؛ فراخوانده شدید و پذیرفتید.

۴_ تشویق نیکوکار، عامل بازدارنده ی تخلف

أُزْجُرِ الْمُسیء بِثَوابِ الْمُحْسِنِ(۳)

با پاداش دادن به نیکوکار بدکار را از بدی بازدار.

اگر از نیکوکاران قدردانی شود، خلاف کاران در خواهند یافت که میان

۱- فرهنگ آفتاب، ج ۳، ص ۱۳۹۰.

۲- فرهنگ آفتاب، ج ۳، ص ۱۳۹۳.

۳- فرهنگ آفتاب، ج ۳، ص ۱۳۹۷.

دیگران جایگاهی ندارند. به ناچار، از رفتارهای بد خود دست برخواهند داشت.(۱) تشویق نیکوکاران سبب می شود خطاکاران احساس کمبود کنند و درصدد دست یابی به توجه دیگران و برخورداری از تشویق های مادی و معنوی آنان برآیند.

ب _ تنبیه در نهج البلاغه

اشاره

ب _ تنبیه در نهج البلاغه

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در اداره ی جامعه ی آن زمان و آموزش کارگزاران خود افزون بر تشویق، از تنبیه و مجازات نیز برای آنان که نتوانسته اند با حق همراه شوند، بهره جسته است. ایشان به کارگزاران و مربیان سفارش می کند که باید خطاکار را تنبیه کنند تا دیگران عبرت بگیرند.

۱_ تنبیه ؛ راه کار نفوذ در دیگران

وَ لَعَمْرِی ما عَلَیَّ مِنْ قِتالِ مَنْ خالَفَ وَ اُلحَقَّ وَ خابَطَ اُلْغَیَّ مِنْ اِدْهانِ وَ لاایمانِ.(۲)

سوگند به جان خودم! در جنگ با کسی که با حق مخالفت ورزید، و در گمراهی قدم نهاده است، هیچ گونه مسامحه و سستی در کار نخواهدبود.

حضرت علی علیه السلام می فرماید کسی که جز زبان زور و شمشیر، او را به راه نیاورد، بدون هیچ ملاحظه و سستی در حق او، از زور استفاده خواهم کرد. از دید مدیریتی معنای این سخن آن است که برای انجام رفتار مطلوب از سوی برخی کارکنان اگر لازم باشد باید به زور و اجبار دست زد و

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۴۷.

۲- نهج البلاغه، خطبه ی ۲۴.

این گونه آنان را به همراهی با مدیر و ارایه ی عملکرد مطلوب وادار کرد.

۲_ ممنوعیت تبعیض در مجازات

امیرالمؤمنین علی علیه السلام دراین باره می فرماید:

وَاللّه لَو انّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَین فعلاً مَثَل الَّذی فَعلت ما کانَتْ لهما عندی هواده.(۱)

به خدا قسم سوگند! اگر حسن و حسین هم آن چه را تو انجام داده ای، مرتکب شده بودند، با آنان صلح و آشتی نمی کردم.

حضرت با سوگند به خداوند تأکید می کند که در صورت دیدن خلاف از سوی حسن و حسین، میان آنان که نزدیک ترین افراد به او هستند و دیگران، تفاوتی قایل نخواهد شد. به دیگر سخن، همگان در مجازات دیدن یکسان هستند و حتی وابستگان به قدرت باید تنبیه شوند.

۳_ تنبیه آخرین شیوه ی درمان

وَاخلِطِ الشده بِضغثٍ مِنَ اللین و ارفق ماکانَ الرِّفق أرفقَ وَ اعتزم بِالشِّدَّه حینَ لایُغنی عنْک الا الشده.(۲)

و سختی و درشتی را با اندکی نرمی درهم بیامیز و مدارا و مهربانی کن، هنگامی که مدارا شایسته تر باشد و به سختی و درشتی روی آور آن گاه که جز سخت گیری تو را بی نیاز نمی گرداند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این نامه، سیاست کلی مدیریت اجتماعی را برای فرمانداران خود ترسیم می کند و یادآور می شود که اصل روش تنبیهی جایز است، ولی باید آن را در آخرین مرحله به کار بست.

۴_ سرزنش توده ی مردم

۱- نهج البلاغه، نامه ی ۴۱.

۲- نهج البلاغه، نامه ی ۴۶.

منیت بمن لا یطیع اذا أمرت و لایجیب اذا دعوت لا أبالکم ما تنتظرون بنصرکم ربکم أمادین یجمعکم و لاحمیّه تحمشکم.(۱)

به کسانی گرفتار شده ام که چون ایشان را امر می کنم، پیروی نمی کنند و چون آنان را می خوانم، پاسخ نمی دهند. ای بی پدرها! برای یاری پروردگارتان، منتظر چه هستید؟ آیا دینی نیست که شما را گرد آورد و آیا حمیت و غیرتی نیست که شما را تکان دهد؟

۵_ تنبیه خطاکار برای تشویق نیکوکار

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در عهدنامه ی مالک اشتر می فرماید:

و لایکونَنَّ المحسِن و المَسیئُ عندک بمنزلهٍ سواءٍ فانَّ فی ذلک تزهیدا لأهل الاحسانِ فی الاحسان، وَ تَدریبا لاهل الاسائه علی الاسائه و ألزم کلًا منهم ما ألزم نفسه.(۲)

همانا نباید نیکوکار و بدکار در نزد تو جایگاه یکسان داشته باشند، زیرا این کار نیکوکاران را به کار نیک، بی رغبت می کند و بدکاران را به کار بد وا می دارد. هر گروه را باآن چه خودش، خویش را به آن پای بند کرده است، همراه ساز.

تشویق و تنبیه در اخبار معصومین علیهم السلام

اشاره

تشویق و تنبیه در اخبار معصومین علیهم السلام

اساسی ترین هدف پیامبران و پیشوایان معصوم علیهم السلام شکوفاسازی فطرت الهی در انسان ها بود. آنان برای این مهم، از دو عامل تشویق و تنبیه بهره می بردند، به گونه ای که سفارش به بهره گیری از این دو عامل تربیتی در

۱- نهج البلاغه، خطبه ی ۳۹.

۲- نهج البلاغه، نامه ی ۵۳.

سخنـان آنـان بسـیار به چشم می خورد. اینـک به نمونه هـایی از سـخنان معصومین علیهم السـلام دربـاره ی تشویق و تنـبیه می پردازیم.

الف _ تشویق

۱_ تشویق کردار نیک کودکان

عَطَس غلام لم یبلغ الحلم عند النبی صلی الله علیه و آله فقال: الحمداللّه فقال له النبی صلی الله علیه و آله: بارک اللّه فیک.(۱)

پسـر بچه ای که بالغ نشـده بود، نزد پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله عطسه کرد، و پس از آن گفت: «الحمداللّه ». پیغمبر صـلی الله علیه و آله به او فرمود: «آفرین بر تو باد».

۲_ تشویق به کار

پیامبر اکرم درباره ی کسی که زندگی اش را با دست رنج خود اداره می کند، فرموده است:

من اکل من کد یده کان یوم القیامه فی عداد الانبیاء و یأخذ ثواب الانبیاء.(۲)

کسی که از دسترنج مشروع خود زندگی کند، در قیامت با پیامبران محشور می شود و مانند آنان پاداش می گیرد.

۳_ تشویق محبت به کودکان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه ای درباره ی وظیفه ی مردم در ماه مبارک رمضان فرمود:

۱- اصول کافی، محمدبن یعقوب کلینی، ج ۴، ص۴۷۴.

۲- الحدیث، مرتضی فرید، ج ۳، ص ۸.

و قروا کبارکم و ارحموا صغارکم.(۱)

به بزرگسالان خود احترام کنید و به کودکان خویش، ترحم و عطوفت ورزید.

هم چنین در جای دیگر می فرماید:

لیس منا من لم یرحم صغیرنا.(۲)

از ما نیست کسی که به کودکان مسلمانان، رحمت نکند و محبت نورزد.

۴_ تشویق بوسیدن کودکان

و قال علیه السلام: اکثروا من قبله اولادکم فانَّ لکم بِکُلِّ قُبْلَه دَرَجَهً.(۳)

فرزندان خود را بسیار ببوسید، زیرا در هر بوسیدن، درجه ای برای شما است.

۵_ تشویق به شاد کردن کودکان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ی شاد کردن کودکان می فرمود:

مَن فرح ابنته فکانما اعتق رقبه من ولد اسماعیل و من اقر عین ابن فکانما بکی من خشیه اللّه .(۴)

کسی که دختر بچه ی خود را شادمان می کند، مانند کسی است که بنده ای را از فرزندان حضرت اسماعیل علیه السلام آزاد کرده باشد. آن کسی که پسر بچه ی خود را شاد و دیده ی او را روشن کند، مانند کسی است که دیده اش از خوف خداوند گریسته باشد.

۱- الحدیث، مرتضی فرید، ج ۳، ص ۵۸.
۲- الحدیث، مرتضی فرید، ج ۳، ص ۵۸.
۳- الحدیث، مرتضی فرید، ج ۳، ص ۴۰.
۴- الحدیث، ص ۸۰.

بیان چنین پاداش هایی برای شاد کردن کودکان، در راستای شادکردن کودکان به پدر و مادر است.

۶_ تشویق پدر و مادر و مربیان به آموزش دینی کودکان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آموزگاری را که نام خدا را به کودکان می آموزد، سزاوار پاداشی بزرگ هم چون در امان ماندن از آتش عذاب الهی می داند:

اِنَّ المعلم اذا قال للصبی بسم اللّه کَتَبَ اللّه له و للصبی و لوالدیه برائهً من النار.(۱)

آن گاه که آموزگار نام خدا را به کودک بیاموزد، خداوند آموزگار، کودک و پدر و مادر کودک را از عذاب در امان می دارد.

۷_ تشویق به پرورش نیک فرزندان

امام سجاد علیه السلام درباره ی حق فرزند بر پدر و مادر می فرماید:

فاعمل فی امره عمل من یعلم انه مثاب علی الاحسان.(۲)

درباره ی کودکت رفتار کسی را داشته باش که می داند به دلیل تربیت نیکوی فرزندش، پاداش می گیرد.

۸_ تشویق به اصلاح خود و مبارزه بانفس

امام کاظم علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که پیامبر به سربازان که از جبهه ی جنگ برگشته بودند فرمود:

مَرْحبا بِقَوم قضوا الْجهاد الاصْغَر وَ بقی عَلَیْهِم الْجهاد الاکْبَر. قیل یا رسول اللّه و ما الجهاد الاکبر قال جهاد النفس.(۳)

۱- الحدیث، مرتضی فرید، ج ۳، ص ۹۲.

۲- تحف العقول، ص ۲۶۳.

۳- تحف العقول، ص ۳۰۸.

آفرین به مردمی که جهاد اصـغر را انجام داده و جهاد اکبر بر دوش آنان باقی مانـده است. عرض شـد یا رسول اللّه ! جهاداکبر کدام است؟ فرمود: جهاد بانفس.

ب – تنبیه

۱_ تنبیه فرزند بی ادب

امام باقر علیه السلام فرمود:

نَظَرَ اَبی الی رَجُلٍ وَ مَعَهُ اِبْنَهُ یَمشی وَالاِبنُ مُتَّکیٌ عَلی ذراعِ الابِ. قالَ فَما کلَّمَهُ ابی مقتاله حتی فارَقَ الدنیا.(۱)

پـدرم (زین العابدین علیه السـلام) پدر و پسـری را در رهگذر دید که با هم راه می رفتند ولی پسـر بی ادب، و از خودراضـی هنگام راه رفتن به بازوی پـدر تکیه کرده بود. پـدرم از این کار ناپسـند پسـر آن چنان خشـمگین شد که تا پایان زندگی با آن پسر سخن نگفت.

۲_ تنبیه بنده ی عصیانگر

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

اِضرِب خادِمُکَ اذا عَصَی اللّه، وَاعفُ عَنهُ اذا عَصاکَ.(۲)

اگر خدمتگزارت، از خدا نافرمانی کرد، او را تنبیه کن، ولی اگر از شخص تو نافرمانی کرد، او را ببخش.

۳_ سرزنش انسان بی تفاوت

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَیس بمومنٍ مَن باتَ شَبعانا وَ جارُهُ طاویا.(۳)

۱- الحدیث، ج ۳، ص ۳۴۳.

۲- غررالحکلم، ج ۲، ص ۱۹۴.

۳- مستدرک الوسایل، ج ۸، باب ۷۴، ص ۴۲۹، ج ۹۸۹۸.

کسی که سیر بخوابد و همسایه اش گرسنه باشد، با ایمان نیست.

۴ـ کیفر یونس به دلیل ترک أولی

حضرت یونس علیه السلام از پیامبران الهی بود که ۳۳ سال به تبلیغ وارشاد مردم پرداخت. در این مدت، تنها یک عابد و عالم به او ایمان آوردند.ولی دیگران هم چنان به بت پرستی خود ادامه دادند.

حضرت یونس علیه السلام به پیشنهاد عابد تصمیم گرفت مردم قومش رانفرین کند. آن گاه به او وحی شد که، عذاب الهی در فلان زمان فرا می رسد. هنگامی که زمان نزول عذاب نزدیک شد، یونس، به همراه مرد عابد از میان قوم خویش بیرون رفت و به ساحل دریا رسید در آن جا یک کشتی پر از جمعیت و بار را دید و از آنان خواست که او را نیز همراه خود ببرند.

آنان پذیرفتند و او سوار کشتی شد. ناگهان در میانه ی راه، ماهی بزرگی (نهنگ) سر راه کشتی را گرفت و دهان گشود. گویا غذا می خواست. قرعه به نام یونس افتاد و او را به دریا افکندند.(۱)

فَالتَقَمَهُ اَلحُوتُ وَ هُو مُلیمٌ.(۲)

ماهی بزرگ، او را بلعید، در حالی که سزاوار سرزنش بود.

۵ـ تنبهی بسیار لطیف برای انسانی کامل

نقل کرده اند که روزی پیامبراکرم صلی الله علیه و آله به دیدار فاطمه علیهاالسلام رفت، ولی وارد خانه نشد وبازگشت. زمانی که علی علیه السلام به خانه آمد، فاطمه علیهاالسلام،

۱- داستان دوستان، محمد، اشتهاردی، ج ۵، ص ۸۶.

۲- صافات، ۱۴۲.

ماجرا را برای او بازگفت. علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و علت را جویا شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «پرده ای نقش دار به در خانه آویخته دیدم» و سپس اضافه کرد: «مرا با دنیا چه کار؟»

علی صلی الله علیه و آله نزد فاطمه علیهاالسلام بازگشت و آن چه از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده بود، بازگو کرد. علی علیه السلام گفت: «آن پرده را نزد فلان کس بفرست، چون خانواده ای نیازمندند».(۱)

تشویق و تنبیه از دید عقل

تشویق و تنبیه از دید عقل

عقل انسان درباره ی حسن و قبح اشیا و تشخیص خوب از بد، به عنوان یک منبع اجتهادی مطرح است. چیزی را که عقل تأیید کند. شرع نیز آن را تأیید می کند، زیرا:

کلّما حَکَمَ به اَلْعَقْلُ، حَکَمَ به الشَّرعُ.

همان گونه که «صحیحه ی زراره» کاشف از حکم الهی است. عقل یک منبع کشف حکم الهی است. همان گونه که کسی با صحیحه ی زراره مخالفت کند، مجازات خواهد شد، اگرکسی با حکم عقل مخالفت کند، از سوی خداوند به مجازات خواهد رسید.

عقل، نیکی ها و زیبایی ها را حسن و بدی ها و زشتی ها را قبیح می داند. شیوه های گوناگون تشویق اعم از کلام زیبا، تحسین دیگران، تشویق های

۱- اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، ص ۲۰۹.

معنوی و عـاطفی کـار نیک شـمرده می شود و عقل حکم می کنـد که بایـد از این کار نیک بهره برد. بهره منـدی از تشویق به ویژه آن گاه که تربیت واصلاح دیگران به تشویق وابسته باشد، یا دست کم آن را آسان تر کند، ضروری خواهد بود.

درباره ی تنبیه باید گفت بعضـی درد را شـر می دانند. بالطبع تنبیه را نیز شـرارت می خوانند، زیرا پی آمد تنبیه، چیزی جز درد نیست. در مقابل باید دانست پی آمد بعضـی دردها، زندگی است. می پذیریم که انسان از درد ناشـی از تنبیه، نالان می شود و به طـور فطری از درد گریزان است، ولی گـاهی نـتیجه ی تنـبیه برتر از درد است. بنـابراین، چیز دردآور نبایـد به خـودی خـود ناپسـند شـمرده شود، بلکه بایـد به پی آمـد آن توجه کرد. حتی در بعضـی امور لذت آور نیز باید به پی آمد آن توجه داشت. برای نمونه، کسی که از نوشیدن نوشابه های الکلی لذت می برد، نمی داند که ادامه دادن به این کار، به تباهی جسم و اختلال روح او خواهـد انجامیـد. چنین فردی چون از پی آمـد این کار غافل است، از لذت شـراب خواری دست برنمی دارد. به همین دلیل، تنبیهی تجویز می شود که حیات فرد و جامعه را بیمه کنـد. و عقل نیز تنبیهی را حسن می دانـد که اهداف انسانی در آن رعایت شده باشد.(۱)

نمونه های تشویق و تنبیه در اسلام

۱ـ امام سجاد علیه السلام و تشویق فرزدق

در «رجال کشی» آمده است: هشام بن عبدالملک در زمان ولیعهدی خود

۱- جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، علی فائضی، صص ۳۱ ـ ۳۳.

به زیارت خانه ی خدا آمد و وارد مسجدالحرام شد پس از طواف خانه ی خدا می خواست حجرالاسود را ببوسد، ولی انبوهی جمعیت به او اجازه نمی داد. بنابراین، منبری برای او آماده کردند که وی بر روی آن نشست و اهل شام، پیرامون او را گرفتند. در این هنگام، علی بن الحسین علیه السلام با چهره ای نورانی و زیبا وارد مسجدالحرام شد و خانه ی خدا را طواف کرد. چون خواست حجرالاسود را استلام کند، مردم برای او راه باز کردند و او دست خود را به حجرالاسود رساند. مردمی که پیرامون هشام بودند شگفت زده شدند که چگونه ولیعهد اجازه نیافت حجرالاسود را ببوسد، ولی برای این جوان ناشناس، راه گشوده شد؟

از هشام پرسیدند که آن جوان کیست. وی پاسخ داد: او را نمی شناسم. در این هنگام، فرزدق؛ شاعر دربار مروانیان که در کنار هشام ایستاده بود، گفت: «ای هشام! اگر تو او را نمی شناسی، من او را می شناسم». آن گاه در قصیده ای ۸۰ بیتی، امام سجاد علیه السلام را معرفی کرد. هشام از این کار فرزدق سخت برآشفت. از این رو، او را به زندان افکند و حقوق او را از بیت المال قطع کرد. چون امام سجاد علیه السلام از این موضوع آگاه شد، به اندازه ی مخارج چهل سال را به فرزدق عطا فرمود و افزود: «اگر می دانستم که به بیش از این نیاز داری، عطا می کردم».(۱)

۲_ امام باقر علیه السلام و تشویق کمیت بن زید اسدی

۱- مستدرک الوسایل، محدث نوری، ج ۱۰، ص ۳۹۵.

روزی کمیت بن زیـد اسدی، شاعر بزرگ شـیعی بر امام باقر علیه السـلام وارد شد و اشـعاری را خدمت ایشان خواند. امام باقر علیه السـلام هـدیه ای به همراه جامه ای به او داد. کمیت گفت: به خـدا سوگنـد! من شـما را به خاطر مسایل دنیوی برنگزیدم. اگر چنین می خواسـتم به کسانی روی می آوردم که دنیا را در چنگ خود دارند. شـمارا برای ارزش های عالی انسانی و دینی برگزیده ام. از این رو، لباس شما را که نمونه ای از معیار انتخاب شماست، برمی گزینم.(۱)

۳_ علی علیه السلام و تنبیه نجاشی

نجاشـی، شاعری زبردست و از یاران علی علیه السـلام بود که با اشـعار حماسی خود در جنگ صفین اصحاب علی علیه السلام را به جنگ با شامیان ترغیب می کرد. روزی در ماه مبارک رمضان از کوچه های کوفه می گـذشت که یکی از خوارج، او را صدازد و گفت: «بره ی فربه ای دارم. بیا تا آن را بکشم و کبابی لذیذ نوش جان کنیم.»

نجاشـی به خانه ی او رفت و پس از خوردن کباب، شـراب نوشـیدند. سپس با وضع نامناسبی از خانه ی آن مرد خارجی بیرون آمـد. مردم او را نزد علی علیه السـلام آوردنـد. حضـرت به او ۸۰ تازیانه زد. سـپس او را زنـدانی کرد. بامـداد روز بعـد، او را خواست و بیست تازیانه ی دیگر به او زد. نجاشی گفت: «۸۰ تازیانه حدّ شراب را به من زدی. این بیست تازیانه چه بود؟ علی علیه السلام فرمود: برای گستاخی ات که در ماه رمضان، شراب نوشیده و

۱- ادبیات انقلاب در شیعه، صادق آیینه وند، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۶۳.

حرمت ماه رمضان راشکسته ای».(۱)

۴_ علی علیه السلام و تنبیه نسبت دهندگان ناروا

دو مرد بـا هم نزاع می کردنـد. یکی از آنـان، به فرد مقابـل، دشـنام داد و گفت: پـدرت دیوانه است (دیوانه پـدر)! دیگری نیز همـان نسـبت را به او داد. آنان را نزد علی علیه السـلام آوردنـد. حضـرت، تازیانه را به دست اولی داد و گفت: ۲۰ ضربه به او بزن. سـپس تازیـانه را از دسـتش گرفت و به دست دومی داد و گفت: تـو نیز ۲۰ ضـربه به او بزن بـدین ترتیب، هر دو را تنـبیه کرد.(۲)

تقدم تشویق برتنبیه

تقدم تشویق برتنبیه

بایـد دانست هر چنـد تنبیه و تهدیـد به عنوان عامـل بازدارنـده ممکن است کودک را از ارتکـاب کارهای زشت بازدارد، ولی معمولاًـ انگیزه هـای درونی او را تغییر نمی دهـد و به اصـلاح درون و تغییر در رفتـار نمی انجامـد. برای نمـونه، کودکی که از ترس تنبیه پـدر و مادر، دست به کاری نمی زنـد، ممکن است آن کار را در نهان انجام دهد. افزون بر آن ممکن است کودک به دلیل ترس از تنبیه، دست به کار خلاف نزند، ولی به انجام رفتار مطلوب نیز تحریک نشود. شاید کودک از راه مجازات یاد بگیرد که پرخاش گری خود را کنترل کند ولی دوستانه رفتار کردن را با مجازات یاد نمی گیرد. به همین

۱- جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، ص ۵۲.
۲- جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، ص ۵۳.

دلیل، ریشه های رفتار نامطلوب در او باقی می ماند و راه درست رفتار کردن را نمی آموزد.

در مقابـل، نقش تشویق چنین نیست. تشویق، رغبت هـای درونی را بر می انگیزد و بـا تقویت روحیه ی کودک، رفتـار مطلوب در او می آفرینـد. از این رو، تشویق بیشتر از تنبیه در اصـلاح درون مؤثر می افتد. امیرالمومنین علی علیه السـلام درباره ی زیان های تنبیه می فرماید:

اِنَّ لِلقُلوُبِ شَهْوَهٌ وَ اِقْبالاً وَ إدبارا فَأتوُها مِن قَبْلِ شَهْوَتِها وَ اِقْبالِها، فَاِنَّ القَلْبَ اِذا اُکرِهَ عَمِیَ.(۱)

همانـا دل هـا، خواسـته هـایی دارنـد. دل هـا رااز نـاحیه ی میل ورغبت آن ها به دست آوریـد. اگر قلب زیر اکراه و اجبار قرار گیرد، کور می شود.

بنابراین تا آن جا که ممکن است بایـد از روش تشویق و تکریم شخصـیت بهره گیریم نه تنبیه. بسـیاری از آیات قرآن کریم نیز اشـاره دارد که خداونـد همـاره عامـل تشویق و پـاداش را به کار می برد و تنها در صورت سـرپیچی بنـدگان از فرمان الهی، از تهدید و تنبیه اسـتفاده می کند. خداوند آن جا که وظیفه ی پیامبران الهی رابیان می کند، بشـیرو مبشـر بودن را بر انذار و منذر بودن، مقّدم می آورد:

فَقَدْ جائکم بَشیرٌ وَ نَذیرٌ.(۲)

وَ ما اَرْسَلناکَ الاّ مُبَشِّرا وَ نَذیرا.(۳)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۸۴.

۲- مائده، ۱۹.

۳- فرقان، ۵۶.

اِنّا ارسلناک شاهدا وَ مُبَشِّرا وَ نذیرا.(۱)

اِنّا اَرسلناکَ بالحق بَشیرا و نذیرا.(۲)

خواجه نصیرالدین طوسی می گوید:

بنیاد تربیت بر تشویق است. اگر معلم نتوانست از راه تشویق و انذار و تخویف، دانش آمور را اصلاح کند و تنبیه را لازم دانست، می تواند به تنبیه (حتی) بدنی روی آورد. آن تنبیه باید در عین این که درد آورد است، اندک باشد تا آن دانش آموز و دیگران عبرت گیرند.(۳)

فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان نیز بر این باور است:

پس از آن که تشویق و پاداش مؤثر واقع نشد، باید از آخرین وسیله با حفظ مراتب استفاده کرد. تنبیه تنها برای جلوگیری از قبایح نیست، بلکه موجب مبادرت به خیرات نیز خواهد بود.(۴)

۱- فتح، ۸.

۲- فاطر، ۲۴.

۳- آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۲، ص ۱۵۶.

۴- آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۲، ص ۲۴۳.

فصل دوم: شیوه های تشویق در اسلام

اشاره

فصل دوم: شیوه های تشویق در اسلام

زیر فصل ها

الف ــ شیوه ی کلامی

ب ــ شیوه ی مالی

ج ــ شیوه ی عاطفی ــ روانی

د ــ شیوه ی ارزشی (معنوی)

الف ــ شیوه ی کلامی

اشاره

الف ــ شیوه ی کلامی

بیشتر انسان ها از درون مایه و شیوه ی بازگویی سخن، اثر می پذیرند. به همین دلیل، اسلام نیز در ابلاغ پیام ها، به نرمی و خوش آیند بودن سخن تأکید می کند. برای نمونه، خداوند به حضرت موسی علیه السلام دستور می دهد که برای فراخواندن فرعون به توحید از سخنان نرم و ملایم بهره جوید:

اَذهبا الی فرعون انه طغی فقولا له قولاً لینا لَعَلَّهُ یَتَذَکَّرُ اَو یخشی.(۱)

به سوی فرعون بروید، زیرا طغیان کرده است، ولی به نرمی با او سخن بگویید. شاید متذّکر شود یا از خدا، بترسد.

کلام ملایم و نرم، سخنی است که گفتن آن در افراد، نگران کننده و شکننده نیست و آدمی از آن احساس آرامش می کند. طبیعت افراد، بیشتر به انس، صفا، چشم پوشی، محبت و رحمت گرایش دارد. به همین دلیل، اثرگذاری تفهیم و ارشاد در انسان با بهره گیری از ملاطفت و مهر بیشتر است.

۱- طه، ۴۳ ــ ۴۴.

تنبیه، آخرین درمان

اشاره

تنبیه، آخرین درمان

تشویق و تنبیه به عنوان ضمانت اجرایی تعلیم و تربیت و عامل سالم سازی فضای خانه، مدرسه، محل کار و جامعه و انگیزه آفرینی برای پرهیز از تخلف به شمار می رود. بشارت و انذار پیامبران الهی و پاداش و کیفر وعده داده شده نیز بر همین اساس استوار است. با این حال، در استفاده از این دو ابزار، حق تقدم با تشویق است. تا زمانی که تشویق کارساز است، نباید از تنبیه استفاده کرد. بر همین اساس، خداوند پس از این که تشویق و پاداش مؤثر واقع نمی شود، از لسان انذار و تنبیه استفاده می کند.

چون انسان ها یک گونه نیستند، گروهی را باید با انذارو تخویف و تنبیه به سوی ادب و اخلاق کشانند و در هر حال از آن باید به عنوان آخرین شیوه ی درمان بهره گرفت. روی آوردن مربی به تنبیه در همه ی موارد رفتاری، نشان دهنده ی ناتوانی او در استفاده از وسایل تربیتی دیگر است.

۱_ تحسین

۱_ تحسین

تحسین به معنی نیکو شمردن کار است. هنگامی که کودک یا حتی بزرگ سالی را تحسین می کنید، روحیه ی امیدوارانه ای در او پدید می آید و خواهد کوشید همان کار را تکرار کند و از تحسین دیگران برخوردار شود. از این رو، تحسین را باید از عوامل مهم در نفی جنبه های منفی و تقویت جنبه های مثبت آدمی دانست.

تحسین، شخصیت سرکوب شده ی کودکان را زنده می کند و آنان را برای ادامه دادن کارهای پسندیده، دل گرم می سازد.
نور امید و رضایت

درونی را در قلب او می تاباند و بر توانایی و همت او در انجام کارها می افزاید.

گاهی تحسین ها متوجه رفتار فرد دیگری است. به دیگر سخن، ما فردی را می ستاییم تا کودک دریابد که ما از رفتار آن فرد خشنود بوده ایم و او نیز به همان کار دست یازد. بنابراین، ستودن رفتار نیک دیگران، وسیله ای است برای به راه آوردن فرزند.(۱)

امام محمد باقر علیه السلام از امام سجاد علیه السلام درباره ی اصل تحسین نقل می فرماید:

کانَ اَبی زَین العابدین اِذا نَظَرَ الی الشباب الذین یطلبون العلم، ادناهم الیه و قالَ: مَرحبا بکم! انتم و دائع العلم یوشك اذا انتم صغار قومٍ اَن تکونوا کبارُ قومٍ آخرینَ.(۲)

پدرم امام زین العابدین هنگامی که جوانان جویای دانش را می دید، آنان را نزد خود فرا می خواند و می فرمود: آفرین بر شما باد! شما ذخیره هایی دانش، اکنون کودکان طایفه هستید، ولی به زودی از بزرگان و دست اندرکاران قبیله خواهید شد.

۲_ رضایت مندی

۲_ رضایت مندی

پس از آن که کودك، نوجوان یا کارمند در دوره ای بر خود سخت گرفت تا ضوابط را رعایت کند، باید رضامندی خود را از او اعلام کرد.

۱- حدود آزادی در تربیت، علی قائمی امیری، ص ۲۱۵.

۲- انوار البهیه، محدث قمی، انتشارات اسلامی، ص ۵۳.

اعلام رضایت پـدر و مادر، آموزگار و مربی از کودک، او را خشـنود می سازد. بایـد دانست رضایت مادران نیز ارزنده است، ولی به دلیل مهرورزی همیشـگی مادر به فرزند، تشویق و رضایت مادرانه برای فرزند، عادی است. در مقابل، رضامندی پدر و آموزگار برای او گواراتر و مهم تر جلوه می کند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره ی یکی از فرماندارانش می فرماید:

فَلَقَد اَحْسَنتَ الولایه وَ اَدَّیتَ الامانَه فَاَقْبِل غَیرَ ظَنینٍ وَ لاملومٍ، وَ لا مُتَّهَمٍ و لا مَأثومٍ فَلَقَد اَرَدْتُ اَلمسیرَ اِلی ظُلمَهِ اَهْلِ الشّامِ، وَ أحبَبَتُ اَن تُشهد معی، فَانَّک، مِمَنْ اَسْتَظْهِرُ به عَلی جَهادِ العَدُوِّ، وَاقامَهِ عَمودِ الدِّینِ.(۱)

تو به خوبی فرمانروایی کرده ای و امانت را به جای آورده ای، پس بی آن که مورد کم ترین بدگمانی و ملامتی باشی، یا اتهام گناهی درباره ی تو مطرح باشد، به سوی ما بیا، حقیقت این است که به سوی ستم گران شام آهنگ کرده ام و دوست دارم تو نیز همراه من باشی، زیرا تو از کسانی هستی که به خواست خدا، در جهاد با دشمن و برپاداشتن ستون دین بر تو تکیه دارم.

نکته:

۱ــ تحسین و رضامندی باید بر پایه ی واقعیت ها و رفتاری باشد که از فرد سرزده است. نه بر اساس آن چه هنوز انجام نگرفته است.

۱- فرهنگ آفتاب، ج ۳، ص ۱۳۹۵.

۲ــ تحسین و رضامندی باید خالصانه و باطنی بوده و از ظاهرسازی و تصنع به دور باشد.

۳ــ تحسین باید به اندازه باشد تا در رشد، فرد نقش مثبت خود را ایفا کند. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره فرموده است:

اَلثَّناءُ بِاَکثَرَ مِن الاستحقاقِ مَلَقٌ.(۱)

ستایش بیش از استحقاق، چاپلوسی است.

۴ــ در به کارگیری واژگان و اصطلاحات در تحسین دقت شود. همه ی واژگان مربوط به ستایش و تحسین رابه کار نگیرید، بلکه برای کارهای برتر فرد درآینده نیز عبارت هایی را ذخیره داشته باشید.(۲)

۳ــ دعا کردن

۳ــ دعا کردن

یکی از شیوه های تشویق کلامی در آیات و روایات اسلامی، دعا کردن برای کودک، نوجوان و بزرگ سالی است که با اصلاح رفتار خود می کوشد وظیفه ی خود را به درستی انجام دهد. دعا کردن پدر ومادر و مربی و مسؤول در حق کودک و نوجوان نشانه ی علاقه مندی آنان به فرد است. این کار مایه ی آرامش روح و روان کودک است و او را به ادامه دادن رفتار شایسته و نیک، مصمم می سازد.

قرآن کریم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سفارش می کند هنگام صدقه گرفتن از مردم، برای آنان دعا کن:

خَذْ مِنْ اَموالِهِم صَدَقَةً تُطَهِّرُهم و تُزَکّیهِمْ بِها وَصَلِّ عَلَیهم اِنَّ صَلاتکَ سَکَنٌ

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۴۷.

۲- حدود آزادی در تربیت، ص ۲۱۸.

لَهُمْ.(۱)

ای پیامبر! از اموال آنان صدقه (زکات) بگیر و بدین وسیله آنان را پاك و پاكیزه ساز و در پی این كار، در حق آنان دعا كن (و درود فرست)؛ زیرا این كار، آنان را آرام خواهد كرد.

عبداللّه بن ابی اوفی می گوید:

هرگاه كسی زكات مالش را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می آورد، ایشان او را دعا می فرمود.(۲)

۴_ تحریض كردن

۴_ تحریض كردن

یكی دیگر از شیوه های تشویق كلامی، تحریض افرادبه كار نیک و شایسته و وظیفه ای است كه بر عهده ی آنان نهاده شده است. تحریض، فرد را دل گرم می سازد و وی احساس می كند كسی، یار و پشتیبان اوست. خداوند دو بار در قرآن به پیامبر خود دستور می دهد مسلمانان را به جنگ با دشمنان اسلام تحریض كند:

یا اَیُّها النَّبِی حَرِّضِ الْمُومِنینَ عَلَی الْقِتال اِن یَكُن مِنْكُم عِشْرونَ صابِرُونَ یغلبوا مائتَینِ وَ اِن یَكُن مِنْكُم مائه یغلبوا الفا من الذین كفروا بانّهم قوم لایفقهون.(۳)

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تحریض كن (تشویق كن). هر گاه بیست نفر از شما با استقامت باشند، بر دویست نفر چیره می شوند. و اگر صد نفر باشند، برهزار نفر از كسانی كه كافر شدند، پیروز می شوند، زیرا

۱- توبه، ۱۰۳.

۲- دیدگاه اسلام نسبت به تشویق.

۳- انفال، ۶۵.

آنان گروهی هستند که نمی فهمند.

از این آیه ی شریفه چنین برمی آید که تحریض کردن، به معنای بیان توانایی، افراد بر انجام کار است.

۵_ درود فرستادن

۵_ درود فرستادن

یکی دیگر از شیوه های تربیتی قرآن و تشویق به رفتار پسندیده، درود فرستادن بر کودک و نوجوان است، قرآن کریم از این شیوه برای دنیا، برزخ و آخرت استفاده می کند. به همین دلیل، درباره ی حضرت یحیی علیه السلام می فرماید:

سَلامٌ عَلَیه یَومَ وُلِدَ وَ یَومَ یَموتُ و یوم یبعثُ حیّا.(۱)

درود بر او، آن روز که به دنیا آمد و آن روز که می میرد و آن روز که زنده برانگیخته می شود.

گاهی این درودها بدون قید دنیا و برزخ و قیامت آمده است، مانند:

سلامٌ علی ابراهیم.(۲)

سَلامٌ عَلی مُوسی وَ هارونَ.(۳)

سَلامٌ عَلی نُوح فی العالَمینَ.(۴)

این درودها پی آمد کارهای نیک است:

اِنّا کَذلک نَجزی المحسنین.(۵)

۱- مریم، ۱۵.

۲- صافات، ۱۰۹.

۳- صافات، ۱۲۰.

۴- صافات، ۷۹.

۵- صافات، ۸۰.

ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم.

بدین ترتیب، درود فرستادن به نیکوکاران سبب می شود آنان احساس شخصیت کنند و به کار نیک خود ادامه دهند.

۶_وعده دادن

۶_وعده دادن

یکی دیگر از شیوه های تشویق، دادن وعده های نیک است. این وعده ها ممکن است مادی یا معنوی باشد. اگر کودکی بداند پس از انجام کردار نیک و آراسته شدن به اخلاق پسندیده، سرانجام نیکویی در انتظار اوست، با توانایی دو چندان کار خواهد کرد.

یکی از شیوه های تربیتی قرآن کریم، وعده هایی است که خداوند به مؤمنان و شایستگان می دهد. در این جا نمونه هایی از وعده های الهی را بیان می کنیم.

۱_وعده ی مادی

وَعَدَ اللّه المؤمنینَ و المؤمناتِ جَنّاتٍ تَجری من تحتها الانهار خالدین فیها و مَساکنَ طیّبه.(۱)

خداند به مردان و زنان با ایمان، باغ هایی از بهشت وعده داده است که از زیر درختانش، نهرها جاری است. در آن جاودانه خواهند ماند و خانه های پاکیزه ای است.

۲_وعده ی معنوی

وَعَدَ اللّه الَّذینَ آمَنوا وَ عَمِلوا الصّالِحات لَهُم مَغفرةٌ وَ اَجْرٌ عَظیمٌ.(۲)

۱- توبه، ۷۲.

۲- مائده، ۹.

خداوند، به آنان که ایمان آورده و کردار شایسته انجام داده اند، وعده ی آمرزش و پاداش بزرگ داده است.

۳_ وعده ی رسیدن به خلافت زمین

وَعَدَ اللّه الَّذینَ آمَنوا مِنْکُم وَ عَمِلوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخلَفَنَّهُمْ فی اَلارْضِ.(۱)

خداونـد به کسانی از شـما که ایمان آورده و کارهای شایسـته انجام داده اند وعده می دهد که به یقین، آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد.

نکته ها:

۱_ بایـد کوشـید به وعـده ای که به کودکان و نوجوانان می دهیـد، وفا کنید. وفا نکردن به وعده، اعتماد کودکان را به پدر و مادر و آموزگار کاهش می دهد. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله می فرمود:

کودکان را دوست بدارید و نسبت به آنان مهربان باشید و به وعده ای که به آنان دادید، وفا کنید.(۲)

۲_ چیزهایی را وعده دهید که توان انجام دادن آن را داشته باشید. از وعده های انجام ناشدنی بپرهیزد.

۳_ کودکان را به وعـده های بزرگ عادت ندهیـد تا تجمل پرستی در آنان پدیـد نیایـد. دادن وعـده های پر خرج و گزاف به اقتصاد خانواده آسیب می رساند و در تربیت روحی و اخلاقی کودک نیز اثر نابجا دارد.

ب _ شیوه ی مالی

ب _ شیوه ی مالی

پـاداش هـایی که برای کودکـان در نظر گرفته می شود، پر شـمار و گونـاگون است و ما به تناسب بایـد یکی از آن ها را برای کودک در نظر بگیریم. پاداش

۱- نور، ۵۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۳۴.

ممکن است نقد یا نسیه و مادی یا غیرمادی باشد. در این میان، مهم آن است که کودک نیز به پاداش یاد شده به چشم پاداش بنگرد و او را به ادامه ی راه وادارد.

گفتنی است افزون بر کودکـان، بسـیاری از بزرگ سالان نیز با پاداش های مادی بیشتر ترغیب و تشویق می شونـد اصولاً انسان به دلیل نیازمندی به مادیات، با برخورداری از پاداش های مالی، نسبت به انجام کار بیشتر دلگرم می شود. به ویژه انسان هایی که از گنجایش روحی بالایی برخوردار نیستند بیشتر به پاداش های مادی گرایش دارند.

بر اسـاس همین فطرت الهی، نه تنهـا در این دنیـا، بلکه در سـرای آخرت نیز بـا پاداش های مادی می کوشـند، افراد را به سوی کردار نیک گرایش دهند. در قرآن آمده است:

وَاَلْسّابِقوُنَ اَلْسّابِقُونَ اُولئکَ اَلْمُقَرَّبونَ فی جَنّاتٍ اَلنَّعیمِ... وَ فاکِهَهٍ مِمّا یَتَخَیَّرونَ وَ لَحْمِ طَیْرٍ مِمّا یَشْتَهُونَ وَ حُورٌ عِینٌ کَاَمْثالِ اَللّؤلؤء المَکْنونِ جَزاءً بِما کانوا یَعْملوُنَ.(۱)

پیش گامان پیش گامنـد، آنان مقربياننـد. در باغ های پر نعمت بهشت (جای دارنـد)... میوه هایی از هرگونه که انتخاب کنند و گوشت پرنده از هرگونه که مایل باشـند. همسرانی از حورالعین دارند، هم چون مروارید در صدف پنهان. این ها پاداشی است در برابر کرداری که انجام می دادند.

پاداش های مالی و مادی در سیره ی تربیتی معصومین علیهم السلام نیز جایگاه

۱- واقعه، ۱۰ _ ۱۲ و ۲۰ _ ۲۳.

ویژه ای داشته است. برای نمونه، یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام به مکتب رفت و آموزگار به او سوره ی حمد آموخت. امام حسین علیه السلام هزار درهم به آن آموزگار پاداش داد. بعضی به این کار اعتراض کردند حضرت در پاسخ فرمود: «این کار آموزگار شایسته ی تشویقی بیش از این است.» (۱)

گفته شده است در زمان ولیعهدی امام رضا علیه السلام، دعبل بن علی و ابراهیم بن عباس ـ دو تن از شاعران اهل بیت علیهم السلام ـ خدمت امام رضا علیه السلام رسیدند و قصیده های خود را خواندند امام رضا علیه السلام نیز بیست هزار درهم از درهم هایی که به نام ایشان ضرب شده بود، به آنان عطا فرمود.

ج ـ شیوه ی عاطفی ـ روانی

ج ـ شیوه ی عاطفی ـ روانی

بسیاری از شیوه های تشویقی ممکن است تنها با گفتار یا رفتار، فرد را به رفتار نیک، دل گرم سازد. اعتمادسازی، و محبت ورزیدن از شیوه هایی است که کاستی های عاطفی و روانی موجود در روحیه ی نوجوان و جوان را جبران می کند و آنان را به مسیر درست رهنمون می سازد. قرآن کریم از این شیوه تشویقی به طور گسترده برای تربیت انسان ها بهره برده است که اینک به بعضی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ـ اِنَّ اللّه یُحِبُّ اَلْمُحْسِنینَ.(۲)

همانا خداوند، نیکوکاران را دوست دارد.

۱- دیدگاه اسلام نسبت به تشویق، ص ۷۵.

۲- بقره، ۱۹۵.

۲ــ اِنَّ اللّه یُحِبُّ اَلتَّوابینَ وَ یُحِبُّ المُتَطَهّرین.(۱)

همانا خداوند، توبه کنندگان و پاکان را دوست دارد.

۳ــ فِانَّ اللّه یُحِبُّ اَلمُتَّقینَ.(۲)

همانا خداوند، پرهیزکاران را دوست دارد.

۴ــ وَاللّه ُیُحِبُّ اَلْصّابِرینَ.(۳)

همانا خداوند، بردباران را دوست دارد.

۵ــ اِنَّ اللّه یُحِبُّ اَلْمُتَوَکّلینَ.(۴)

همانا خداوند، توکل کنندگان به او را دوست دارد.

۶ــ اِنَّ اللّه یُحِبُّ اَلْمُقْسِطینَ.(۵)

همانا خداوند، انسان هایی را که با عدل و انصاف رفتار می کنند، دوست دارد.

آشکار است که محبوب خدا قرار گرفتن برای یک فرد با ایمان، ارزش فوق العاده ای دارد.

بدین ترتیب، فرد به آرامش روانی دست می یابد و با برآورده شدن نیازهای عاطفی اش، به سوی خیر و صلاح، هدایت می شود.(۶)

اولیا و مربیان و مسؤولان اجتماعی باید بکوشند از این شیوه بیشتر بهره

۱- بقره، ۲۲۲.

۲- آل عمران، ۷۶.

۳- آل عمران، ۱۴۶.

۴- آل عمران، ۱۵۹.

۵- مائده، ۴۲.

۶- دیدگاه اسلام نسبت به تشویق، ص ۷۶.

گیرند؛ زیرا انسان ها برحسب فطرت و سرشت ذاتی خود دوست دار محبوبیت و احترام هستند. انسان ها می خواهند کرامت و ارزش انسانی شان نزد دیگران حفظ شود. از این رو، با افرادی که شخصیت شان را تکریم می کنند. و برای آنان، حرمتی بیش تر قایل هستند، خالص تر و صمیمانه تر ارتباط برقرار می کنند. بدین سان یکی از روش های تشویق در قبال انجام وظیفه ی یک فرد آن است که به او بفهمانیم او را دوست داریم.(۱)

د ـ شیوه ی ارزشی (معنوی)

د ـ شیوه ی ارزشی (معنوی)

گاه در قرآن و روایات به تشویق های برمی خوریم که با شیوه های یاد شده تفاوت دارد. این تشویق ها اگر به سرای آخرت مربوط باشد، نسبت به نعمت های بهشتی و اخروی از افق و ارزش بیشتری برخوردار است و اگر به این دنیا مربوط باشد، تشویق های مالی و مادی برتر است. نشان دادن اعتماد به فردیا نزدیک کردن او به خود، از این نمونه هاست.

راوی می گوید: ابومحمدهشام بن حکم که در آغاز جوانی بود، به جلسه ای وارد شد که حضرت صادق علیه السلام و شماری از اصحاب برجسته، کهن سال و با فضل و دانش ایشان برگرد آن حضرت حلقه زده بودند. چون چشم امام جعفر صادق علیه السلام به هشام بن حکم افتاد، از جای برخاست و او را احترام کرد و در بالای مجلس و کنار خود جای داد. این برخورد احترام آمیز حضرت، اعتراض بزرگان را برانگیخت، ولی ایشان هم چنان

۱- حدود آزادی در تربیت، ص ۲۲۱.

هشام را تشویق و تمجید کرد و فرمود:

وی در استدلال با مخالفان موفق بوده است و با این که سن کمی دارد، ولی از اندوخته ی علمی بالایی برخوردار است. بنابراین، سزاوار چنین تشویقی است تاسرمشق دیگران باشد.(۱)

پدر و مادر و مربیان نیز می توانند از این شیوه بهره گیرند و کودک و نوجوان را به خود نزدیک کنند و همنشین محفل انس خود سازند. آنان باید کودک و نوجوان را به مجلس های بزرگان راه دهند و درخانه با او همراه و هم راز گردند. در این صورت است که می توانند برخی مسایل رفتاری را به طور غیر مستقیم به او بازگویند.

دعبل خزاعی ــ شاعر مشهور اهل بیت ــ می گوید: «روزی وارد مجلس امام رضا علیه السلام شدم. حضرت برای من در مجلس خودش جا باز کرد و مرا در کنار خود نشاند. سپس فرمود: ای دعبل! دوست دارم شعری برایم بخوانی. من قصیده ام را خواندم. آن حضرت سخت گریست و سپس سرش رابه سوی من بالا آورده و فرمود: ای دعبل! روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری کرد.»(۲)

۱- دیدگاه اسلام نسبت به تشویق، ص ۷۸.

۲- دیدگاه اسلام نسبت به تشویق، ص ۷۸.

فصل سوم: ویژگی های تشویق در اسلام

اشاره

فصل سوم: ویژگی های تشویق در اسلام

تشویق مانند هر امر دیگر هنگامی نتیجه بخش و مثبت است که بر اساس آداب و ویژگی های درست به کار رود. کوچک ترین بی توجهی به این ویژگی ها نه تنها اثر تربیتی نخواهد داشت، بلکه شخصیت فرد را تخریب خواهد کرد. اینک به ویژگی های عام تشویق اشاره می کنیم.

۱_ تعلق گرفتن تشویق به رفتار و کردار نیک شخص

۱_ تعلق گرفتن تشویق به رفتار و کردار نیک شخص

در تشویق باید به کار نیک فرد توجه کنیم، نه شخص او تا وی بداند که آن چه ارزشمند است، کار و رفتار اوست.

قرآن کریم در تشویق های خود به این ویژگی توجه کرده است. به همین دلیل، هنگامی که خداوند برای تشویق پیامبران سخن می گوید، ویژگی های پسندیده ی آنان را بیان می کند:

وَاذْکُرْ فی اَلْکِتابِ اِبْراهِیمَ اِنَّهُ کانَ صِدّیقًا نَبیا.(۱)

در این کتاب ابراهیم را یاد کن؛ زیرا او بسیار راستگو و پیامبر (خدا) بود.

خداوند، ابراهیم را شایسته ی یادآوری می داند و دلیل آن را ویژگی نیک ابراهیم علیه السلام برمی شمارد.

وَاذْکُرْ فی اَلکِتابِ مُوسی اِنَّهُ کانَ مُخْلَصا وَ کانَ رَسوُلاً نَبِیّا.(۲)

۱- مریم، ۴۱.

۲- مریم، ۵۱.

در این کتاب (آسمانی) از موسی یاد کن؛ زیرا او مخلص بود و رسول و پیامبری والامقام.

وَاذْکُرْ فی اَلْکِتابَ اِسْماعِیلَ اِنَّهُ کانَ صادِقَ اَلْوَعْدِ.(۱)

در این کتاب از اسماعیل (نیز) یاد کن؛ زیرا او در وعده هایش، راستگو بود.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

اِنَّ اللّه واسِعٌ کَریمٌ ضَمِنَ عَلَی العَمَلِ الثَّوابِ.(۲)

همانا خداوند وسعت دهنده و کریم است و در عمل، ضامن پاداش است.

۲_ متناسب بودن تشویق با رفتار

۲_ متناسب بودن تشویق با رفتار

تشویق باید به جا ومتناسب با میزان و نوع کار باشد شکل آن _ تشویق زبانی، رفتاری، مالی، معنوی _ باید به روحیه ی شخص هنگام گزینش توجه شود.

اگر پاداشی مادی است، باید به گونه ای باشد که کودک بتواند از ان بهره مند گردد. برای نمونه، اگر بخواهیم برای کودکی که توانسته بر خود مسلط باشد و ضوابط رفتاری و کنترل های اجتماعی را بپذیرد، پاداش مادی در نظر بگیریم، خرید دایره المعارف برای او خطاست. این پاداش هر چند گران بهاست، ولی برای کودک سودی ندارد.

باید با خرید لباس زیبا و وسایل و اشیایی مورد استفاده و پرزرق و برق، او را تشویق کرد.

۱- مریم، ۵۴.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۴۷.

خداوند نیز برای افزایش علاقه مندی کافران و دل گرمی تازه مسلمانان به اسلام دستور می دهد که سهمی از زکات را به آنان بپردازید و با این کار، آنان را دل گرم کنید:(۱)

إِنَّما اَلصَّدَقاتُ لِلْفُقَرا وَ الْمَساكِينَ وَ الْعامِلِينَ عَلَيْها وَ الْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبُهُمْ وَ فى الرِّقابِ وَ الْغارِمينَ وَ فى سَبيلِ اللّه وَابْنِ السَّبيلِ فَريضَهً مِنَ اللّه وَ اللّه عَليمٌ حَكيمٌ.(۲)

زکات ها مخصوص فقیران و مسکینان و کارکنانی است که برای گردآوری آن زحمت می کشند و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام شود و برای (آزادی) بردگان و (ادای دین) بدهکاران و در راه (تقویت آیین خدا) و واماندگان در راه. این فریضه ی (مهم) الهی است و خداوند دانا و حکیم است.

در تشویق نباید برای کار کوچک، پاداشی بزرگ و تحسین های بیش از اندازه در نظر گرفت؛ زیرا انگیزه های بعدی برای رفتار مطلوب را از بین می برد. هم چنین برای کار بزرگ نباید پاداش ناچیز در نظر گرفت؛ زیرا از اهمیت آن کار می کاهد.

۳_ تشویق بهنگام

۳_ تشویق بهنگام

تشویق باید بهنگام انجام گیرد تا تأثیر مشخص و کارآیی مثبت داشته باشد. اگر می خواهید به کار نیک کودک پاداش دهیم یا رفتار و اخلاق پسندیده ی او را تحسین و تشویق کنید، باید بی درنگ پس از انجام آن کار

۱- حدود آزادی در تربیت، ص ۲۲۰.

۲- توبه، ۶۰.

نیک، به او پاداش دهید و از اخلاق نیک او، تعریف و تمجید کنید. فاصله افتادن میان کار نیک و دادن پاداشی که برای او در نظر گرفته ایـد، کارآیی چنـدانی نـدارد و کودک را به تکرار آن کار وادار نخواهد کرد. در این جا از رفتار پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در تشویق «حسان بن ثابت» در غدیر خم می توان یاد کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را در غدیر خم به عنوان پیشوای مردم پس از خود معرفی کرد و فرمود:

هر که من مولای اویم، علی مولای اوست و بر شماست که به راستی پیرو او باشید.در این هنگام حسان بن ثابت از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه خواست تا اشـعاری درباره ی علی علیه السـلام و برگزیدن آن حضـرت به امامت و خلافت بسـراید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای حسّان! به میمنت و برکت الهی بسـرای. حسان شعری زیبا سرود و خواند. چون حسان، شعر خود را خواند، رسول خدا صلی الله علیه و آله در قدردانی از او فرمود:

لا تَزالُ یاحسّان مُؤَیَّدا بِروحِ اَلْقُدُسِ ما نَصَرْتَنا بِلِسانِک.

ای حسان! تا آن زمان که ما رابه زبان خود یاری می کنی، از پشتیبانی های روح القدس بهره مند گردی.(۱)

۴_ متعادل بودن تشویق

۴_ متعادل بودن تشویق

تشویق نباید بیش از اندازه باشد، زیرا سبب غرور و تباهی شـخص می شود. هم چنین نباید کم تر از اندازه باشد، زیرا نتیجه ی مطلوب خود را از

۱- سیری در تربیت اسلامی، مصطفی دلشادی، ص ۳۳۶.

دست می دهد و انگیزه ی کافی برای تلاش و حرکت نمی آفریند. علی علیه السلام می فرماید:

اِذا مَدَحْتَ فَاختَصِرْ.(۱)

هنگامی که کسی را مدح می کنی، میانه روی کن.

آیین مقدس اسلام در برنامه ی تربیتی خود برای کودکان و نوجوانان، پدر و مادر را از زیاده روی در تشویق برحذر داشته است. اسلام کار آنان را که در مهر و نوازش وستایش و تمجید فرزندان شان، راه افراط می پیمایند و با روش ناپسند خویش، آنان را به خودپسندی عادت می دهند، نمی پسندد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

شَرُّ الآباءِ مَنْ دَعاهُ اَلْبِرُّ اْلا فراطِ.(۲)

بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان خود از اندازه پا فراتر می نهند و به زیاده روی می گرایند.

۵_ تشویق؛ وسیله نه هدف

۵_ تشویق؛ وسیله نه هدف

تشویق، وسیله ی برانگیختن است و نباید خودبه صورت هدف درآید و همه ی فکر آدمی را به خود سرگرم سازد؛ زیرا در این صورت، نقش بازدارنده پیدا می کند و سبب به فراموشی سپردن هدف اصلی می شود. قرآن کریم، تشویق های مادی و معنوی فراوانی برای ترغیب مؤمنان و شایستگان بیان می فرماید، ولی همه ی آنها را وسیله ای برای رسیدن به هدف بالاتر تا رضوان الهی می داند:

۱- میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۹، ص ۸۴.

۲- الحدیث، ج ۳، ص ۳۴۳.

وَعَدَ اللّه اَلْمؤمِنینَ وَ الْمُؤمِناتِ جَنّاتٍ تَجری مِنْ تَحْتِها اَلاَنْهارُ خالِدینَ فیها وَ مَساکنَ طَیِّبَهً فی جَنّاتِ عَدْنٍ وَ رِضوانٌ مِنْ اللّه ِ اَکْبَرُ ذلِکَ هُوَ الْفَوزُ اَلْعَظیمُ.(۱)

خداونـد به مردان وزنان باایمان، باغ هایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است، در آن جاودانه خواهند ماند و خانه های پاکیزه ای در بهشت های جاودان (نصیب آنان می سازد) و (خشنودی و) رضای خدا از همه ی این ها، برتر است. و پیروزی بزرگ، همین است.

همان گونه که از این آیه ی شریفه برمی آید، تلاش اصلی انسان باید رسیدن به تا رضوان الهی باشد و نعمت های بهشتی را وسیله ی ترغیب به انجام کردار نیک و شایسته بداند. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

اَللّهُمَّ اجعلنا مَشْغُولینَ بِأَمْرِکَ.(۲)

خدایا! ما را از کسانی قرار ده که پیوسته به امر تو سرگرم اند.

۶_ آشکار بودن دلیل تشویق

اشاره

۶_ آشکار بودن دلیل تشویق

شخصی که تشویق می شود و آنان که شاهد تشویق او هستند، باید دلیل تشویق شدن را بدانند. تشویق باید به گونه ای باشد که فرد، خود را سزاوار آن ببیند و از تأیید درونی وی برخوردار باشد. اگر فرد نداند برای چه کاری، تشویق شده است یا در برابر کاری بسیار کوچک و کم اهمیت، تشویق شود، به دو مشکل برمی خورد. نخست، نمی داند کدام کارش مطلوب بوده است که باید آن را تکرار کند. دوم این که پاداشی که در برابر

۱- توبه، ۷۲.

۲- جامع الاخبار، ص ۱۵۴.

کـاری کم اهمیت دریـافت کرده است، تأییـد درونی او را برنمی انگیزد و خود را سـزاوار دریـافت آن پاداش نمی بینـد. قرآن کریم دراین باره می فرماید:

وَالَّذینَ صَبَروا ابتِغاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَ اَقاموا اَلْصَّلوهَ وَ اَنْفَقوا مِمّا رَزَقْناهُمْ سِرًّا وَ عَلانِیهً وَ یَدْرَؤُنَ بِالْحَسَنَهِ اَلْسَّیِئَهِ اولئکَ لَهُمْ عُقْبَی الدّارِ * جَنّاتُ عَدْنٍ یَدْخُلُونَها... وَالمَلائکهُ یَدْخُلونَ عَلَیْهِم مِنْ کُلِّ بابٍ* سَلامٌ عَلَیکُم بِما صَبرتُم فَنِعْمَ عُقْبَی اَلّدارِ.(۱)

آنان که به دلیل ذات (پاک) پروردگارشان شـکیبایی می کننـد و نماز را بر پا می دارنـد و از آن چه به ایشان روزی داده ایم، در پنهان و آشکار انفاق می کنند، و با نیکی ها، بدی ها را از میان می برند، پایان نیک سرای دیگر، از آن آنان است. (همان) باغ های جاویدان بهشتی که وارد آن می شوند... و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می گردند و به آنان می گویند: سلام بر شما به خاطر بردباری و پایداری تان چه نیکوست سرانجام آن سرای جاویدان!

خداوند در این آیات، دلیل اعطای پاداش های بزرگ را موارد زیر معرفی می کند:

۱ـ صبر در راه خدا

۲ـ برپا داشتن نماز

۳ـ انفاق آشکار و پنهان در راه خدا

۴ـ زدودن بدی ها به وسیله ی خوبی.

ـ وظیفه شناسی کُمیت

ـ وظیفه شناسی کُمیت

۱- رعد، ۲۲ ـ ۲۴.

روزی «کمیت بن زید اسدی» خدمت امام سجاد علیه السلام رسید و عرض کرد: «شعری درباره ی شما گفته ام که می خواهم وسیله ی تقرّبی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله باشد» آن گاه قصیده ی میمیه ی خود را تا آخر خواند. چون قصیده به پایان رسید، امام سجاد علیه السلام فرمود: «ما پاداش تو را نتوانیم داد، امید است که خداوند به تو پاداش دهد.» کمیت گفت: می خواهم بعضی از لباس هایی که بدنتان را لمس کرده است، به من عطا فرمایید». امام علیه السلام پاره ای از لباس هایش را به او داد و در حق او چنین دعا کرد:

خدایا! کمیت نسبت به خاندان پیامبر، نیک انجام وظیفه کرد، آن گاه که بیشتر مردم از این کار بخل ورزیدند و تن زدند. آن چه از حق را که دیگران پوشیده داشتند، او آشکار کرد. خدایا! به او زندگی سعادتمند ببخش و شهیدش بمیران و جزای نیکش ده که ما از پاداش او ناتوانیم.

کمیت بعدها می گفت: «پیوسته از برکت این دعا بهره مند بودم.»(۱)

۷_ برانگیختن احساس موفقیت در فرد

۷_ برانگیختن احساس موفقیت در فرد

تجربه ی عملی بشر ثابت کرده است که هیچ عامل به پیروزی انسان به اندازه ی خود پیروزی، یاری نمی رساند. بشر هنگام انجام دادن کار یا رفتاری بیشتر خواهد کوشید که در آن کار، احساس پیروزی و کامیابی کند. اگر آموزگاری بخواهد شوق و علاقه ی پایداری در شاگردانش پدید آید، باید گام به گام، موفقیتی راکه به دست آورده اند، به آنان یادآوری کند.

۱- سیری در تربیت اسلامی، ص ۳۳۷.

منظور از موفقیت این نیست که بی درنگ و در یک زمان، شاگردان به هدف نهایی خود دست یابند، بلکه منظور ما، پیشرفت تـدریجی به سوی هـدف مطلوب است. اگر شاگردی بر اثر تشویق، شـماری از مراحل موفقیت را به تدریج بپیماید و یقین کند که در آن مراحل، پیروز شـده است، خواهـد کوشـید با علاقه ی فزون تری، مراحل دیگر را تا رسـیدن به هدف نهایی بپیماید. بنابراین، به دست آوردن موفقیت، از پاداش _ که از عوامل برونی تشویق است _ اهمیت بیشتری دارد.

پـاداش دادن به شـاگردان موفق و برتر سـبب می شود رقـابت در گروه خاصـی از همـان شاگردان، محـدود شود، ولی احساس پیروزی و مـوفقیت، این مزیت رادارد که هر شـاگردی بـا اراده ای راسـخ تر در مسـیر پیشـرفت روزانه ی خـود گـام برخـواهد داشت. در چنین شرایطی، فرد هماره به موفقیت، احساس نیاز، می کند و این احساس، نشاط و تحرّك او را بر می انگیزدو عزم او را پایـدارتر می سـازد، زیرا هر کس به انـدازه ی توانایی خویش جویای پیشـرفت و پیروزی است. در مقابل احساس ناکامی سبب سـستی اراده و تصمیم گیری انسان می شود. در این حالت، هر قدر تشویق بیرونی هم صورت گیرد، فرد را به سوی رفتار مطلوب نخواهد کشاند.

بر اسـاس آزمایشـی که در یکی از بوسـتان های کودکان انجام شـد، این حقیقت تأییـد گردیـد. در این آزمایش، بچه ها را به نوعی بازی رهنمون ساختنـد. پس از انـدکی دیـده شـد کودکانی که در این بازی ناموفق بودند، از آن روی گردان شدند و با رها کردن بازی، به گوشه ای از زمین پناه بردند. پس از چندی، همین بچه ها دسته دسته گرد هم آمدند و مدتی روی همان

بـازی تمرین کردنـد. سپس در جرگه ی بازی کنان موفق در آمدنـد و پیروزی هایی به دست آوردنـد و دیـد آن ها نسبت به همان بازی عوض شد. و از آن پس، از انجام آن بازی، احساس شوق و هیجان می کردند.(۱)

۸_ ویژگی های شخصیتی فرد تشویق کننده

۸_ ویژگی های شخصیتی فرد تشویق کننده

شخص تشویـق کننـده به انـدازه ی خـود تشویـق در کـارآیی تشویـق، نقش دارد. همه ی مـا، تشویـق افراد خاصـی رااز تشویق دیگران مهم تر می دانیم. برای کودکـان و نوجوانـان نیز چنین است. تشویـق شـدن از سوی افرادی که نزد آنـان از محبوبیت و ویژگی خاصـی برخوردارنـد، اثر بیشتری خواهـد داشت. گفتنی است تشـخیص این که چه کسـی می توانـد تشویق ها را با اثر گـذاری بیشتری عرضه کنـد، چنـدان آسـان نیست. بـا این حـل می توان گفت کودکـان و نوجوانان نیزماننـد بزرگ سالان از تشویق افراد موردتوجه مردم و آنان که با بچه ها دوست و مهربان هستند، بیشتر اثر می پذیرند.

مثـال: زهرا و لیلابـا همـدیگر خواهرنـد. زهرابه دبیرسـتان می رود و لیلاـ دانش آموز کلاس سوم دبسـتان است. مادر آنان می گویـد: زهرا به لیلاـ خیلی علاقه منـد بود و به عنوان خواهر بزرگ تر، مراقبت از او را بر عهـده گرفته بود. یکی از روزها گویا معلم بهـداشت زهرا دربـاره ی آلـودگی هـوا در کلاـس صـحبت کرده بـود. زهرا نیز تصـمیم گرفته بود مقـاله هـای مربوط به آلودگی هوا را از روزنامه ها جمع آوری کند و نگه دارد. لیلا گاهی در این کار به او

۱- اسلام و تعلیم و تربیت، بخش دوم، صص ۲۲۸ _ ۲۲۹.

کمک می کرد تا نشان دهد او هم می تواند قسمتی از مطالب روزنامه ها را بخواند. زهرا این کارخواهرش را با خوشرویی پذیرفته و به او اجازه داده بود که عنوان های مربوط به آلودگی هوا را از لابه لای روزنامه ها برای او پیدا کند.

شبی که مهمان داشتیم، زهرا پس از شام، مطالب بسیاری درباره ی علل آلودگی هوا و راه های پیشگیری از آن و زیان های هوای آلوده برای مهمانان ما گفت که مورد توجه و تحسین همه قرار گرفت. روز بعد چند نفر از دوستان لیلا به خانه ی ما آمدند. لیلا نیز درباره ی آلودگی هوا شروع به سخنرانی کرد و تا می توانست در این باره سخن گفت.(۱)

در این نمونه می بینیم که تشویق های زهرا که مورد احترام و علاقه ی فراوان لیلابوده، توجه او را به یادگیری مطالب مربوط به آلودگی هوا جلب کرده است، بدون این که زهرا قصد یاد دادن آن ها را به او داشته باشد.

۱- تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان، یوسف کریمی، تهران، انتشارات فاطمی، ۱۳۶۸، ص ۸۰.

فصل چهارم: پی آمدهای تشویق در اسلام

اشاره

فصل چهارم: پی آمدهای تشویق در اسلام

زیر فصل ها

۱ـ تشویق و پیشرفت و سازندگی

۲ ـ تشویق و پرورش انسانی

۳ـ تشویق و فراگیری دانش

۴ـ تشویق و فراگیری قرآن و معارف

۱ـ تشویق و پیشرفت و سازندگی

۱ـ تشویق و پیشرفت و سازندگی

انسان طبعا کمال جو و دوست دار پیشرفت وساختن دنیای بهتر برای خود است. ولی برای رسیدن به این پیشرفت، به انگیزه نیاز دارد، زیرا نسان برای انجام هر کاری باید به این سه نکته توجه کند:

۱ـ شناخت: باید آن کار را بشناسد.

۲ـ انگیزه: باید برای انجام آن کار، انگیزه ی کافی داشته باشد. (نیرویی روانی او رابه انجام آن کار بکشاند.)

۳ـ حرکت: باید برای آن کار، «حرکت» داشته باشد. (با بهره گیری از نظام ماهیچه ای و عصبی خود، فعالیتی انجام دهد).

این سه مورد تکمیل کننده ی همدیگر برای دست یابی به پیشرفت است.

تشویق، انگیزه و نیروی لازم را برای انجام یک کار در اختیار فرد می گذارد. تا فرد تشویق نشود، انگیزه و نیازی برای رسیدن به پیشرفت در او پدید نمی آید. همه ی دانشمندان، مخترعان و مردان بزرگ از تشویق آموزگار، پدر و مادر یا دوستان خود بهره مند بوده اند.

۲ ـ تشویق و پرورش انسانی

۲ ــ تشویق و پرورش انسانی

برخی از روان شناسان بر این باورند که استعدادی ارثی در انسان ها وجود دارد که بر اساس آن، افراد نسبت به کسانی که با آنان رفتار محبت آمیز دارند، بامحبت رفتار می کنند و این محبت و تشویق، آنان را در مسیر تربیت درست، هدایت می کند. به کارگیری شیوه های تشویقی، به

عنوان سـنت عملی، اخلاقی و تربیتی، از کودکان، نیروهایی رشـید، نیرومنـد، اثرگـذار، آگاه و پراحساس و خـدمت گزار می سازد.

آیـات و روایات اسـلامی نیز با توجه به همین مسأله، در زمینه ی به کارگیری مناسب و دقیق روش های تشویقی، راه کارهایی ارایه داده اند.

ژان ژاک روسو می نویسد:

ای مردم! مهربـان باشـید و بـه همـه ی مردم از هر طبقـه و سـنی، محبت کنیـد. محبت نخسـتین وظیفه ی شـماست. کودکـان را دوست بدارید. در تفریح ها و بازی ها آنان را کمک و تشویق کنید.

۳_ تشویق و فراگیری دانش

۳_ تشویق و فراگیری دانش

طبیعت انسـان ها به گونه ای است که هر گاه به دلیل انجام کاری، تشویق شونـد در صـدد بر می آینـد تا آن کار را بهتر انجام دهند. صاحب نظران تعلیم و تربیت برای انگیزه آفرینی در دانش آموزان، اهمیت فراوانی قایل هستند و حتی برخی، آن را رمز یادگیری دانسته اند.

اگر انگیزه ی یـادگیری درس در دانش آموزان ایجـاد شود آنـان درس را فراخواهنـد گرفت. البته در برنامه ریزی درس ها نیز بایـد دقت صورت گیرد. آزمـایش هایی که درباره ی دانش آموزان با انگیزه و بـدون انگیزه انجام گرفته است، نشان می دهد سرعت یادگیری دانش آموزانی که مورد تشویق قرار گرفتند، از دانش آموزانی که تشویق نشدند، بیشتر بوده است.(۱)

۱- تربیت آسیب زا، عبدالعظیم کریمی، صص ۷۶ _ ۷۷.

تشویق به عنوان وسیله ی انگیزش مانند آمادگی ذهنی یا رفتارهای ورودی، پیش نیاز یادگیری به شمار می آید و اثرگذاری آن بر یادگیری، آشکار است. اگر دانش آموزان با تشویق، نسبت به درس علاقه مند شوند، هم توضیح های آموزگار را به دقت خواهند شنید و هم تکالیف درسی خود را با جدّیت انجام خواهند داد.

۴_ تشویق و فراگیری قرآن و معارف

۴_ تشویق و فراگیری قرآن و معارف

بهترین بیان درباره ی آموزش قرآن و تشویق مردم به یادگیری آن، سخن پیامبراکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود:

خَیْرُکُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرآنَ وَ عَلَّمَه.(۱)

بهترین شما کسی است که قرآن بیاموزد و قرآن یاد دهد.

یکی از بهترین شیوه های آموزش قرآن کریم، بهره گیری از روش های تشویقی است. با تشویق مناسب، یادگیری قرآن برای کودکان و نوجوانان شیرین می شود. نمونه ی بارز آن، زندگی کودک خردسال، محمدحسین علم الهدی است. تشویق های پدر و مادر در راه آموزش و حفظ قرآن کریم و مفاهیم والای آن چنان اثری در وجود این کودک گذاشت که در مدت کوتاهی توانست قرآن را حفظ کند. پدر او در یکی از برنامه های تلویزیونی نقل می کرد که روزی بر سر سفره ی غذا، لقمه ای در ظرف ماست او زدم. او آیه ی شریفه ی «لاتعتدوا» را خواند. از آن پس، او را تشویق کردم این کار سبب شد وی بتواند مفاهیم قرآن را حفظ کند.

۱- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۸۶.

نویسـنده ی کتاب اسـلام و تربیت کودکان نقل می کنـد: یکی از اساتیـد بزرگ ما در میان عده ای از طلاب، مسابقه ی حفظ قرآن برگزار کرد و جـایزه ای هم می داد. اینجـانب در آن مسـابقه شـرکت جسـتم و آیـاتی را که آن مرحـوم معین کرده بود، حفظ کردم و از دست ایشان جایزه گرفتم. الان که ده ها سال از ان ماجرا می گـذرد، هنوز آن آیات را از حفظ دارم و هرگاه آیـات را می خـوانم، برایش طلـب رحمـت می کنم و به این خـدمتی که به من کرده، آفرین می گـویم. و اکنـون افسـوس می خورم که چرا این مرد بزرگ در آن سال هایی که کسی در فکر این گونه کارهانبود، این برنامه ی سازنده ی خود را گسترده تر نکرد و ما را از فیض وجود قرآن بهره مند نساخت؟(۱)

یکی از برنامه های قرآن، تشویق و تحریض به آموختن معارف الهی است. قرآن کریم می فرماید:

فَلَولا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرقَهٍ مِنْهُمْ طائفه لِیَتَفَقَّهُوا فی الدِّین.(۲)

چرا از هر گروهی از آنان (مسلمانان) طایفه ای کوچ نمی کنند تا در دین (معارف و احکام اسلامی) آگاهی یابند.

کودک نسـبت به آن چه به طور منظم در محیط خانواده می بینـد، انس پیدا می کند و همین انس اولیه، زمینه را برای پیدایش عادت و انجام فرایض دینی در مراحل بعـدی، فراهم می آورد. دیـدن آداب دینی و عبادت های مذهبی در محیط خانواده، در ذهن و روان کودک نقش می بندد و گونه ای

۱- اسلام و تربیت کودکان، احمد بهشتی، ج ۲، صص ۲۳۵ _ ۲۳۶.

۲- توبه، ۱۲۲.

انس روحی نسبت به معارف دین در او پدید می آید. اگر پیدایش این روحیه با تشویق پدر و مادر همراه شود، این معارف در روان فرد، نهادینه و آثار آن در رفتار او، پدیدار خواهد شد.

فصل پنجم: تشویق های زیان بار در اسلام

اشاره

فصل پنجم: تشویق های زیان بار در اسلام

زیر فصل ها

۱ــ تشویق رفتارهای نامطلوب

۲ــ توجه بی جا

۳ــ تشویق بیش از اندازه

۱ــ تشویق رفتارهای نامطلوب

۱ــ تشویق رفتارهای نامطلوب

گاهی ممکن است رفتارهای نامطلوب نیز مانند رفتار مطلوب، مورد تشویق قرار گیرد. گفتنی است تشویق چنین رفتاری معمولاًـ آگاهانه نیست، بلکه به صورت تصادفی و حتی گاهی برای خیرخواهی رخ می دهد، ولی در هر حال به تخریب شخصیت فرد تشویق شده می انجامد. پدر و مادر باید بکوشند رفتارهای نامطلوب کودکان را به طور ناخودآگاه تشویق نکنند. زیرا در این صورت، خود و فرزندان دچار مشکل خواهند شد. نمونه ای از این تشویق های مخرب را می آوریم.

«روزی دوستی به دیدن مادر محمد آمد. خانم ها گرم صحبت بودند و محمد در اتاق خود سر گرم بازی بود. محمد به مادرش گفت: «مادر! من می توانم یک شیرینی بردارم؟» مادر به او توجهی نکرد و هم چنان به صحبت با دوستش ادامه داد. محمد برای بار دوم تقاضای خود را با صدای بلندتری تکرار کرد. این بار مادرصدای او را شنید، ولی باز هم نمی خواست صحبت خود را قطع کند و به او جواب دهد. بار سوم، محمد با جیغ بلندی گفت: مادر! من شیرینی می خواهم! مادر که دیگر نمی توانست صدای او را نشنیده بگیرد، یک شیرینی به او داد و دوباره مشغول صحبت شد.

در این جا آغاز یک حلقه ی معیوب را می بینیم. محمد متوجه شد که تقاضای آرام و مودبانه فایده ای ندارد و با فریاد زدن تحکم آمیز فوری به پاداش می رسد. مادر محمد با این شیوه به فرزند خود آموخت که همیشه برای جلب توجه دیگران به خود، فریاد بکشد و تحکم کند. از آن پس،

مـادر و فرزنـد نـاراحتی هـای روز افزونی داشـتند. اگر مادر محمـد هنگامی که پسـرش به آرامی از او خواهش کرده بود به او شیرینی بدهد، به این درخواست، مؤدبانه پاسخ داده بود، رفتار مؤدبانه ی پسـرش را تشویق کرده بود. به همین دلیل، راحت تر می توانست به صـحبت با دوست خود ادامه دهـد. بی توجهی به نیاز کودک سـبب شد مادر با تشویق رفتار نامطلوب فرزند، از آن پس با دشواری های بیشتری روبه رو شود.(۱)

۲ـ توجه بی جا

۲ـ توجه بی جا

گـاهی بزرگ سالاـن، رفتـار کـودک را مـورد تشویق و توجه قرار می دهنـد، در حـالی که عاقلاـنه ترین راه در آن زمـان، بی توجهی نشان دادن به آن رفتار است. این توجه بی جا به انـدازه ی همان بی توجهی بی جا زیان آور است و در گسترش رفتار نامطلوب اثر می گذارد.

مثال: روزی بهمن فراموش کرد لباس ورزش خود را به مـدرسه ببرد. هنگامی که مادر متوجه این مسأله شد، با این که مدرسـه ی فرزنـدش از خانه ی آنان بسـیار دور بود، لباس ها را به مدرسه برد و به او داد. هفته های بعد اتفاق های مشابهی تکرار شد. بهمن یک روز کتاب و دفتر مشق خود را فراموش کرد. روز دیگر پول ناهارش را نبرد و رویدادهایی از این گونه. مادر هر بار چیزهایی را که بهمن فراموش کرده بود، برایش می برد. معاون

۱- تغییر رفتارهای کودکان و نوجوانان، ص ۱۸۶.

مدرسه نیز با بلندگو، بهمن را صدا می کرد و او برای گرفتن آنهابه دفتر می آمد.

مادر بهمن، دنباله ی داستان را چنین نقل می کند:

«روزی بهمن خوشحال به خانه آمد و گفت: امروز پنجمین بار بود که اسم مرا از بلندگو صدا کردند. من ناگهان متوجه اشتباه خود شدم. معلوم شد که نگرانی من برای نمره ی بدگرفتن یا سرزنش شدن، یا گرسنه ماندن او، سبب شده بود که او از این موضوع بهره برداری کند و خود را به عمد به فراموشی بزند و آن چه را لازم دارد به مدرسه نبرد تا به این ترتیب نامش را از بلندگو اعلام کنند. به بیان دیگر، من با این کار، فراموشی، بی دقتی، و سهل انگاری او را تشویق کرده بودم».

اگر مادر بهمن به جای بردن وسایل او به مدرسه، نمره ی بدگرفتن یا سرزنش شدن او را تاب می آورد، ممکن بود بهمن دیگر وسایل خود را فراموش نکند. کوشش مادر برای پشتیبانی از کار پسرش سبب شد چنین اشتباهی را بیشتر تکرار کند. پاداش لازم برای تکرار فراموشی، با اعلام نام بهمن از بلندگو تأمین شده بود. بهمن، اعلام شدن نام خود را از بلندگو تشویق می دانست و برای به دست آوردن پاداش بیشتر می کوشید فراموشی خود را تکرار کند.(۱)

۳_ تشویق بیش از اندازه

۳_ تشویق بیش از اندازه

۱- تغییر رفتارهای کودکان و نوجوانان، صص ۸۶ _ ۸۷.

هنگـام تشویق نبایـد کودکان را به پاداش های گران قیمت عادت دهیـد؛ زیرا این کار از نظر اقتصادی به سود خانواده نیست و در تربیت روحی و اخلاقی کودک نیز اثر منفی دارد.

تشویق باید با کاری که از فرد سـرزده است، تناسب داشته باشد. نباید به خاطر کاری کوچک، پاداشی مهم داد و برای هر کار جزئی نباید تشویق کرد.

مادر در برابر هر کار کودک نباید خریدن چیزی یا پرداخت پولی را به او وعده دهد. کودک باید به این نکته پی ببرد که تنها کارهای شایسته ی او، ارزش دارد و خوب و بد در نظر پدر و مادر، یکسان نیست. بنابراین، دیگر توقع نخواهد داشت که برای هرکار کوچکی، پاداش های بزرگی به او بدهنـد. برای این که از این گونه تشویق های همیشـگی پرهیز شود، پـدر و مادر می تواننـد گـاهی وعـده های دراز مـدت بدهنـد. برای نمونه، به فرزنـد بگوینـد: اگر در تابسـتان، هر شب پیش از خواب مسواک بزنی، یک جایزه برایت می خریم.

«در تشویق بایـد روش منطقی و معقول را انتخـاب کنیم. تا گرفتار عواقب خطیر آن نگردیم. تشویق معقول آن است که تشویق کننـده، عمل نیک انجام شـده را به انـدازه ی اسـتحقاق آن مورد تأکید قرار می دهد و از انجام آن ابراز خرسـندی می کند به عنوان مثال، اگر کودکی، مشق های خود را نوشـته باشد، مادر به او بگوید: «مشق های خود را چقدر زیبا و خوب نوشته ای» یا «اتاق خود را چه قدر خوب تمیز کرده ای» و یا «چه نمره ی خوبی گرفته ای». در

همه ی این موارد، توجه تشویق کننده به کار انجام شده معطوف گشته و تشویق به اندازه صورت گرفته است.

این نوع تشویق ها موجب می شود طرف مقابل بکوشد با انجام اعمال نیکوی دیگری، خویشتن را مستحق تشویق سازد. اگر تشویق ها از حد بگذرد، توقع نابه جا و بیش از حد در فرد ایجاد می کند. مثلاً اگر پدر و مادر به جای تشویق های قبلی بگویند: «تو بهترین شاگرد مدرسه هستی، اصلاً شاگردی با انضباطی مثل تو ندیده ایم»، بی تردید، این گونه تشویق ها به جای آموزندگی بدآموز و منحرف کننده خواهند بود، زیرا کودک در چنین شرایطی، خود را بی نقص و عیب تلقی می کند. پس دچار غرور و گمراهی خواهد شد. و فردی متوقع بار خواهد آمد.(۱)

۱- تربیت آسیب زا، صص ۷۴ _ ۷۸.

فصل ششم: تنبیه در اسلام

اشاره

فصل ششم: تنبیه در اسلام

زیر فصل ها

هدف های تنبیه در اسلام

هدف های تنبیه در اسلام

اشاره

هدف های تنبیه در اسلام

زیر فصل ها

الف ـ انتقام

ب ـ اصلاح و بازداری

ج ـ انذار و پندآموزی

د ـ حفظ جامعه

الف ـ انتقام

الف ـ انتقام

حس انتقام جویی در انسان فطری است و با غریزه ی غضب، پیوند بسیار نزدیکی دارد، به گونه ای که می توان گفت: انتقام زاده ی غضب بوده یا با آن یکی است. در صورت تجاوز فردی به حقوق آدمی یا دیگران، وی خشمناک می شود و می خواهد از خود و دیگران دفاع کند. آدمی هنگام خشمگین شدن می خواهد همه چیز پیرامون خود را بدرد، درهم بکوبد، و به هر چیزی هجوم ببرد. انگیزه ی رفتار یک فرد خشمگین هیچ گونه سازمان عقلانی و بنیاد خردمندانه ای ندارد. به همین دلیل، به رفتار ناهنجار دست می زند و گفتاری تهی از تدبیر و اندیشه بر زبان می آورد.

اقوام در دوره های کهن، در دفاع از خود یا دیگران، انتقام جو بودند و تنها برای آرامش قلبشان، از خویشتن دفاع می کردند. در این میان، آموزهای دینی پیامبران و ساختارهای مـدنی، امیال فطری و غریزی جامعه ی انسانی را تعـدیل و تلطیف کرد. این اصول ایجاب می کنـد که انسان هنگام بروز غضب و انگیزه های آن، خویشـتن دار باشد و رفتار خود را در سایه ی تدبیر عقل و آموزه هـای اخلاقی دین، محـدود و منظم کنـد. آدمی هنگـامی می توانـد در مسـیر کمـال گـام بردارد یـا دیگران را به این رهگذر بیاورد که گرایش های نفسانی را به کنترل خویش در آورد. در آیه ی شریفه ی زیر آمده است:

وَالکاظِمینَ اَلْغَیْظِ وَ اَلْعافینَ عَنِ النّاسِ.(۱)

آنان که خشم خود فرو نشانند و از بدی مردم در گذرند چنین مردمی نیکوکارند.

آیه ی یاد شده به این حقیقت اشاره می کند که مردم باید خشم خویش را فرونشانند و از برخی رفتارهای ناپسند دیگران، چشم پوشی کنند، زیرا غضب، ریشه ی بسیاری از گناهان خطرناک است. رسول خدا در این باره فرموده است:

ما غَضَبَ اَحَدٌ اِلا اَشْفَر عَلَی جَهَنَّم.(۲)

هیچ کس خشم نگرفت مگر آن که بر لبه ی پرت گاه دوزخ قرار گرفته است.

بنابراین، اگر برای تربیت اخلاقی کودک و نوجوان، تنبیه بدنی ضرورت یافت، نباید چهره ی انتقام به خود بگیرد.

پدر و مادر، مربی و آموزگار در پرورش فرزندان باید با تدبیری سنجیده و خردمندانه، از عوامل تربیتی به طور مناسب بهره برداری کنند. آنان در به کارگیری این وسایل و عوامل نباید سراسیمه و بی بند و بار باشند. زیرا پی آمد منفی خواهد داشت. در این میان، پدر باید بیشتر وسواس به خرج دهد زیرا در استفاده از هرگونه وسایل تربیتی، دارای اقتدار و اختیار زیادی است.(۳)

۱- آل عمران، ۱۳۴.

۲- منیه المرید، ص ۱۵۱.

۳- اسلام و تعلیم و تربیت، صص ۲۰۴ _ ۲۰۰.

پی آمدها

کودکانی که با روش انتقام جویانه تربیت می شونـد، سـرانجام به آدمی بی خاصـیت و بی ارزش و عنصـری خودکامه بدل می شونـد و همیشه در پی آن خواهنـد بود که به گونه ای از رنـج هـای دوران کودکی شـان، انتقام بگیرنـد. به یقین، رفتار خشـن مربی، عقده ی حقارت در کودک پدید می آورد، زیرا او، خویشتن را حقیر و ناچیز می بیند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

مَنْ هانَتْ علیه نَفْسُه فَلا تأمَنْ شَرَّه.(۱)

کسی که مورد تحقیر قرار بگیرد (دیگران) از شرّ او در امان نخواهند بود.

منظور پیامبر این است که عقده ی حقارت و کم بینی، شخصیتی نامطمئن و خطرناک می سازد. به دیگر سخن، اگر کودک یا نوجوانی همـواره امـاج اهـانت، سـرزنش و خشونت، تنـبیه و مجـازات باشـد، سـرانجام به صورت انسـانی شـرور، خودکـامه و خطرناک در خواهد آمد.

ب ـ اصلاح و بازداری

ب ـ اصلاح و بازداری

یکی از هدف های تنبیه و مجازات، اصلاح فرد و پیش گیری از تکرار تخلف اوست. این گونه تنبیه بر پایه ی صلاح و اصلاح متخلف، بنا نهاده شده است و جامعه را به سوی رستگاری و خوشبختی هدایت می کند. این مسأله، ناظر به همان حقیقتی است که از آن به تهذیب اخلاق یاد می کنیم.

تهذیب اخلاق کودک با ایجاد انگیزه و ترس و بیم، امکان پذیر است.

۱- بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۱۴.

کودکان و نوجوانان هر چند باهوش باشند، خردسال اند و سود و زیان خود را آن گونه که بایسته است، تشخیص نمی دهند. کودکی که چنین وضع معصومانه ای دارد امانتی است در دست مربیان و آموزگاران. اگر مربی از کودک چیزی بخواهد، ولی کودک در تکاپوی چیزی دیگر باشد، مربی نباید بی توجه بماند. در این حالت، مربی باید از شیوه های گوناگون تربیتی و جریمه ها و مجازات ها و تنبیه ها بهره جوید تا اراده ی حساب شده ی خود را در عادت دادن کودک به فضایل اخلاقی اعمال کند.

ترس و بیم که همگام و همراه با رغبت و امید، کودک رازیر پوشش می گیرد، یکی از عواملی است که به صورت نیرویی بازدارنده از تخلف عمل می کند. ترس و بیم از امیال فطری هر موجودزنده است. به همین دلیل، انسان از چیزی که می ترسد، می گریزد. باید غریزه ی ترس را برای هموار ساختن مسیر تربیت کودک، تعدیل و تلطیف کرد. روش تعدیل این غریزه آن است که کودک یا نوجوان را در برابر عوامل ترس قرار دهیم. البته نباید آن را از بین ببریم، زیرا کودک و نوجوان، ترسو بار خواهد آمد.

بر همین اساس، دانشمندان اسلامی، استبداد و سخت گیری مربیان را نسبت به کودک روا نمی شمارند. آنان بر این باورند که تربیت سازنده و درست کودک و نوجوان باید با رفق و مدارا آغاز گردد. به دیگر سخن باید رفتار پسندیده ی او، تأیید و رفتار ناپسند وی، نکوهش شود.

اسلام، ایجاد محیطی ترس آور و وحشت ناک در روند پرورش کودک را جایز نمی داند. در نگاه اسلام، اگر توبیخ و نکوهش مؤثر نیفتاد، مربی ناگزیر از تنبیه بدنی خواهد بود. گفتنی است تنبیهی که جسم و جان را آزار

می دهد و روح و تن انسان را دردمند می گرداند. اصلاح گر و سازنده نخواهد بود بلکه هشداردهنده و بازدارنده است، یعنی تنها کودک رااز تخلف و رفتار زشت باز می دارد. البته در تنبیه بدنی نباید زیاده روی کرد، زیرا تنبیه بدنی در اثر تکرار و زیاده روی، اثر خود را از دست می دهد.(۱)

ج ـ انذار و پندآموزی

ج ـ انذار و پندآموزی

یکی از هدف های تنبیه بدنی دراسلام، پند و اندرز دادن به دیگران و عبرت آموزی بینندگان تنبیه بدنی است، چون:

اَلْسَّعیدُ مَنْ اِتَّعِظَ بِغَیره.(۲)

نیک بخت کسی است که از حال دیگران پند گیرد.

به دیگر سخن، تنبیه بدنی متخلف افزون بر این که فرد را از تکرار تخلف باز می دارد، عبرتی برای دیگران است تا پیرامون رفتارهای زشت نگردند.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرمایند:

وَلْیَشْهَدْ عَذابَها طائِفَةٌ مِنَ الْمُؤمِنین.(۳)

باید گروهی از مؤمنان، مجازات زن و مرد زناکار را ببینند.

افزون بر درد، یکی دیگر از پی آمدهای تنبیه بدنی برای گناه کار، این است که در میان مردم شناخته می شود، بی تردید، علاقه به احترام و برتری و

۱- اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، صص ۲۰۷ ـ ۲۰۴.

۲- اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، ص ۲۱۱.

۳- نور، ۲.

سرفرازی در انسان، فطری و درونی است. اگر تنبیه آشکارا انجام گیرد. بر رنـج متخلف می افزاید و نیروی بازدارنده ای را در او تقویت می کنـد. دربـاره ی پی آمـدهای تنبیه بـدنی متخلف برای بیننـدگان نیز بایـد گفت درد و رنجی که گناه کار به آن دچـار است، به آنـان سـرایت می کنـد و آنـان را به حکم وجـدان و عاطفهماننـد متخلف، دردمنـد می سازد. تصوّر و تخیّل به پیـدایش چنین حـالتی کمـک می کنـد، زیرا مردم بـا دیـدن مجـازات گنـاه کار، پیش خود می اندیشـند که هرگاه این تنبیه و مجازات برای آنان پیش می آمد، چه اثری در آنان پدید می آورد. پس آنان نیز مانند متخلف، دردمند می شوند.

گـاهی برای پیش گیری از تکرار تخلّف کودکـان و نوجوانـان و کارمنـدان بایـد آنان را آشـکارا تنبیه کرد تا در یک فرصـت محدود، نتیجه ی گسترده تری نصیب دیگران گردد.

حقیقت این است که در بسـیاری از جرم هـا، مجـازات و تنبیه برای مجرم و جـامعه پنـدآموز و سودمنـد است. بـا این حـال، در عرصه ی تعلیم و تربیت، تنبیه ها و مجازات ها به ویژه درباره ی کودکان، به طبیعت خود شـخص بستگی دارد. به دیگر سخن، گاهی مجازاتی که با طبیعت شـخص خاصـی هماهنگی دارد، ولی درباره ی اشـخاص دیگر، هیـچ پی آمد سودمندی به همراه نمی آورد.

عوامل پندآموزی مردم از ارتکاب خلاف، گوناگون است. برخی بدان دلیل از صـراط مستقیم منحرف نمی شوند که از ضابط دادگسـتری، قوه ی مجریه و قـانون هراس دارنـد. گروهی دیگر به دلیـل پیروی از عرف و عـادت و رسوم و آداب اجتمـاعی و شماری نیز به خاطر ترس از خدا، خلاف نمی کنند. برخی دیگر به حکم عادت و تربیت درست، در راه راست گام بر

می دارنـد و از خلاـف کاری، در امان، هسـتند، زیرا تربیت آنان در خردسالی، درست انجام گرفته و خوی و عادت راستین در آنها ماندگار گشـته است. عادت هایی که در چنین شـرایطی پدید آید، دگرگونی ناپذیر خواهد بود، به گونه ای که اگر همه ی کیفرها از میان برخیزد، هم چنان در صراط مستقیم گام خواهند نهاد.

آیین اسـلام بر آن است تا عادت به پاکی و درستی از کودکی در نهاد انسان رشد کند. از این رو، همه ی ویژگی های دقیق و ظریف تربیتی را در این زمینه، به مربیان و آموزگاران، یادآوری کرده است.(۱)

د _ حفظ جامعه

د _ حفظ جامعه

گاهی اوقات، مجرم و متخلف برای در امان مانـدن جامعه از پی آمدهای منفی جرم و گناه، تنبیه و مجازات می شود. زندان ها و کیفرهـا نه تنهـا برای تنبیه و مجـازات کسـانی که در زنـدان به سر می برنـد، بلکه برای پشتیبـانی مردم بیرون از زنـدان و بی گناهان پدید آمده است. خداوند می فرماید:

فی اَلْقِصاصِ حَیوهٌ یا اولی اَلْاَلْبابِ.

ای صاحبان خرد، در اجرای قصاص، حیات است.

منظور آیه ی شـریفه این است که بـا قصـاص مجرم و گنه کـار، دیگران از قتل و کشـتار در امان میماننـد و با تضـمین شـدن حیات جامعه، بی گناهان از سپر حمایتی برخوردار می شوند. همه ی دانشمندان و هواداران نفی اعمال

۱- اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، صص ۲۰۸ _ ۲۱۱.

تنبیه و مجازات درباره ی مجرمان، دراین موضوع اتفاق نظر دارنـد، که در پرتو مجازات مجرم از بی گناهان، پشتیبانی و حیات جامعه، تضمین می شود.(۱)

رواداشـتن مهربـانی و عطـوفت در حق آدم جـانی، سـنگدل و سـرکش که از هیـچ گونه دست انـدازی به جـان، مـال و آبروی دیگران فروگذار نمی کند، ستم به دیگران است.(۲)

۱- اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، ص ۲۱۱.

۲- المیزان، سیدمحمدحسین طباطبایی، ج ۱، ص ۶۲۶.

فصل هفتم: گونه های تنبیه در اسلام

اشاره

فصل هفتم: گونه های تنبیه در اسلام

زیر فصل ها

الف ــ تنبیه غیربدنی

ب ــ تنبیه بدنی در اسلام

الف ــ تنبیه غیربدنی

اشاره

الف ــ تنبیه غیربدنی

پیش تر گفتیم که تنبیه، واپسین روش تربیتی و بازداری است. به دیگر سخن، هرگاه مربی پس از به کار بستن شیوه های تشویقی برای اصلاح رفتار و تثبیت اخلاق شایسته در شاگرد، نتیجه ای به دست نیاورد، نوبت به تنبیه می رسد. در تنبیه نیز تنبیه غیر بدنی بر تنبیه بدنی مقدّم است. یعنی هرگاه تنبیه غیربدنی اثر نبخشید، نوبت به تنبیه بدنی می رسد.

تنبیه غیربدنی، مراحل گوناگونی دارد .که با اجرای مراحل ساده تر از مراحل پیچیده تر و بالاترآن بی نیاز می شویم. یک نگاه خشم آلود پدر یا آموزگار بیش از سرزنش و تنبیه جسمی، در باز داشتن کودک از بزهکاری اثرگذار است. از این رو، مربیان باتجربه کم تر حرف می زنند و کم تر امر و نهی می کنند. آنان با چهره و نگاه معنادار، پیام تربیتی خود رابه شاگردان انتقال می دهند. و مجبور نیستند از شیوه های دیگر برای تنبیه بهره گیرند.اینک به شیوه های تنبیه غیربدنی خواهیم پرداخت.

۱ــ یادآوری غیرمستقیم

۱ــ یادآوری غیرمستقیم

انسان، موجودی فراموش کار است. فراموشی او نیز بدان دلیل است که گاهی چنان، در لذت ها غرق می شود و همه چیز را از یاد می برد. از این رو، باید همواره آموخته های گذشته را به یادش آورد و در موارد لازم به او تذکر داد. اصل تذکر برای یادآوری افراد به اندازه ای اهمیت دارد که خداوند در قرآن، پیامبر را به عنوان یادآوری کننده معرفی کرده است:

فَذَكِّر اِنَّما اَنْتَ مُذَكِّرٌ.(۱)

پس یادآوری کن همانا تو یادآوری کننده هستی.

گفتنی است مربی در این مرحله باید بکوشد با آوردن کنایه های درست و اشاره های دقیق و اخلاقی در لابلای سخنان خود، بی آن که کسی آشکارا مقصود او را دریابد. شاگرد رابه وجود اشتباه و لزوم ترک آن رهنمون سازد. در سیره ی معصومین علیهم السلام داستان های فراوانی از برخورد هدایت گرانه و همراه با کنایه و اشاره ی مبهم آنان با افراد خطاکار به چشم می خورد. برای نمونه، روزی امام حسن و امام حسین علیه السلام پیرمردی را دیدند که وضو می گیرد، ولی وضویش درست نیست. برای این که او را به خطایش آگاه سازند، به طور ساختگی با یکدیگر مجادله کردند و هر یک به دیگری می گفت تو درست وضو نمی گیری. این دو برای پایان دادن به جدال، نزد پیرمرد رفتند و به او گفتند: ای پدر! تو را به داوری می طلبیم، تا درباره ی وضو گرفتن ما حکم کنی، و بگویی کدام یک از ما درست وضو می گیرد». هنگامی که پیرمرد با دقت به وضو گرفتن آنان نگریست، موضوع را دریافت و گفت: هر دوی شما درست وضو می گیرید. این وضوی من است که درست نیست.»(۲)

نکته ها:

۱- غاشیه، ۲۱.

۲- جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، علی فائضی، صص ۷۴ _ ۷۵.

۱ــ امر و نهی و یادآوری ها نباید زمینه ساز مداخله در کار و برنامه های کودکان به شمار آید.

۲ــ باید میزان عقلانی اندیشیدن و سن افراد را در نظر گرفت و به تناسب آن، موضوع را یادآوری کرد.

۳ــ شایسته است یادآوری ها پنهانی باشد تا فرد احساس شرم نکند.

۴ــ هدف خود را از یادآوری مشخص و اعلام کنید.

۵ــ یادآوری، آمرانه نباشد:

لَسْتَ عَلَیْهِم بَمُصَیْطِرْ.(۱)

۲ــ تهدید

۲ــ تهدید

برای تنبیه کودکان، نوجوانان و افراد خطاکار از روش تهدید می توان بهره گرفت. اساس تهدید هراساندن خطاکار از رخ دادن امری است که از آن بیم دارد. تهدید، رسیدن به هدف را آسان تر می کند. با بهره گیری از تهدید می توان آدمی را از راه و روشی که در پیش دارد، باز داشت.و اجازه نداد که بی بند و بار یا بی ضابطه باشد. قرآن کریم زنان پیامبراکرم صلی الله علیه و آله را تهدید می کند که مبادا گرد فحشا بگردند و چنان چه مرتکب فحشا شوند، مجازات و عذابی دو چندان در انتظار آنان خواهد بود:

یا نِساءَ اَلنَّبیِ مَن یأت مِنکُنَّ بِفاحِشَهٍ مُبَیِّنَهٍ یُضاعَفُ لَها اَلْعَذابُ ضَعْفَیْنِ وَ کانَ ذالِکَ عَلَی اَللّهِ یَسِیرا.(۲)

۱- غاشیه، ۲۲.

۲- احزاب، ۳۰.

ای همسران پیامبر! هر کدام از شما گناه آشکار و فاحشی مرتکب شود، عذاب او دو چندان خواهد بود، و این، برای خدا آسان است.

افراد در پی تهدید، بر سر دو راهی قرار می گیرند. یک راه، تلاش برای رسیدن به خواسته ها و آرزوهاست که به عذاب و سختی و دشواری خواهد انجامید. راه دیگر، چشم پوشی از خطاها و برگزیدن راه مستقیم است. معمولاً ـ اگر افراد، تهدید سختی را در برابر خود ببینند، راه دوم را بر می گزینند. در بعضی موارد، لازم است مربی به تهدید خود عمل کند تا از نقش بازدارنده و تربیتی تهدید کاسته نشود.

نکته ها:

۱ـ در به کارگیری تهدید، ظرفیت سنی، فکری، پیشینه ی عاطفی و روانی افراد را در نظر داشته باشید، زیرا تحمل انسان ها به ویژه کودکان یکسان نیست.

۲ـ گاهی تهدید، خشونت بار است، مانند: زندانی کردن کودک در اتاقی تاریک با آگاهی از این که او از اتاق تاریک به شدت می هراسد.

۳ـ تهدیدها به گونه ای نباشد که روابط انسانی را خدشه دار کند. کودک باید خود را سزاوار چنین عقوبتی بداند، نه این که آن را ستمی به خود بپندارد.(۱)

۴ـ امکان عملی کردن تهدیدها در موارد ضروری وجود داشته باشد.

۱- حدود آزادی در تربیت، ص ۲۴۶.

۵ـ تهدید ممکن است هشدار به فرجام کار یا رسوا شدن خطاکار در صورت پیمودن راه غلط باشد.

۳ـ سرزنش

۳ـ سرزنش

سرزنش یکی دیگر از شیوه های مهم سازندگی و تربیت است. سرزنش، شیوه ی فشار روانی آرام برای کنترل فرد است و معمولاً سرزنش هنگامی به کار می رود که فردی از پندآموزی دیگران، طَرفی نبسته و از خیرخواهی آنان، بهره ای نبرده و در دامی، گرفتار آمده باشد. بی شک وی با نگرانی، افسوس خواهد خورد که چرا سخن بزرگان را نشنیده و از تجربه ی آنان بهره نبرده است. در این حالت یک مربی آگاه می کوشد با افزایش هیجان ناشی از نگرانی در خطا کار، بر درد و فشار روانی او بیافزاید و آن گاه به ملامتش بپردازد. طبیعی است که سرزنش برای او از شکنجه، شلّاق و زندان دردناک تر خواهد بود و روح او را خواهد آزرد. این کار سبب خواهد شد فرد خطا کار برای جبران اشتباه های گذشته، گام بردارد.

سرزنش باید بهنگام و بدون زیاده روی و تندروی باشد. اگر سرزنش بجا نباشد، نتیجه ی منفی در پی خواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

اَلْاِفراطُ فِی الْمَلامَهِ تَشُبُّ نیرانَ اللِجاجِ.(۱)

زیاده روی در سرزنش، آتش لجاجت را شعله ور می سازد.

حضرت علی علیه السلام اصل ملامت را نفی نمی کند، بلکه از زیاده روی در

۱- الحدیث، ج ۱، ص ۲۰۴.

این کار باز می دارد.

سرزنش مراتبی دارد که از مرحله ی آسان تر آغاز می شود و به مرحله ی دشوارتر می رسد. سرزنش ممکن است نگاه عادی یا عمومی، نگاهی معنا دار یا نگاهی همراه با زبان آوردن پی آمد کردار خلاف فرد باشد.(۱)

۴_ قهر کردن

۴_ قهر کردن

قهر کردن یکی از شیوه های تنبیهی در نظام تربیتی اسلام است که برای جهت دادن کودک به انجام کردار پسندیده و باز داشتن او ازدست زدن به کردار ناپسند، صورت می گیرد.

کودک با پدر و مادر و اطرافیان خود معاشرت دارد و به این معاشرت، دل گرم و مأنوس است. او می خواهد پدر و مادر و مربیان همراه او را پذیرا باشند و با مهر و عاطفه و تأیید با او برخورد کنند.(۲) از این رو، اگر پدر و مادر یا مربی برای مدت کوتاهی، پیوند خود را با او بگسلند، وی در خواهد یافت که آنان از رفتار او رضایت ندارند. پی آمد قهر کردن این است که کودک باید در تنهایی و سکوت، زندگی را بگذراند. در این حالت، وی درک خواهد کرد که این شیوه برای او سنگین است و به اصلاح رفتار خویش دست خواهد یازید. سخن نگفتن، بی اعتنایی و به بازی نگرفتن کودک از روش های قهر کردن است.

شخصی نزد امام موسی بن جعفر علیه السلام از رفتار فرزندش شکایت کرد.

۱- جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، صص ۱۱۷ _ ۱۱۸.
۲- حدود آزادی در تربیت، ص ۲۴۳.

امام علیه السلام فرمود:

لا تَغْیر بهُ وَ أهجُرْوَلا تُطِلْ.(۱)

فرزندت را نزن و برای ادب کردنش، از او قهر کن، ولی مراقب باش قهرت به درازا نکشد.

قهر کردن را می توان برای دیگر افراد نیز به کار برد. قرآن کریم درباره ی آزار مشرکان نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

وَأهْجُرهُمْ هَجرا جَمیلاً.(۲)

به شیوه ای شایسته، از آنان (دشمنان) دوری گزین.

هم چنین قرآن درباره ی زنانی که سرکشی کنند و از انجام وظیفه ی خود سرببیچند، می فرماید:

وَأهْجُرُوهُنَّ فی اَلْمَضاجعِ(۳)

زنانی که راه ناسازگاری در پیش می گیرند، مردان شان باید از خواب گاه آنان دوری گزینند و با آنان قهر کنند.

باید دانست قهر کردن نباید به درازا بکشد. به دیگر سخن، هنگام قهر کردن باید ظرفیت روانی و توانایی فرد را در نظر گرفت و اگر او متنبه شد، باید بی درنگ آشتی کرد. مدت قهر کردن برای کودکان خردسال کم تر از یک ساعت و برای افراد جوان و بزرگ سال بر اساس سنت اسلامی حداکثر سه روز است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۹.

۲- مزمّل، ۱۰.

۳- نساء، ۳۴.

... لا تَحِلُّ لِمُسْلِمٍ اَنْ یَهْجُرَ اَخاهُ فَوقَ ثَلاثَهِ اَیّامٍ.(۱)

سزاوار نیست مسلمانی بیش از سه روز با برادر خود قهر کند.

گفتنی است در بعضـی موارد خاص بایـد هم چنان به قهر ادامه داد تا دیگران پند بگیرند. غزوه ی تبوک یکی از حساس ترین غزوه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به شمار می رود.

هنگـامی که پیـامبر، مسـلمانان را برای رفتن به تبوک فرخوانـد، سه تن از آنـان به بهانه های گوناگون از رفتن به جنگ سـرباز زدند. هنگامی که پیامبر اسلام از جنگ بازگشت، با آنان قطع رابطه کرد. دیگر مسلمانان نیز به پیروی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با آنان قهر کردند. این رفتار آن قدر ادامه پیدا کرد که قرآن می فرماید:

وَ عَلی الثَّلاـثَهِ الَّذینَ خُلِّفُوا حَتّی اِذا ضـاقَتْ عَلَیهِمُ اَلاٰـرْضُ بِما رَحُبَتْ وَضاقَتْ عَلَیْهِمْ اَنْفُسُـهُم وَظَنُّوا اَنْ لامَلْجَأَ مِنَ اللّه ِالاّ اِلَیْهِ ثُمَّ تابَ عَلَیْهِمْ لِیَتوُبُوا اِنَّ اللّه َهُو اَلتَّوّابُ الرَّحِیمُ.(۲)

و آن سه نفر که (از شـرکت در جنـگ تبوک) باز ماندنـد (و مسـلمانان با آنان قطع رابطه کردنـد) زمین با همه ی وسـعتش بر آنان تنگ شد، به گونه ای که در وجود خویش، جایی برای خود نمی یافتند. (در آن هنگام) دانسـتند پناه گاهی از خدا جز به سوی او نیست. سپس خدا، رحمتش را نازل حال آنان ساخت تا توبه کردند. همانا خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است.

۵_ جریمه

۵_ جریمه

۱- نهج الفصاحه، حدیث ۲۰۸۵.

۲- توبه، ۱۱۸.

جریمه کردن، کاستن از تقویت کننده هایی است که فرد پیش تر به دست آورده است. دریافت جریمه از رانندگان قانون شکن، کسر کردن از حقوق کارمندان به دلیل غیبت و کاهش یافتن نمره ی دانش آموزان به دلیل بی توجهی به درس، نمونه هایی از به کار بستن روش جریمه است.

شرط جریمه کردن آن است که فرد از مدتی پیش، محرک تقویت کننده و پاداش، دریافت کرده باشد تا پس از رخ دادن خلاف، بتوان اندکی از تقویت کننده های دریافتی او را کاهش داد. کارمند باید حقوقی دریافت کرده یا دانش آموز نمره ای گرفته باشد تا به خاطر غیبت یا بی انضباطی، بتوانیم بخشی از حقوق یا نمره ی او را کسر کنیم.

افزون بر آن، جریمه نباید بسیار سنگین باشد. نمره ای که از دانش آموز کسر می شود، باید آن گونه باشد که او بتواند با کوشش بیشتر آن را جبران کند. کسر حقوق کارمند نیز باید به نسبتی باشد که او بتواند با باقی مانده ی حقوق خود، زندگی اش را اداره کند.(۱)

۶_ اخطار

۶_ اخطار

اگر دیگر شیوه های تنبیهی، ما را به هدف تربیتی نرساند، باید به طور شفاهی یا کتبی به او اخطار دهیم. مربی می تواند به دانش آموز متخلف بگوید: «اگر کار خلاف خود را تکرار کنی، جای تو دراین کلاس و مدرسه نیست.» یا این که «به تو یک هفته مهلت می دهیم، رفتار را اصلاح کنی. اگر

۱- روان شناسی پرورشی، صص ۴۷۱ _۴۷۲.

رفتارت را اصلاح نکردی، اخراج خواهی شد.» والدین نیز می توانند به کودک و نوجوانی که مرتکب خلاف شده است اخطار دهند که اگر رفتارش را اصلاح نکند، از امکانات تفریحی، ورزشی و مادی محروم خواهد شد.

علی علیه السلام به یکی از کارگزاران خود که به خیانت در بیت المال متهم بود، می فرماید:

بَلَغَنی عَنْکَ أَمْرٌ اِنْ کُنْتَ فَعَلْتَه، فَقَدْ اَسْخَطْتَ اِلهکَ وَ اَعْصَیْتَ اَمامَکَ؛ وَ أَخْوَیْتَ اَمانَتَکَ بَلَغَنی اِنَّکَ حودت الَارضَ فَأَخَذْتَ ما تَحتَ قَدَمَیکَ وَ اَکَلْتَ ما تَحتَ یَدَیْکَ. فَأرْفَعْ اِلی حِسابِکَ؛ وَ أَعْلَمْ أَنَّ حِسابَ اللّه ِ اَعْظَمُ مِنْ حِسابِ النّاسِ.(۱)

گزارش رسیده است کاری از تو سرزده است که اگر به راستی مرتکبش شده باشی، بی تردید، پروردگارت را به خشم آورده ای، در برابر فرمان امام خویش، عصیان ورزیده ای و امانت خود را به ابتذال کشانده ای. شنیده ام که زمین را برهنه کرده ای و هرچه را قدرت داشته ای، به سود خود گرفته ای و همه ی سپرده های مردم را به مصرف خویش رسانیده ای. بی درنگ، ترازنامه ی مالی و حسابت را نزد من بفرست و این را بدان که حساب رسی خداوند از حساب رسی مردمان بزرگ تر است.

علی علیه السلام در این نامه، استان دار خطاکار خود را سرزنش می کند و به او اخطار می دهد که اگر پس از رسیدگی به ترازنامه ی مالی وی، سوء استفاده اش ثابت شود، به خشم الهی گرفتار خواهد شد. هم چنین نسبت به امام خود، عصیان گر و خیانت کار خواهد بود.

۱- فرهنگ آفتاب، ج ۳، ص ۱۳۹۳.

در اخطار بایـد جنبه های تربیتی در نظر گرفته شود. از این رو، باید واژه های مناسب به کار رود و جنبه ی توهین آمیز نداشـته باشد. اگر اخطار، شفاهی باشد، باید به بهترین صورت، با مخاطب سخن بگوییم. علی علیه السلام می فرماید:

اَجْمِلُو فی الْخِطابِ، تَسْمَعُوا جَمیلَ الْجَوابِ.(۱)

با مخاطب خویش، پسندیده و مؤدب، سخن بگویید تا او نیز با احترام، به شما پاسخ گوید.

۷ـ بیرون راندن و برکناری

۷ـ بیرون راندن و برکناری

اگر همه ی مراحل تنبیه کلامی ماننـد: یادآوری مسـتقیم و غیرمسـتقیم، و سـرزنش، قهر و اخطار، سودی نبخشد و فرد خطاکار هم چنـان به اشـتباه خود ادامه دهـد، تنهـاراه درمـان، بیرون رانـدن اوست. بایـد بـا بیرون رانـدن دانش آموز از کلاس درس یا مدرسه، کارمند متخلف از محل کار و اداره و برکناری مسؤول متخلف از مسؤولیتش، آنان را تنبیه کرد.

در مرحله ی نخست، بیرون راندن کوتاه مدت دانش آموز از کلاس درس یا گروه های ورزشـی و تفریحی می تواند عامل باز داری او از شـرارت و تخلّف باشـد. اگر این کـار اثر نبخشـد، بایـد به طور دایم او را بیرون رانـد. بعضـی روان شـناسان بر این باورند که تغییر محیط تربیتی، سبب دگرگونی روحی تربیت شونده می شود و او را به رشد می رساند.

۱- جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، صص ۱۳۲ ـ ۱۳۳.

خداوند یکی از مجازات هایی را که برای شیطان در نظر گرفت، بیرون راندن او از میان فرشتگان الهی بود و فرمود:

فَأخْرُجْ مِنْها فَاِنَّکَ رَجیمٌ.(۱)

از صف فرشتگان بیرون رو. تو رانده شده ای.

هم چنین در جای دیگر می فرماید:

فَأخْرج اِنَّکَ مِنَ اَلصّاغِرِینَ(۲)

بیرون رو (از بهشت الهی)؛ زیرا تو از افراد پست و کوچکی.

ب _ تنبیه بدنی در اسلام

اشاره

ب _ تنبیه بدنی در اسلام

اسلام، تنبیه بدنی را به عنوان آخرین روش تربیتی برای مجرم یا مجرمان مطرح می کند. هنگامی که شیوه های تنبیهی غیر بدنی، اثربخش نباشد، نوبت به تنبیه بدنی می رسد. در نظام تعلیم و تربیت، مسأله ی تنبیه بدنی، به طور خاص با مسأله ی تکلیف، ارتباط دارد؛ یعنی اگر شاگرد به سن تکلیف شرعی رسید و جرمی را مرتکب شده است، باید کیفر ببیند و با او مانند دیگران رفتار شود.

پرسش این است که در نظام تعلیم و تربیت رسمی که بیشتر شاگردان در سنّ کودکی و نوجوانی هستند، چه باید کرد؟ آیا کودک و نوجوان مجاز است هر گناهی را انجام دهد؟ آیا می توان پذیرفت که کودک و نوجوان

۱- حجر، ۳۴.

۲- اعراف، ۱۳.

مجاز باشد ساختار اجتماعی خانواده، مدرسه و جامعه را زیر پا بگذارد و از تنبیه بدنی نیزدر امان بماند؟

نظام تعلیم و تربیت اسلام برای کودکان و نوجوانانی که مرتکب خلاف می شوند، تأدیب را در نظر گرفته است. تأدیب در اصطلاح فقه اسلامی، زدن شخص نابالغ به دلیل ارتکاب جرم و خطا است.

تأدیب در گفتار پیشوایان معصوم علیهم السلام

تأدیب در گفتار پیشوایان معصوم علیهم السلام

در روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه ی معصومین علیهم السلام به تأدیب کودک و نوجوان متخلف، دستور داده شده است. امام صادق علیه السلام درباره ی کودکی که مرتکب فحشا شده است، فرمود:

لا حَدَّ عَلَی اَلاَطْفالِ. وَلکِنْ یُؤَدّبوُنَ اَدَبا بَلِیغا.(۱)

بر کودکان، حدّ جاری نمی شود، ولی باید مجازات تأدیبی شوند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مُرُّوهُم بالصَّلوهِ وَ اضْرِبُوهُم عَلَیها لِعَشْرٍ وَ فَرِّقُوا بینَهُم فِی المَضاجِعِ.(۲)

فرزندان خود را در هفت سالگی، به نماز وا دارید. در صورت سرپیچی از این کار، در ده سالگی آنان را تنبیه بدنی کنید و بسترشان را ازهم جدا سازید.

علی علیه السلام در حدیثی دیگر می فرماید:

اِنَّهُ یَجُوزُ لِلاِنْسانِ اَنْ یُؤَدَّبَ الْیَتِیمَ مِمّا یُؤَدَّبُ وَلَدَهُ وَ یَضْرِبُهُ مِمّا یَضرِبُ

۱- جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، ص ۱۵۳.

۲- مستدرک الوسایل، ج ۱، ص ۱۷۱.

وَلَدَهُ.(۱)

جایز است تأدیب یتیم مانند تأدیب فرزند خود و زدن او مانند زدن فرزند خود.

از این روایات برمی آید در موارد خاص که دیگر شیوه های تنبیهی اثربخش نیست، از تنبیه بدنی به عنوان یک شیوه ی بازدارنده می توان بهره برد.

میزان تنبیه بدنی

میزان تنبیه بدنی

در اسلام تنبیه بدنی درباره ی کودکان به عنوان تأدیب و درباره ی بزرگ سالان به عنوان حد، تعزیر و قصاص پذیرفته شده است. در آغاز، به شیوه و میزان تأدیب ازدیدگاه پیشوایان معصوم علیهم السلام می پردازیم. امام صادق علیه السلام درباره ی تأدیب کودکان و نوجوانان به دست علی علیه السلام فرموده است:

اِنَّ فی کِتابِ علیّ علیه السلام اِنَّهُ کانَ یُضْرَبَ بِالسُّوطِ وَ بِنِصْفِ اَلسُّوطِ وَ بِبَعْضِه فی الْحُدوُده وَ کانَ اِذا اَتی بِغُلامٍ وَ جارِیهٍ، لَمْ یُدْرِکا لایُبطِلُ حَدّا مِنْ حُدوُدِاللّه ِ عَزَّوَجَلَّ کانَ یَأخُذُ اَلْسُّوطِ بِیَدِه مِنْ وَسَطِهِ اَوْ مِنْ ثُلْثِهِ، ثُمَّ یَضْرِبُ بِهِ عَلی قَدْرِ اَسْنانِهِمْ.(۲)

در کتاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام چنین آمده است: آن حضرت با شلاق و نصف شلاق و بخشی از شلّاق، حد جاری می فرمود. حتی هنگامی که پسر بچه یا دختر بچه غیر ممیزی را نزد او می آوردند، اجرای تأدیب را

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۷.

۲- وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۰۸، ح ۱.

تعطیل نمی فرمود. با دست خود، میانه یا یک سوم شلاق را می گرفتند و به تناسب سن، آنان را می زد.

از این حدیث برمی آید که در زدن کودکان و نوجوانان باید روحیه و سن آنان را در نظر گرفت، به گونه ای که به تناسب سن آنان، شیوه ی در دست گرفتن شلاق، فرق می کند.

امام صادق علیه السلام درباره ی میزان تأدیب حدیث زیر را از امام علی علیه السلام نقل می فرماید:

اِنَّ اَمیرَالمُؤمنین علیه السلام القی صِبْیانٌ اَلکِتابَ اَلواحَهُمْ بَیْنَ یَدَیْهِ لِیُخَیِّرَ بَیْنَهُمْ فَقالَ اَمّا اِنَّها حُکُومَهٌ وَ اَلْجُورُ فِیها کَالجُورِ فِی الحُکْمِ اَبْلِغُوا مُعَلِّمُکُمْ اِنْ ضَرَبَکُمْ فَوْقَ ثَلاثَ ضَرَباتٍ فی اَلاٰدَبِ اُقْتُصَّ مِنْهُ.(۱)

کودکان مدرسه، خط های خود را در مقابل امیرالمومنین علیه السلام قرار دادند تا بهترین آن ها را انتخاب فرماید. آن حضرت فرمود: این کار نوعی حکومت و داوری است و ستم روا داشتن در آن، ستم در امر حکومت است. از جانب من به آموزگار خودتان بگویید اگر برای تأدیب تان، بیش از سه تازیانه، به شما بزند، او را قصاص می کنم.

در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام میزان تأدیب، ۵ تا ۶ ضربه آمده است.

حماد بن عثمان می گوید: از ابوعبداللّه علیه السلام درباره ی تأدیب کودک و برده پرسیدم. آن حضرت فرمود: «با ملایمت پنج تا شش تازیانه بزن».(۲)

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۸۲، ح ۲.

۲- وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۸۱، ح ۱.

نکته ها

۱_ تأدیب بدنی باید با میزان خطای تربیت شونده مناسب باشد.

۲_ تنها مربی می تواند خطا کار را تأدیب کندو نباید انجام آن را به دیگری واگذارد.

۳_ شیوه ی اجرای تأدیب باید با سن و روحیه ی کودک و نوجوان مناسب باشد؛ یعنی باید شدت و ضعف آنرا درنظر گرفت.

۴_ وسیله ی تأدیب بدنی باید نرم باشد تا سبب آسیب دیدن نشود. در روایات آمده است که تازیانه بزنید (یعنی شلاق).

۵_ بهتر است میزان تأدیب بدنی بین ۵ تا ۶ تازیانه باشد.

۶_ پس از تأدیب، باید جرم فرد را نادیده بگیریم و پی گیری نکنیم.

۷_ در هنگام تأدیب باید از بر زبان راندن سخنان زشت و نامربوط خودداری کرد.

۸_ باید دلیل تأدیب بدنی را برای تأدیب شونده بازگو کرد.(۱)

احکام کیفری اسلام

۱_ حدّ

حدّ، در لغت نامه ی دهخدا به معانی گوناگونی مانند: دفع، منع، باز داشتن از کاری و... آمده است. در اصطلاح حقوق جزای اسلامی و کتاب های فقهی، حد در برابر قصاص قرار می گیرد به معنای اجرای مجازات بدنی

۱- جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، صص ۱۸۶ _ ۱۸۸.

است. حدّ عقوبتی است شامل ضرب، قتل و قطع که در اثر ارتکاب بزه های خاص پدیدار می شود و میزان آن معین است.(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

إنَّ اللّه ـ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ لِكلِّ شَيٍ حَدّا وَ جَعَلَ علی مَنْ تَعدی حدّا مِن حُدودِاللّه ِ عَزَّوَجَلَّ حَدّا... .(۲)

خداوند برای همه چیزی، حدّی و برای کسانی که از این حدّ تجاوز کنند، کیفری قرار داده است.

این حدیث وجود اصل حدّ را بیان می کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی دیگر درباره ی اهمیت اجرای حدود به علی علیه السلام فرموده است:

اِقامَهُ حِدٍّ خَيْرٌ مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعينَ صَباحَا.

اجرای حدّ (از حدود الهی) بهتر از چهل شبانه روز باران باریدن است.

اجرای حدود بدان دلیل اهمیت دارد که خلاف کار را از ارتکاب دوباره ی جرم باز می دارد و دیگر افراد جامعه را نیز از گزند چنین خلاف هایی در امان نگاه خواهد داشت.

حد در هشت مورد جاری می شود که بدین قرار است: زنا، لواط، سحق(۳) و قیاده، قذف،(۴) مسکر، سرقت، محاربه(۵) و ارتداد(۶). برای هر یک از این

۱- جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، ص ۱۴۱.

۲- وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۱۰، ح ۲.

۳- برقراری رابطه میان زن و مرد نامحرم.

۴- دادن نسبت ناروا به زن پاک دامن.

۵- اسلحه کشیدن به روی دیگران، و راه را به مردم بستن.

۶- انکار یکی از ضروریات دین.

هشت مورد، حدّ ویژه ای تعیین شده است.

۲_ تعزیر

تعزیر به معنـای نکوهش، سـرزنش و مجـازات کردن است. تعزیر در لغت نـامه ی دهخـدا به معنای نکوهیـدن و ملامت کردن آمـده است. تعزیر در اصـطلاح فقهی، تادیبی است مادون حـدّ شـرعی... . فرق تعزیر با حـدّ آن است که حـدّ معین است، ولی تعزیر به رأی امام یا حاکم بستگی دارد. تعزیر، ضربی کم تر از حدّ و عقوبت، تأدیب کمتر از حد است.(۱)

حماد بن عثمان می گویـد: به امام صادق عرض کردم: تعزیر چه قـدر است؟ امام فرمود: «کمتر از حـد.» به آن حضـرت عرض کردم: کم تر از هشتاد ضربه؟ حضرت فرمود: «نه، ولی کمتر از چهل ضربه و این، حدِّ مملوک است.» پرسیدم: مقدار تعزیر چه قدر است؟ حضرت فرمود: «به اندازه ی آن چه والی و حاکم در برابر گناه فرد و توانایی بدنی او مناسب می داند».(۲)

۳_ قصاص

قصاص را این گونه معنا کرده انـد: ماننـد آن چه داده باشـی، باز سـتاندن، کشـنده ی یکی را کشـتن، مقاصه، جراحت کردن، عوض جراحت و چیزی را به بَدَل چیزی فراگرفتن. در اصلاح فقهی گفته اند: «جرم مرتکب شده را مجازات کردن.»

۱- جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، ص ۱۴۳.

۲- وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۸۴، ح ۳.

در فرهنگ معین آمده است: «قصاص به معنی پاداش دادن است، بدین نحو که کشنده را بکشند و ضارب را به ضرب و جارح را به جرح، تنبیه کنند و به همان نحو که عمل کرده بود».(۱)

در کتاب مقالات حقوقی درباره ی قصاص آمده است: «انتقام بدن از کسی که به صورت عمد و عدوان، مرتکب شده است، قصاص نامیده می شود. بدیهی است عملی که به عنوان قصاص انجام می گیرد، باید با عملی که جانی نسبت به مجنی علیه مرتکب شده است، تساوی کامل داشته باشد».(۲)

استاد شهید مطهری می فرماید:

در قوانین جزایی، قرآن طرفدار قصاص است. اجازه می دهد کسی که به عمد و بدون عذر، بی گناهی را از بین می برد، به مجازات او اعدامش کنند، در این جا این مسأله پیش می آید که این قاتل، یک نفر را کشته، حالا ـ ما چرا فرد دیگری را بکشیم؟ پس اگر کشتن کار بدی است، ما چرا به عنوان قصاص، این کار بد را تکرار کنیم. [قرآن می فرماید:]

وَلَكُمْ فِی الْقِصاصِ حَیاةٌ یا اُولِی اَلْاَلْبابِ.(۳)

ای عاقلان حکم قصاص برای حفظ حیات شما است.

این کشتن را کشتن و میراندن، تلقی نکنید. این را حیات و زندگی تلقی کنید، ولی نه زندگی فرد، بلکه زندگی جمع؛ یعنی با قصاص یک نفر

۱- جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، ص ۱۴۴.

۲- جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، ص ۱۴۵.

۳- بقره، ۱۷۹.

متجاوز، حیات جامعه و افراد دیگر را حفظ کرده اید. شما اگر به متجاوز و قاتل که یک نفر را کشت، مهلت دهید و جلوگیری نکنید؛ فردا کس دیگری و پس فردا، دیگری و بالاخره در آینده، ده ها نفر دیگر پیدا می شوند و ده ها نفر دیگر را خواهند کشت. معنی قصاص، دشمنی کردن با انسان نیست؛ دوستی کردن با انسان است.(۱)

پی آمدهای تنبیه بدنی بی جا

اشاره

پی آمدهای تنبیه بدنی بی جا

گفتیم که تنبیه در کاهش رفتار نامطلوب برای کوتاه مدّت، مؤثر است، ولی باید دانست تنبیه بدنی نابجا و بیش از اندازه نیز پی آمدهای نامطلوب دارد که اینک بدان ها اشاره می کنیم.

۱_ کینه آفرینی نسبت به تنبیه کننده

احساس ناخوش آیند حاصل از تنبیه بدنی بی جا هنگام تنبیه شدن به وسیله ی شرطی شدن، با شرایط تنبیهی و شخص یا اشخاص تنبیه کننده، تداعی می شود و به انزجار و نفرت تنبیه شونده از تنبیه کننده می انجامد. حتی اگر تنبیه شونده بداند که تنبیه به خیر و صلاح اوست و تنبیه کننده از روی دل سوزی، او را تنبیه می کند، هم چنان احساس نامطلوب حاصل از تنبیه، به صورت پاسخ شرطی در می آید و به انزجار تنبیه شونده از تنبیه کننده، دامن می زند.(۲)

۱- تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، ص ۲۱۳.

۲- روان شناسی پرورشی، ص ۴۷۵.

۲_ گسترش روحیه تنبیه گری در دیگران

دیـده شـده است کسـانی که تنبیه بـدنی کسـانی دیگر را دیـده انـد، در زمان ها و مکان های دیگر، خود، به تنبیه کسان دیگر دست زده انـد. دانش آموزانی که شاهـد تنبیه بـدنی دانش آموزان دیگر بوده انـد، بعدها همان رفتار تنبیهی را تقلید کرده اند. بنابراین، آموزگاری که در حضور دانش آموزان، کسی را کتک می زند، پرخاش گری را به آنان می آموزد. بارها دیده شده است کودکـانی که همـاره از پـدر و مـادر خود کتـک می خورنـد، در غیـاب آنان، فرزنـدان کوچک تر خانواده را کتک می زنند.(۱)

۳_ پیدایش روحیه ی پرخاش گری

آزمـایش هـا نشـان داده است هرگـاه بـا دو حیوان که با یکـدیگر در صـلح و صـفا زنـدگی می کننـد، ضـربه ی برقی (شوک الکتریکی) وارد شود، به جـان هم می افتنـد و نسـبت به یکـدیگر رفتار خصـمانه انجام می دهنـد. اسـکینر بر این باور است که انسان ها، استعدادی ارثی دارند که بر اساس آن، نسبت به کسانی که با آنان، رفتار محبت آمیز دارند، با محبت رفتار می کنند و نسـبت به کسانی که با آنان، رفتار خصـمانه دارنـد، پرخاش گر هسـتند. به گفته ی وی، این اسـتعداد قابل گسترش است. در نتیجه، فردی که هماره تقویت می شود، نسبت به همه ی افراد، رفتار محبت آمیز نشان خواهد داد و فردی که همیشه

۱- روان شناسی پرورشی، ص ۴۷۵.

تنبیه می شود، با همه ی افراد با پرخاش، برخورد خواهد کرد.(۱)

۴_ دروغ گویی و پنهان کاری

یکی از پی آمدهای نامطلوب تنبیه بدنی نابجا این است که فرد تنبیه شده برای در امان ماندن از تنبیه بدنی، به رفتاری که تنبیه در پی دارد، نمی پردازد، ولی رفتارهای ناپسند دیگری را جای گزین آن می کند. او برای آن که دوباره تنبیه نشود، دروغ می گوید و دور از چشم دیگران به همان کار نخست دست می زند.

بنابراین، تنبیه بدنی را نباید به عنوان روش تربیتی به کار بندیم، مگر آن که آخرین وسیله ی درمان و تغییر رفتار باشد. البته در آن صورت نیز باید شرایط و جوانب را رعایت کرد تا تنبیه از بالاترین اثر مطلوب و کم ترین پی آمدهای جانبی برخوردار باشد.

۵_ ترس

کودکی که به دست مربی یا پدر و مادر، تنبیه می شود، می ترسد و این ترس به محرک های گوناگونی که هنگام تنبیه شدن او حضور دارند، تعمیم می یابد در این صورت، کودک از هر چیزی می ترسد و فردی بزدل و ترسو بار می آید.

۶_ ستم پذیری

افرادی که در دوران کودکی مورد تنبیه بی جا و بی مورد قرار می گیرند، در بزرگ سالی، توانایی ابراز وجود، اظهار نظر و دفاع از حقوق خود را از دست می دهند و به افرادی ستم پذیر بَدَل می شوند.

۱- روان شناسی پرورشی، ص ۴۷۶.

خودداری از تنبیه بدنی کودکان و زیردستان در سیره ی پیشوایان دین علیهم السلام

خودداری از تنبیه بدنی کودکان و زیردستان در سیره ی پیشوایان دین علیهم السلام

با بررسی سیره ی رسول اللّه صلی الله علیه و آله و ائمه ی اطهار علیهم السلام درمی یابیم که آنان با سعه ی صدر و بزرگواری، از خطاها و اشتباه های اندک افراد می گذشتند و بی درنگ به تنبیه و برخورد حذفی دست نمی زدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه ی معصومین علیهم السلام پیش از هر چیز می کوشیدند با اخلاق و رفتار نیکوی خود، دیگران را اصلاح کنند و تا جایی که ممکن بود، از تنبیه استفاده نمی کردند. اینک به نمونه هایی از این رفتارها اشاره می کنیم:

رسول خدا و اعرابی

رسول خدا و اعرابی

روزی عرب بیابان گردی وارد مدینه شد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در میان انبوه اصحاب و یاران خود بود. عرب بیابان گرد، حاجت خویش را بیان کرد و عطایی خواست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله چیزی به او داد، ولی وی قانع نشد و آن را کم شمرد. افزون بر آن، سخنان درشت و ناهمواری بر زبان آورد و به رسول خدا صلی الله علیه و آله جسارت کرد. یاران ایشان از این سخنان، سخت در خشم شدند و خواستند او را تنبیه کنند، ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را از این کار بازداشت. روز بعد، حضرت، آن اعرابی را با خود به خانه برد و مقداری دیگر به او کمک کرد. هنگامی که اعرابی، زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله را از نزدیک دید، اظهار رضایت کرد و سپاس گزاری به جای آورد.(۱)

۱- روان شناسی تربیتی، مرتضی منطقی، ص ۳۴۰.

رفتار امام علی علیه السلام با خدمت کار

رفتار امام علی علیه السلام با خدمت کار

ابن شهرآشوب نقل کرده است: روزی امیرمؤمنان علی علیه السلام خدمت گزار خود را چند بار فرا خواند، ولی او به امام علی علیه السلام پاسخ نداد. آن حضرت در پی او بر آمد (تا او را تنبیه کند) و او را جلوی در خانه یافت. از او پرسید: «چه چیز تو را واداشت که پاسخم نگویی؟» گفت: «در اجابت سست بودم و از عقوبت، احساس امنیت کردم».

پس حضرت فرمود:

اَلْحَمْدُللّه ِالَّذِی جَعَلَنی مِمَّنْ تَأمَنُهُ خَلْقَهُ.

سپاس خدایی را که مرا از آنان قرار داده است که مردم از جانب او، احساس امنیت می کنند.(۱)

اخلاق امام سجاد علیه السلام

اخلاق امام سجاد علیه السلام

شخصی به حضور امام سجاد علیه السلام آمد و نسبت به آن حضرت جسارت کرد و سخنان درشت و ناسزا گفت. امام سجاد علیه السلام سکوت کرد و به او هیچ نگفت. او رفت و امام به همراهان فرمود: «دیدید که او با من چگونه برخورد کرد؟ اینک دوست دارم با من نزد او برویم تا بنگرید پاسخ او را چگونه خواهم داد؟»

همراهان با امام حرکت کردند و آن حضرت پی درپی این آیه را می خواند: وَ الْکاظِمینَ الْغَیْظِ؛(۲)از ویژگی های پرهیزکاران این است که خشم خود را فرو

۱- مشرب مهر (روش های تربیت در نهج البلاغه)، مصطفی دلشادی تهرانی، فرهنگ و ارشاد، پاییز ۷۹، ص ۱۸۸.

۲- آل عمران، ۱۳۴.

می برند.

همراهان دریافتند که امام با او برخورد شدید نخواهد کرد و او را مورد مجازات قرار نخواهد داد.

هنگامی که امام سجاد علیه السلام به در خانه ی آن مرد رسید، او را صدا زد. او از خانه بیرون آمد و چون امام و یارانش را دید، پنداشت با برخورد شدید امام علیه السلام روبه رو خواهد شد. بر خلاف انتظار او، امام سجاد علیه السلام به وی فرمود: «برادرم! اگر آن چه به من گفتی، در من وجود دارد، از درگاه خدا، آمرزش می خواهم و اگر درمن وجود ندارد، از خدا می خواهم که تو را بیامرزد». آن مرد میانه ی دو چشم امام علیه السلام را بوسید و عرض کرد: «آن چه گفتم در وجود تو نیست، بلکه من به آن سزاوارترم.»(۱)

پیامبر و امام حسین علیه السلام

پیامبر و امام حسین علیه السلام

امّ الفضل، همسر عباس بن عبدالمطلب و دایه ی امام حسین علیه السلام می گوید: روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حسین را که آن هنگام شیرخوار بود، از من گرفت و در آغوش کشید. کودک، لباس پیغمبر را تر کرد. من کودک را به شدّت از پیغمبر جدا کردم، به گونه ای که گریان شد. حضرت به من فرمود: «امّ الفضل آرام تر، آب، لباس مرا تطهیر می کند، ولی چه چیز می تواند غبار کدورت و رنجش را از قلب فرزندم، حسین بزداید؟!»(۲)

۱- داستان دوستان، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲- گفتار فلسفی «کودک»، ج ۲، ص ۱۰۶.

پرهیز از تنبیه بدنی کودکان در سیره ی امام خمینی رحمهم الله

پرهیز از تنبیه بدنی کودکان در سیره ی امام خمینی رحمهم الله

فرزند امام خمینی رحمهم الله می گوید: «پدرم، بیشتر با عمل شان، ما را به دستورات اسلامی تکلیف می کردند. مثلاً به احترام مادر خیلی حساس بودند. یادم می آید یک روز در ایام کودکی به حرف مادرم گوش نکردم وکاری را که ایشان با آن مخالف بود، انجام دادم. پدرم خیلی ناراحت شدند و به قصد تنبیه من از جا برخاستند، ولی به بهانه های مختلف به من فرصت دادند که فرارکنم. همیشه همین طور بود. خودشان را به کاری مشغول می کردند، مثلاً بالا زدن آستین ها، دنبال وسیله ی تنبیه گشتن و... تا بچه ها فرصت کنند و بگریزند و نسبت به عمل خود متنبّه گردند.»(۱)

سعه ی صدر در برخورد با کودکان

سعه ی صدر در برخورد با کودکان

فرزند امام خمینی رحمهم الله می گوید: «پنج شش ساله بودم که به قیطریه آمدیم. آن وقت ها آقا در منزل حاج آقا روغنی از طرف ساواک تحت نظر بودند. یک شب که مشغول نماز بودند و چند نفری هم به ایشان اقتدا کرده بودند، تا رفتم، وضو گرفتم و آمدم، آقا رکعت اول را تمام کرده بودند و رفته بودند سجده. [من] از شدت علاقه ای که به نماز خواندن با ایشان داشتم، به خیال خودم به ایشان اقتدا نمودم و به جماعت متصل شدم. بعد از نماز، مادرم گفت: دختر! نمازت اشکال داشت. دلیلش را هم گفت، امّا من قبول نکردم و گفتم: نه، درست است و اصرار کردم به آقا بگوییم. وقتی به ایشان گفتم، امام با حوصله، یک ربع برای من توضیح دادند که چرا نباید آن

۱- الگوهای تربیت اجتماعی، محمدعلی کریمی نیا، قم، پیام مهدی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۷.

موقع اقتدا می کردم».(۱)

۱- الگوهای تربیت اجتماعی، محمدعلی کریمی نیا، قم، پیام مهدی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۸.

فصل هشتم: ویژگی های تنبیه در اسلام

اشاره

فصل هشتم: ویژگی های تنبیه در اسلام

تنبیه و مجازات هنگامی بیدارگر و اصلاح کننده است که بر اساس آداب درست، اجرا شود و از همه مهم تر آن که با شناسایی ریشه های کجی و ناراستی، همه ی تلاش ها برای نابودی آن ها به کار رود. امیرمؤمنان علی علیه السلام در عهدنامه ی مالک اشتر به او می آموزد که پس از به کار گماردن درست کارگزاران و کارمندان، نیازهای ایشان را به خوبی برآورده سازد تا بهانه ای برای خیانت نداشته باشند. در این حالت، اگر از روی حرص و طمع، به خیانت دست بیالایند، باید با شدّت و بدون تساهل و تسامح، مجازات شوند تا دیگر کسی جرأت خیانت کردن را نیابد.(۱)

اکنون به برخی ویژگی های تنبیه اشاره می کنیم.

۱_ تعلق گرفتن تنبیه به کردار ناپسند شخص

۱_ تعلق گرفتن تنبیه به کردار ناپسند شخص

هدف تنبیه آن است که شخص از بدی، دور شود. بنابراین، شخصیت انسانی او نباید مورد اهانت قرار گیرد و خرد شود. پدر و مادر و مربیان هنگام تنبیه کودک متخلف نباید او را سرزنش کنند، بلکه باید کار زشت و ناپسند او را مورد سرزنش قرار دهند. به همین دلیل، باید بگویند ما تو را دوست داریم، ولی به خاطر این اخلاق و رفتار ناپسند، تو را تنبیه می کنیم.

۱- نهج البلاغه، نامه ی ۵۳.

قرآن کریم هنگام سخن گفتن درباره ی مجازات و عذاب کافران، کردار ناپسندشان را نکوهش می کند و بدان دلیل، آنان را سزاوار مجازات می داند. خداوند درباره ی قوم ثمود می فرماید:

فَاَخَذَتْهُمْ صاعِقَهُ الْعَذابِ الهُونِ بِماکانُوا یَکْسِبُونَ.(۱)

صاعقه ـ آن عذاب خوار کننده ـ قوم ثمود را به خاطر کرداری که انجام می دادند، فرا گرفت.

در این آیه ی شریفه، دلیل عذاب قوم ثمود، رفتار بد آنان یاد شده است.

علی علیه السلام می فرماید:

اِنّ اللّه ـ سُبْحانَهُ قَدْ وَضَعَ اَلْعِقابَ عَلی مَعاصِیهِ زِیادَهً لِعبادِهِ عَنْ نَقِمَتِه.(۲)

همانا خدای سبحان، کیفر را بر معاصی خود قرار داده است تا بندگانش را از عذاب خویش باز دارد.

۲ـ سنجیده بودن تنبیه

۲ـ سنجیده بودن تنبیه

باید در بهره گیری از شیوه های تنبیهی، سنجیده رفتار کرد. گاه با یک نگاه نافذ می توان فرد متخلف را آگاه کرد و یا با چشم پوشی از خلاف، او را به راه راست هدایت کرد. باید مراحل تنبیه راشناخت و متناسب با روحیه ی متخلف، از آن ها بهره گرفت. برای نمونه، بهترین شیوه برای تنبیه کودکی که توجه پدر و مادر برای او اهمیت زیادی دارد، قهر کردن است، نه سرزنش و کتک زدن.

۱- فصلت، ۱۷.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۹، باب ۳۷۴، ص ۲۹۸.

هم چنین در بهره گیری از شیوه ی تنبیهی باید اعتدال پیشه کرد. تنبیه باید از میزان خطا و جرم شدیدتر نباشد؛ زیرا در این صورت، کارآیی خود را از دست می دهد و به واکنش های منفی می انجامد. گفته اند مردی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نافرمانی خانواده ی خود شکایت کرد و گفت: چگونه آنان را تنبیه کنم؟ حضرت فرمود: «آنان را ببخش» آن شخص برای بار دوّم و سوم، پرسش خود را تکرار کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همان پاسخ را فرمود. آن گاه حضرت فرمود:

فَعاقِبْ بِقَدرِ الذّنبِ.

اگر خواستی تنبیه کنی، به اندازه ی گناهی که کرده اند، مجازات کن و فراتر مرو.(۱)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره ی میزان تنبیه می فرماید:

اَلْاِفْراطُ فِی اَلْمَلامَهِ یَشُبُّ نِیرانِ اَلْلِجاجَهِ.(۲)

زیاده روی در توبیخ، آتش لج بازی را شعله ور می سازد.

یکی از سفارش های همیشگی قرآن کریم، میانه روی است. خداوند با نکوهش کسانی که از اعتدال خارج می شوند، آنان را برادران شیطان معرفی می کند و می فرماید:

اِنّ الْمُبَذِّرینَ کانُوا اِخْوانَ اَلشَّیاطینَ.(۳)

تبذیر کنندگان برادران شیطانند.

۱- آیین تربیت، ابراهیم امینی، ص ۳۶۸.

۲- الحدیث، ج ۱، ص ۲۰۴.

۳- اسراء، ۲۷.

تبذیر عبارت است از خارج شدن از اعتدال که سبب پای مال شدن حقوق دیگران گردد. کسی که در شیوه های تنبیهی زیاده روی می کند، نه تنها نتیجه ی مثبتی نمی گیرد، بلکه کم ترین احتمال هدایت شدن فرد را نیز از بین می برد.

بعضی از پدران و مادران و مربیان بدون در نظر گرفتن روحیه ی کودکان، رفتارهای پرخاش جویانه و سخت گیری های نامتناسب رادر حق دانش آموزان به ویژه در برابر دیدگان هم کلاسی ها و هم سالان شان روا می دارند. برای نمونه، گاهی نمونه ی انضباط او را کم می کنند و گاهی او را از کلاس درس بیرون می رانند. حال آن که بسیاری از این مشکلات را با رفتاری مقبول و محبت آمیز و با دقت بیشتر می توان به سادگی حل کرد.(۱)

۳_ تنبیه؛ مایه ی بیداری

۳_ تنبیه؛ مایه ی بیداری

اثربخشی تنبیه به تناسب تنبیه با شخص و کردار او بستگی دارد. چشم پوشی، اخم کردن، روی تُرُش کردن، روی برگرداندن، جدا شدن، قهر کردن، به کنایه سخنی گفتن، اشاره ی زبانی، یادآوری، سخن گفتن عادی یا تند و مانند این ها مراتب تنبیه است که برای آگاه کردن متخلف به کار می رود. قرآن کریم می فرماید:

وَ ما اَرْسَلْنا فِی قَرْیَهٍ مِنْ نَبیّ اِلاّ اَخَذْنا اَهْلَها بِالْبَأساءِ وَ اَلضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ یَضَّرَّعُونْ.(۲)

۱- چرا تنبیه؟، عبداللّه مجوزی، انجمن اولیا و مربیان، ص ۹۰.

۲- اعراف، ۹۴.

و ما در هیچ شـهر و دیاری، پیامبری نفرسـتادیم مگر آن که اهل آن را دچار سختی و دشواری کردیم تا شاید تضرع کنند و از کرده ی خود پشیمان شوند و به سوی ما روی آورند.

هم چنین می فرماید:

لَقَدْ اَخَذْنا آلَ فِرعَونَ بِالسِّنینَ وَ نَقْصٍ مِنَ الثَّمراتِ لَعَلَّهُمْ یَذَکَّرُوْنْ.(۱)

ما نزدیکان فرعون (و قوم او) را به خشک سالی و کمبود میوه ها گرفتار کردیم تا شاید پند گیرند.

در این آیه می بینیم که هرچنـد فرعونیـان، مردمی لـج بـاز هسـتند و ایمـان نمی آورنـد، ولی این مسأله سـبب پیـدایش کینه و خصومت با آنان نیست. تنبیه آنان بـدان دلیل است که شایـد پند گیرند و به یاد خدا افتند و ایمان بیاورند؛ زیرا؛ هدف خداوند از تنبیه تنها بیداری خفتگان است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصف پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

طَبیبٌ دَوّارٌ بِطِبِّهِ.

او طبیبی بود که با دارو در پی بیمار می گشت.

از واژه ی طبیب در این سـخن، نکته های مهم و ارزنده ای به دست می آید. ترحّم به حال بیماران از ویژگی های طبیب است. اصولاً ـ کار طبیب، «درمان» است، به گونه ای که حتی اگر دشـمن نیز زیر تیغ جرّاحی او قرار گیرد، طبیب حقیقی و واقعی (که پیامبر اکرم در شمار طبیبان واقعی است) در اندیشه ی بیماری و درمان او خواهد بود. بنابراین، اگر نیشتر هم بزنند، نه

۱- اعراف، ۱۳۰.

از سر کینه و دشمنی، بلکه برای درمان است. با ریختن داروی تلخ در حلق بیمار نیز نمی خواهد او را آزار دهد، بلکه می خواهد بیماری اش را مداوا کند. در این صورت، پیامبر چون، طبیب است، از تنبیه خویش ــ هر چند در ظاهر، دارویی تلخ و نیشتری دردآور باشد ــ درمان و آگاهی مردم را در نظر دارد.(۱)

۴ــ توجیه مربی نسبت به تنبیه

۴ــ توجیه مربی نسبت به تنبیه

فرد تنبیه شونده باید بداندکه برای چه مجازات می شود. این امر باید به گونه ای باشد که شخص، خود را سزاوار آن ببیند و از تأیید درونی وی برخوردار باشد تا اثر بیدار کننده، باز دارنده و اصلاحی بر او داشته باشد. خداونددر قرآن کریم درباره ی کافرانی که گرفتار عذاب الهی شده اند، چنین می فرماید:

وَ یَوْمَ یَعَضُّ الظّالِمُ عَلی یَدَیهِ یَقُولُ یالَیْتَنِی اِتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبیلاً * یا وَیلَتی لَیتَنی لَمْ اَتَّخِذْ فُلانا خلیلاً* لَقَد اَضَلَّنی عَنْ الذِّکْرِ بَعْدَ اِذْ جاَّنِی...(۲)

و (به یاد آور) روزی را که ستم کار انگشت خود را (از شدت حسرت) به دندان می گزد و می گوید: ای کاش! با رسول خدا راهی برگزیده بودم! ای وای بر من! کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم. او مرا از یاد آوری (حق) گمراه ساخت پس از آن که (یاد حق) به سراغ من آمده بود.

۱- قدرت در مدیریت اسلامی، محمدمهدی نادری قمی، ص ۱۲۷.

۲- فرقان، ۲۷ ــ ۲۹.

از این آیات برمی آید که کافران، خود را سزاوار این عذاب می دانند؛ زیرا در پذیرش حقی که به سراغ آنان آمده بود، کوتاهی کرده اند.

یکی از دوست داران حضرت علی علیه السلام که غلامی سیاه بود، دچار لغزش شد و دزدی کرد. او را نزد ایشان آوردند. پس از آن که وی اقرارکرد و مسلّم شد که باید حدّ بر او جاری شود، علی علیه السلام، انگشتان دست راست او را برید. این غلام انگشتان بریده شده ی خود را به دست چپ گرفت و در حالی که خون از دست راستش می چکید، از پیش علی علیه السلام بیرون رفت.

ابن الکَوّا که از خوارج بود، با دیدن این صحنه، فرصت را مغتنم شمرد. پیش رفت و از غلام پرسید: «چه کسی انگشتانت را بریده است؟» او که هدف اصلی «ابن کَوّاء» را از دل سوزی دروغینش دریافته بود، گفت: «انگشتانم را سید الاوصیاء او که پیشوای رو سفیدان قیامت، حق دارترین مردم نسبت به مؤمنان، پسر عموی رسول خدا، رهبر راه رشد و کمال، علی بن ابی طالب علیه السلام بریده است».

ابن الکوّاء با شنیدن این سخنان بر آشفت و گفت: «وای بر تو ای سیاه! دستت را می برد و تو این گونه ثنایش می گویی؟»

او پاسخ داد: «چرا ثنایش نگویم، در حالی که محبتش با گوشت و خونم آمیخته است؟ به خدا سوگند دستم را جز به حق نبرید تا مرا از مجازات آخرت نجات دهد!»(۱)

۱- سیری در تربیت اسلامی، ص ۳۴۵.

۵_ توجه به تفاوت های فردی

۵_ توجه به تفاوت های فردی

آدمیان، از نظر فهم و عمل، استعدادها و توانایی های گوناگونی دارند. بنابراین، مربی در رویارویی با شاگرد باید چیزی بگوید که متناسب با فهم او باشد و چیزی بخواهد که از توان وی بیرون نباشد. هم چنین باید تنبیهی برای او در نظر بگیرد که توانایی تحمل آن را داشته باشد.

خداوند نیز در قرآن به میزان درک مخاطبان خود، سخن گفته و تکلیف کرده است؛ یعنی از مردم همان قدر خواسته که به آنان «داده» است:

لا یُکَلِّفُ اللّه ٔ نَفْسَا اِلاّ ما آتاها.(۱)

خداوند کسی را تکلیف نمی کند، مگر به میزان آن چه به او داده است.

خداوند، پیامبران خود را به در پیش گرفتن چنین رفتاری با مردم دستور داده است، چنان که پیامبران همواره با زبان مردم سخن گفته اند. این زبان، نه تنها زبان ملفوظ که زبان معقول نیز بوده است.

اِنّا اُمرِنا مَعاشِرَ ألْانبیاء اَنْ نُکَلِّمَ النّاسَ بِقَدْرِ عُقُولِهِمْ.(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ما پیامبران فرمان یافته ایم که با مردم به اندازه ی خرد آنان سخن بگوییم.

بر این اساس، در نظام آموزشی اسلام، مربّی باید به میزان توانایی مخاطب خود نظر افکند و بر پایه ی آن، تخلّف او را کیفر دهد.

۱- طلاق، ۷.

۲- الحیاه، ج ۱، ص ۱۴۶.

نبایـد انتظـار داشت که کودک در ۲ تا ۷ سـالگی تکلیف پـذیر باشـد؛ زیرا بازی یکی از ارکان اساسـی این دوران است. باید گفت در این دوران کودک را بـا بسـیاری از آداب و قوانین می توان آشـناساخت، ولی این بـدان معنـا نیست که در این دوره باید از او، تکلیف خواست و در صورت تخلف، تنبیه کرد.

کودک از ۷ سـالگی در برابر تکلیف خود، مسؤول است و در صورت سـرپیچی از آن،بایـد بـازخواست شود. بـا این حـال، بر اساس روایات، تنبیه متناسب این سن قهر کردن است نه کتک زدن.(۱)

در دهه ی سوم زنـدگی انسـان می توان انتظار داشت که جوان به اعتـدال چشم گیر هیجانی وفکری دست یابـد و اهل اندیشـه باشد. تخلف او در این دوران با دوره ی کودکی بسیار متفاوت است. تنبیه متناسب این دوره، سرزنش و فهماندن و گفتن این مطلب است که انتظار سر زدن چنین کاری از تو نبود.

اسـلام با در نظر گرفتن تفاوت های فردی، مجازات های گوناگونی در نظر گرفته است. برای نمونه، درباره ی مرد و زن شوهر داری که زنا کرده انـد، مجازات شدیـدتری و درباره ی پیرمرد و پیرزن که به چنین گناهی دست یازدیده اند، اشدّ مجازات را در نظر گرفته است.

۱- نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، خسرو باقری، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰، صص ۱۲۹ _ ۱۳۰.

ص:۱۲۹

بخش سوم: آسیب شناسی تشویق و تنبیه

اشاره

بخش سوم: آسیب شناسی تشویق و تنبیه

زیر فصل ها

آسیب شناسی تشویق و تنبیه در سطح کلان

اشاره

آسیب شناسی تشویق و تنبیه در سطح کلان

زیر فصل ها

۱ــ برابری نیکوکار و بدکار

۲ــ ناسپاسی نسبت به کارگزاران سخت کوش

۳ــ بی توجهی به انتقادگران صادق

۴ــ پاداش نگرفتن افراد آزموده

۵ــ مجازات نشدن خیانت کاران

۶ــ ترفیع به جای عزل

۷ــ متناسب نبودن تخلف ها با مجازات ها

۱ــ برابری نیکوکار و بدکار

۱ــ برابری نیکوکار و بدکار

در نظام اداری سامان یافته، پاداش دادن و تشویق کارگزاران وکارکنان پرتلاش و نیکوکار و مجازات کارگزاران و کارمندان کم کار و خیانت پیشه، یک اصل اساسی به شمار می رود و ره آورد رویکرد افراد مسؤول به درست کاری و دوری از تبه کاری است امیرالمؤمنین علی علیه السلام به فرماندار خود می فرماید:

وَ لا یَکُونَنَّ اَلمُحسِنُ وَ اَلْمُسیءُ عِنْدَکَ بِمَنْزِلِهٍ سِواء فَاِنَّ فِی ذلِکَ تَزْهیدا لِأَهلِ الْاِحْسانِ فی الْاِحْسانِ وَ تَدْریبا لِأَهْلِ الْاِساءَهِ عَلَی الْاِساءَهِ وَ اَلْزِمْ کُلاًّ مِنْهُمْ ما اَلْزَمَ نَفْسَهُ.

هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشد؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری، بی رغبت و بدکاران در بدکاری، تشویق می شوند. پس هرکدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده.

به گفته ی حضرت علی علیه السلام اگر نیکوکاران، تشویق و خیانت کاران، تنبیه شوند، انگیزه ی نیکوکاری و خدمت

گزاری در کارگزاران پدید می آید و گرایش بدکاران به تباهی گری و خلاف کاری و کم کاری از بین می رود.

متأسفانه این سخن امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نظام اداری ما اجرا نمی شود؛ یعنی نظام اداری ما، کارگزار و کارمند موفق را تشویق نمی کند. هم چنین کارمندی که از کار می گریزد و وظایف خود را ناتمام می گذارد، توبیخ و مجازات نمی شود. بسیار دیده می شود کارمندی تمام وقت خود را به انجام وظیفه می گذراند و می کوشد ارباب رجوع با خشنودی کامل از آن سازمان بیرون رود. با این حال، کارمندی دیگر از هنگام پا نهادن به اداره تا لحظه ی پایان کار تنها با نوشیدن چای و گفت وگوی تلفنی با افراد گوناگون، کار روزانه ی خود را به پایان می برد و ارباب رجوع را با ناخشنودی از آن سازمان، گریزان می کند. جالب این که، در پایان ماه، حقوق و پاداشی که این دو از اداره، دریافت می کنند، یکسان است و هیچ کس، از کارشان، بازخواست نمی کند.

۲_ ناسپاسی نسبت به کارگزاران سخت کوش

۲_ ناسپاسی نسبت به کارگزاران سخت کوش

آیین اسلام براساس عدل پایه گذاری شده است. عدل یعنی این که هر چیزی در جای خود قرار گیرد.(۱) بر اساس این معیار اسلامی، مدیریت درست و اسلامی، مدیریتی خواهد بود که:

۱_ به کارمند موفق و سخت کوش و فرد کم کار و تنبل، به یک چشم نگریسته نشود.

۱- اَلْعَدْلُ وَضْعُ الشّی ءِ فِی مَحَلِّهِ.

۲ــ خدمت گزاران، مورد تشویق و تحسین قرارگیرند و افراد کم کار و بی مسؤولیت، توبیخ و تنبیه شوند.

۳ــ معیار تشویق افراد تنها کار و پی آمد آن باشد.

اگر در مدیریت یک سازمان، افراد خادم در کنار افراد خائن قرار گیرند و به طورمساوی از حقوق و مزایا و دیگر تسهیلات بهره مند شوند، انگیزه ی کار بهتر و به کارگیری استعدادهای نهفته، فلج می شود و آن سازمان به سستی و نابودی می گراید. به همین ترتیب، اگر تشویق ها ناعادلانه، تبعیض آمیز و براساس حبّ و بغض مدیران، شکل بگیرد، کارمندان و افراد زیر دست، نسبت به مدیر بی تفاوت و بی اعتماد خواهند شد و هرگونه صداقت و صمیمیت خود را از دست خواهند داد.(۱)

برای پیش گیری از پدید آمدن چنین وضعیتی، باید تدبیری اندیشید تا افراد خدمت گزار، شایسته و پرتلاش هر سازمان شناسایی شوند و مورد تشویق مادی و معنوی قرارگیرند تاسبب ترغیب دیگر کارمندان به کوشش بیشتر شود.

۳ــ بی توجهی به انتقادگران صادق

۳ــ بی توجهی به انتقادگران صادق

یکی از راه کارهای اصلاحی در نظام اداری و اجرایی، به کار گماردن افرادی است که پیشینه ی خوب و شایسته ای دارند. باید مسؤولیت به کسانی واگذار شود که از آزمون ها سربلند بیرون آمده اند. با تشویق و تحسین کار این افراد، چاپلوسان فرصت خودنمایی نخواهند یافت.

۱- آیین کشورداری ازدیدگاه امام علی علیه السلام، محمد فاضل لنکرانی، صص ۱۲۷ ــ ۱۲۸.

اميرالمؤمنين على عليه السلام در عهدنامه ى مالك اشتر مى فرمايد:

ثُمَّ لِيَكُنْ آثَرُهُمْ عِنْدَكَ اَقَلَّهُمْ بِمُرِّ الْحَقِ لَكَ، وَ اَقَلَّهُمْ مُساعَدَةً فيمايَكُونُ مِنْكَ مِمّا كَرِهَ اللّه لِأَوْلِيائِهِ، واقِعا ذلِكَ مِنْ هَواكَ حَيْثُ وَقَعَ. وَاَلْصَقْ بِأَهْلِ الْوَرْعِ وَ الصِّدْقِ، ثُمَّ رُضْهُمْ عَلى أَنْ لا يُطْرُوكَ، وَ لا يُبَجِّعُوكَ بِباطِلٍ لَمْ تَفْعَلْهُ فَإِنَّ الاطراءِ تُحْدِثُ الزَّهْوَ، وَ تُدْنى مِنَ العِزَّهِ.(۱)

از ميان نيروهاى متعهد، افرادى را مقدّم دار كه در گفتن حقّ از همه صريح ترند و در همراهى نسبت به آن چه خداوند براى اولياى خويش دوست نمى دارد، كمتر به تو كمك مى كنند؛ خواه موافق ميل تو باشند يا نه. خود را به اهل ورع و صدق و راستى نزديك كن و آنان را گونه اى پرورش ده كه بى اندازه تو را نستايند و تو را به خاطر كردار نادرستى كه انجام نداده اى، تمجيد نكنند؛ زيرا ستايش بيش از اندازه، خودپسندى مى آورد و [انسان را]به غرور نزديك مى سازد.

به راستى اگر اين سخنان به كار گرفته شود، آيا در جذب و دفع نيروها، روابط بر ضوابط چيره خواهد شد؟ آيا پديده هاى زشت هم چون چاپلوسى، رياكارى و خوش خدمتى گسترش خواهد يافت؟ در اين صورت آيا منافقان، دروغ گويان، چاپلوسان و رياكاران، كارهاى كليدى را به دست خواهند گرفت و نيروهاى متعهدِ و پاك، منزوى خواهند شد؟ به يقين، هيچ يك از اين وضعيت ها رخ نخواهد داد. در چنين حكومتى، داورى ها و ارزيابى ها بر محور خشنودى پروردگار صورت مى گيرد، تا خشنودى

۱- نهج البلاغه، عهدنامه ى مالك اشتر.

مسؤولان رده بالاتر. بنابراین، به کارمندی اعتماد خواهد شد که سخن حق را با صراحت کامل بگوید، هرچند تلخ و ناگوار باشد. در این حالت، کارمندی پیشرفت می کند که صراحت، صداقت و پاکی بیشتری داشته باشد، نه آن که چاپلوس، ریاکار و متظاهر است؛ زیرا وظیفه ی مسؤولان جامعه، جستن پاکان نزدیک شدن به راست گویان و صراحت پیشگان است.

متأسفانه، یکی از آفت های نظام اداری، نفوذ چاپلوسان در برخی مسؤولیتها است؛ زیرا این افراد، ضعف ها و کمبودها را ازدید مسؤولان دور نگاه می دارند. در مقابل، افرادی که با دل سوزی و صراحت، مشکلات را بیان می کنند، از مصدر امور دور نگه داشته می شوند و ازپیشرفت باز می مانند.(۱)

۴_ پاداش نگرفتن افراد آزموده

۴_ پاداش نگرفتن افراد آزموده

عدالت اسلامی ایجاب می کند که در تقسیم پست ها تنها به فضایل و اصالت های انسانی و امتیازهای اسلامی توجه شود و هر کس براساس لیاقت، کاردانی و تقوا به مقام مناسب دست یابد. از دیدگاه حضرت علی علیه السلام، زمام دار شایسته کسی است که در تقسیم مسؤولیت میان افراد، تنها به اجرای عدالت و دادن حق به حق دار، می اندیشد و جز با دقت در ویژگی های افراد و آزمودن آنان، کسی را به کارگزاری دولت نمی گمارد. افزون بر آن، در تشویق خدمت گزاران و دادن پاداش مادی و معنوی به آنان،

۱- آیین کشورداری ازدیدگاه امام علی علیه السلام، شرح عهدنامه ی مالک اشتر، صص ۱۲۶ _ ۱۲۷.

کوتاهی نمی کند. علی علیه السلام در عهدنامه ی مالک اشتر می فرماید:

ثُمَّ اَنْظُرْ فی اُمُورِ عُمّالِکَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اِخْتِبارا وَ لا تُوَلِّهِمْ مُحاباةً وَ أَثرَةً...(۱)

سپس در کارهای کارمندانت بنگر و چون آنان را آزمودی به کار بگمار، نه از راه بخشش و خودکامگی.

۵_ مجازات نشدن خیانت کاران

۵_ مجازات نشدن خیانت کاران

امانت داری از ویژگی های برجسته ی کارگزاران حکومتی است. آن چه در اختیار آنان قرار می گیرد، اعم از منصب و دارایی، از آنِ ملت است که برای مدتی نزد آنان به امانت سپرده می شود. از این رو، هر کارگزار دولت وظیفه دارد امانت مردم را به خوبی حفظ کند و برای افزایش منافع مادی و معنوی ملت، از آن بهره گیرد. حضرت علی علیه السلام در همین زمینه، یکی از فرمانداران خود را چنین سرزنش می کند:

ای اشعث! مقام فرمان روایی به منزله ی خوراک برای تو نیست که هر چه از این راه به تو رسید، مال شخصی خود بدانی، بلکه این مقام امانتی است در اختیار تو که باید از آن مراقبت کنی و بر خلاف دستورهای دینی، گام برنداری.(۲)

امانت داری یکی از شرط های گزینش کارمندان است و اگر کارگزاری در امانت، خیانت کرد، باید بازخواست و توبیخ گردد تا دیگران از آن پند بگیرند. و دست به خیانت نیالایند. نامه ی عتاب آمیز علی علیه السلام به یکی از

۱- نهج البلاغه، نامه ی ۵۳.

۲- نهج البلاغه، نامه ی ۵۳.

زمـام دارانش که به خیـانت دست یازیـده بود، حساسـیت ایشان را درزمینه ی امانت داری و حفظ بیت المال و گوشـزد کردن وظیفه ی مسؤولان حکومت اسـلامی درباره ی خیانت پیشـگان نشان می دهـد. حضـرت علی علیه السـلام به «زیاد بن ابیه» می نویسد:

از روی راستی و درستی به خدا سوگند یاد می کنم، اگر به من خبر برسد که تو در بیت المال مسلمانان، به کم یا زیاد، خیانت ورزیده و بر خلاف دستور، مصرف کرده باشی، چنان بر تو سخت می گیرم که خوار و ذلیل شوی.(۱)

از نظر علی علیه السلام، امـانت داری از ویژگی هـای برجسـته ی کارگزاران حکومتی است که بایـد مورد توجه زمام داران و مسؤولاـن قرار گیرد. آن حضـرت با بی توجهی کارگزاران به این مسأله به شـدت برخورد می کرد و بـدون هیـچ ملاحظه ای، آنان را به مجازات می رساند.(۲)

متأسفانه این اصل اساسی در انتخاب کارگزاران، در جامعه ی ما رعایت نمی شود و افرادی که از امانت داری کافی برخوردار نیسـتند، به کارگمارده می شونـد. هم چنین اگر مرتکب خیانت شوند، تنها از آن پُست برکنار می شوند و در جای دیگری، به کار گمارده می شوند. بدین ترتیب، از رسیدگی به تخلّف و مجازات کارمندان خاین، خبری در کار نیست.

۶_ ترفیع به جای عزل

۶_ ترفیع به جای عزل

۱- نهج البلاغه، نامه ی ۲۰.

۲- تربیت اسلامی، مجموعه مقالات همایش «تربیت در سیره و کلام امام علی علیه السلام »، کتاب چهارم، ص ۴۷۸.

لغزش ها، خلاف ها و خیانت ها برابر نیستند و باید به تناسب وضعیت با آن ها برخورد کرد. در این میان، عزل یااخراج موقت، در ارتکاب خیانت کارگزاران، نقش پیش گیرانه دارد. برکنار کردن یک مسؤول، به دیگر زمام داران هشدار می دهد که اگر دست به خیانت بگشایند، بر مسند ریاست باقی نخواهند ماند. یکی از شیوه های برخورد امام علی علیه السلام با بعضی از کارگزاران متخلف، بر کنارکردن آنان از مقام شان بود.

اشعث بن قیس ازکارگزاران امیرالمؤمنین علی علیه السلام در آذربایجان بود. حضرت در نامه ای به وی می نویسد:

اموالی از ثروت های خدای بزرگ و عزیز در دست توست و تو خزانه دار آنی تا به من بسپاری. امیدوارم برای تو بدترین زمامدار نباشم.

هنگامی که نامه ی حضرت به وی رسید، یاران خود را فرا خواند و گفت: «نامه ی علی علیه السلام مرا بیمناک کرد او می خواهد اموال آذربایجان را ازمن بستاند و من می خواهم به معاویه بپیوندم». یارانش گفتند: «مرگ برای تو زیبنده تر ازرفتن به سوی معاویه است». این سخنان در وی اثر کرد و شرمگین شد. هنگامی که این خبر به امام رسید، نامه ای نوشت و او را سرزنش کرد و به کوفه فرا خواند. آن گاه بیت المال را از او پس گرفت و به خاطر خیانت، وی را بر کنار کرد.(۱)

۱- معیار گزینش کارگزاران از دیدگاه امام علی علیه السلام، محمد باقری، پایان نامه ی کارشناسی ارشد الهیات و معارف، مؤسسه ی آموزشی پژوهشی امام خمینیره، ص ۱۲۸.

ابوموسی اشعری یکی دیگر از کارگزاران حضرت علی علیه السلام بود که به دلیل کوتاهی در انجام وظیفه و خیانت در امانت، با سرزنش امام روبه رو شد. امام علی علیه السلام در نامه ای به او می نویسد:

همانا فرزند عباس و فرزند ابوبکر را به سوی تو فرستادم. پس با آنان و شهر و مردمش، کاری نداشته باش و از کار ما کناره گیری کن، درحالی که نکوهیده و رها شده ای. اگر چنین نکردی، من به آنان دستور داده ام که با تو مخالفت کنند.(۱)

هنگامی که نادرستی ها، سستی و خیانت کارگزاران به گونه ای باشد که شایستگی باقیماندن آنان در کار زیر سؤال رود، عزل آنان ضروری است. این شیوه برای سامان بخشی امور، پیش گیری از خلاف، سالم سازی نظام اداری و از میان برداشتن چهره های ناپاک و خیانت کار، بسیار سودمند است. متأسفانه در نظام اداری و کارگزاران جامعه ی ما برعکس این شیوه ی اصلاحی رفتار می شود. برای نمونه، استانداری را که در یک استان، موفق نبوده و مرتکب تخلفات مالی شده است، به استان بزرگ تر می فرستند یا فردی را که مرتکب اختلاس شده است، به سرپرستی مجموعه ای بزرگ تر می گمارند. همین شیوه ی غلط به افزایش مفاسد می انجامد.

۷_ متناسب نبودن تخلف ها با مجازات ها

۷_ متناسب نبودن تخلف ها با مجازات ها

بقاء و دوام هر حکومتی به پیش گیری از تخلفات اداری و توسعه ی فراگیر به قاطعیت رهبران و دست اندرکاران عالی رتبه ی حکومت در مجازات متخلف و رعایت تناسب میان جرم و مجازات بستگی دارد. نباید

۱- معیار گزینش کارگزاران از دیدگاه امام علی علیه السلام، ص ۱۲۸.

برای جرمی بزرگ جریمه ی انـدکی در نظر گرفت یا خیانت در امانت فردی را با جریمه ی مالی، سـزا داد. باید دانست بدون مقابله ی مناسب با تخلفات مسوؤلان و کارگزاران، سـلامت جامعه و حکومت، تضـمین نخواهدشد. از این رو، کم ترین چشم پوشی در برابر متخلفان و قانون گریزان، روا نیست و باید قاطعانه با آنان برخورد شود. متأسفانه، در جامعه ی ما، میان مجازات بعضـی کارگزاران با جرمی که انجام داده اند، تناسبی به چشم نمی خورد. برای نمونه محکوم کردن کسـی که با تخلّف خود، آبروی نظام را به خطر انداخته است به پرداخت چند هزار تومان پول نقد یا محرومیت چند ماهه از پست های دولتی، مجازاتی مناسب و باز دارنـده نیست. امیرالمومنین علی (ع) هنگامی که متوجه خیانت زیاد بن ابیه جانشـین حاکم بصـره شد، د رنامه ای تهدیدآمیز، خطاب به وی چنین نوشت:

همانابه خداوند سوگند می خورم، سوگندی به راستی که اگر به من خبر دهند تو در حق مسـلمانان خیانت کرده ای ــ چه کم و چه زیاد ــ چنان بر تو سخت گیرم که در برآوردن مخارج زندگی، فقیر و درمانده شوی و خوار و پریشان حال گردی.»(۱)

بر اسـاس مفـاد نـامه ی حضـرت علی(ع) رعـایت عـدالت در مجازات کارگزار خیانت کار آن است که همه ی اموال او گرفته شود تا به تنگ دستی دچار شود و مردم او را بشناسند.

۱- نهج البلاغه، نامه ی ۲۰.

آسیب شناسی تشویق و تنبیه در سطح خانواده و مدرسه

اشاره

آسیب شناسی تشویق و تنبیه در سطح خانواده و مدرسه

زیر فصل ها

نقش پرورشی خانواده و مدرسه

نقش پرورشی خانواده و مدرسه

اشاره

نقش پرورشی خانواده و مدرسه

نهاد خانواده، جامعه ی نسبتا کوچکی است که اعضای آن بر یکدیگر، تأثیر می گذارند. در پی چنین اثرگذاری دو سویه، مجموعه ای از باورها، آداب، رسوم و ارزش های اخلاقی، عاطفی و اجتماعی شکل می گیرد. رشد کودکان در کانون خانواده، نیز ازهمین ارزش گذاری ها و گرایش های اخلاقی، عاطفی و اجتماعی اثر می پذیرد. از این رو، خانواده، یکی از عوامل مهم و مؤثر در رشد کودکان به شمار می رود.

هنگامی به اهمیت نقش خانواده در رشد پی می بریم که از مسؤولیت خطیر پدرو مادر در پرورش جسمی و روانی فرزندان آگاه شویم؛ مسؤولیتی آن چنان بزرگ که حضرت سجاد علیه السلام هنگام پذیرش آن، از خداوند متعال، یاری می جوید و می فرماید:

اَعِنّی عَلی تَربِیَتِهمْ وَ تَأدِیبِهمْ وَ بِرِّهم.(۱)

(خدایا) مرا در تربیت و تأدیب فرزندان و نیکی کردن به آن ها یاری نما.

افزون بر آن، کودک سال های زیادی را در مدرسه، می گذراند و با وظایف اجتماعی خویش آشنا می شود. وی در مدرسه می آموزد که چگونه و با چه کسی رابطه برقرار کند و از قوانینی که رفتار، احساسات و نگرش های او را محدود می کند، آگاه می شود. همه ی این عوامل درکنار

۱- صحیفه ی سجادیه، دعای ۲۵.

تجربه ی فردی، زمینه را برای رشد توانایی های فردی و ارزیابی رفتار شایسته و ناشایست برای آدمی فراهم می کند. اینک به آسیب های به کار بردن تنبیه می پردازیم.

۱ ـ تقدّم تنبیه بر تشویق

۱ ـ تقدّم تنبیه بر تشویق

پندار دست یابی هر چه زودتر به نتیجه، پدر و مادر و مربیان را وامی دارد تا روش های آسیب زای تنبیهی را بر شیوه های تشویقی مقدم بدارند. دانش آموزی که در کلاس درس، شیطنت می کند و با شکلک درآوردن و آزار دادن دیگر دانش آموزان، آرامش کلاس را به هم می زند، با تحقیر، سرزنش، برچسب و...، به طور موقت آرام می شود و با اجبار آموزگار، با خواسته ی وی تن در می دهد. این در حالی است که این رفتار، تظاهری بیش نیست و به خاکستری می ماند که روی آتش را گرفته است و انسان می پندارد آتش خاموش گشته است. این حالت، آرامش و سکوت شاگرد نیست، بلکه شگردی آگاهانه است که وی برای ساکت کردن مربی به کار می برد.(۱)

۲ـ در نظر نگرفتن تفاوت های فردی

۲ـ در نظر نگرفتن تفاوت های فردی

تبعیض قایل شدن میان شاگردان و فرزندان بدون در نظر گرفتن تفاوت های فردی آنان، پی آمدهای ناگواری دارد. برخی مربیان، این کار را روشی مؤثر در پرورش می دانند، در حالی که چنین نیست. بوسیدن فرزند

۱- روش های آسیب زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، محمد رضا قائمی مقدم، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، مؤسسه ی امام خمینی، رشته ی علوم تربیتی، صص ۱۱۰ ـ ۱۱۱.

یا هـدیه دادن به یکی از شاگردان در برابر دید دیگران، بدون توجه به واکنش آنان، رفتاری است که به طور گسترده از سوی پـدر و مادر و مربیان سـر می زنـد. اگر به مسأله ی حساسیت دیگران، توجه شود، در خواهیم یافت که چنین کاری تنها تحقیر دیگران است و بس. از این رو، روشی بدآموز و آسیب زا است که باید از حوزه ی رفتاری مربیان خارج شود.(۱)

نعمان بن بشیر می گوید: پدرم هدیه ای به من داد. مادرم ــ عمره دختر رواحد ــ با این هدیه مخالفت کرد و گفت: «تا پیامبر صلی الله علیه و آله بر این بخشش گواهی ندهـد، آن را نمی پـذیرم.» پـدرم نزد پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله رفت و چنین عرض کرد: «من به فرزنـدم از عمره، هدیه ای داده ام. مادرش مرا مجبور کرده است تا شـما را بر این امر گواه بگیرم» حضـرت فرمـود: «آیـا به همه ی فرزنـدانت چنین هـدیه ای داده ای؟» او عرض کرد: «نه» حضـرت رسول صـلی الله علیه و آله فرمود: «از خدا بترسید و میان فرزندانتان به عدالت رفتار کنید. من بر ستم گواهی نمی دهم.»(۲)

از این سـخن پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله بر می آیـد که نباید بی جهت بعضـی فرزندان را بر دیگری، برتری داد. اصل این است که همه ی شـاگردان و فرزنـدان نزد مربّی و پـدر و مـادر، جایگاه برابر داشـته باشـند؛ زیرا همه در شاگرد و فرزنـد بودن برابرند. توجه پدر و مادر یا مربی به یکی از فرزندان یا شاگردان، این اعتدال را بر هم می زند. ممکن است یکی از فرزندان یا

۱- روش های آسیب زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، ص ۳۷.

۲- کنزالعمال، ج ۱۶، ح ۴۵۹۵۷.

شاگردان، ویژگی مثبتی داشته باشد که یا پدر و مادر را به توجه بیشتر وادارد، ولی شایسته است این توجه درونی بوده و به صورت مناسب در رفتار مربی ظهور کند تا به روند تربیتی کودکان و نوجوانان ضربه نخورد.از امام صادق علیه السلام درباره ی مردی پرسیدند که در هدیه و پاداش دادن، بعضی فرزندانش را بر بعضی دیگر برتری می داد. امام علیه السلام فرمود: «این کار اشکالی ندارد اگر معیار برتری، درست باشد.»(۱)اگر تشویق ها و تنبیه ها، بدون در نظر گرفتن تفاوت های فردی و به نادرستی اعمال شود، مشکلات روانی بسیاری برای آموزگار و شاگرد پدید می آورد که بدین قرار است:

۱ـ نخستین آسیب متوجه پدر و مادر و مربیان می شود: زیرا فرزندی که با بی توجهی و بی مهری آنان روبه رو شده است، نسبت به پدر و مادر و مربیان خود، بدبین می شود. و کینه ی آنان را دردل می پروراند.

۲ـ دومین آسیب به فرزند و شاگرد محبوب و برتر برمی گردد. افزون بر این که وی از خود راضی و عقده ای بار می آید، ممکن است دیگران نیز درنتیجه حسادت ورزیدن، به او آزار برسانند.(۲)

۳ـ رغبت نیافریدن تشویق ها

۳ـ رغبت نیافریدن تشویق ها

بی تردید، تشویق و ترغیب از مهم ترین ارکان مؤثر در پیشرفت و تقویت رفتارهای مطلوب است. تشویق به عنوان نیازی درونی، نخستین گام در فرایند تربیت کودک به شمار می رود. با تشویق کودک، فرصتی فراهم

۱- مستدرک الوسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۷۲، ح ۲.

۲- روش های آسیب زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، صص ۴۶ ـ ۴۸.

می شود تا وی به توانایی و ارزشـمندی خود پی برد. در نتیجه، از عملکرد مفید خود، مفهوم مثبت و ارزنده ای در ذهن تصویر می کند که بعدها شکل دهنده ی کرامت نفس او خواهد بود.

گفتنی است اگر تشویق تنهـابه عوامـل بیرونی متمرکز گردد و رغبت درونی کودک را بر نیـانگیزد، به عنوان ضـدتشویق، مانع تقویت محرک های درونی و خودانگیختگی می شود.

اگر رفتار و رشـد کودک را تنها با تشویق کننده های بیرونی مانند: جایزه، پول، کارت آفرین، تحسـین های زبانی پی در پی و بدون توجه به انگیزش درونی وی، همراهی کنیم، رفتار او را با معیارهای از پیش تعیین شده، قالب سازی کرده ایم.

عوامل تشویق

عوامل تشویق از نظر ریشه و سرچشمه ی پیدایش به دو بخش تقسیم می شود:

۱ـ عوامل درونی: عواملی که از انگیزه ی درونی شاگرد ریشه می گیرد.

۲ـ عوامـل برونی: با انگیزه ی درونی شاگرد هیـچ گونه پیونـدی نـدارد. هنگامی که شاگردی یک اسـباب بازی را می سازد، انگیزه ای درونی او را به این کار واداشـته است. در مقابل، اگر دانش آموز تنها برای گذرانـدن آزمون یا رسـیدن به پاداش،به چنین کاری دست بزند، تلاش وی از درون او الهام نمی گیرد. به همین دلیل دانشـمندان اسـلامی به آموزگاران سفارش کرده انـد که عوامـل تشویق بایـد درون شـاگردان را بیـدار سـازد و گرایش به سوی رفتار مطلوب را در باطن آنان پدیـد آورد. اگر تشویق ها و پاداش ها سبب برانگیختن رغبت

درونی افراد نشود، با دو مشکل اساسی روبه رو خواهد شد:

۱_ این پاداش و تشویق به صورت رشوه و باج در می آید و این باور را در دانش آموزان پدید می آورد که انجام تکلیف اگر پاداش و تشویق در پی نداشته باشد، بی ارزش خواهد بود. تقلّب های بعضی دانش آموزان هنگام آزمون ها، معلول همین عوامل بیرونی تشویق و رسیدن به غنیمت است.(۱)

۲_ تشویق هایی که انگیزه ی درونی ندارد، گونه ای رقابت نامطلوب را میان شاگردان فراهم می آورد؛ زیرا هماره پاداش اندک است و رقابت کنندگان فراوان. گاهی این رقابت ها سبب پدید آمدن دشمنی، حسد و درگیری میان شاگردان می شود. بدین ترتیب، آنان که کوشش خود را در راه رسیدن به پیروزی سامان دهند، آرزوی خواری و محرومیت یکدیگر را در سر می پرورانند.(۲)

آفت نظام آموزشی ما این است که دانش آموز برای گرفتن جایزه و نمره ی ۲۰ و به دست آوردن تشویق پدر و مادر، درس می خواند. تشویق های پدر و مادر نیز تنها به میزان دریافت دوباره ی پاداش، در کودکان حرکت پدید می آورد و به رغبت درونی و احساس موفقیتی نمی انجامد که مایه ی حرکت همیشگی آنان باشد. برای نمونه، جایزه ی مسابقه های علمی،

۱- اسلام و تعلیم و تربیت، صص ۲۲۵_ ۲۲۷.

۲- اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۲۲۷.

سرچشمه ی حرکت است نه به دست آوردن اطلاعات. اطلاعات موجود نیز براساس انگیزه ی درونی فرد شکل نمی گیرد.

۴_ عمل نکردن به وعده های تشویقی و تنبیهی

۴_ عمل نکردن به وعده های تشویقی و تنبیهی

از جمله رفتارهـای نامنـاسب پـدران و مـادران و آموزگاران این است که با دادن وعـده به فرزنـدان و شاگردان، انتظارهایی را پدیـد می آورنـد. هم چنین به کارهـایی تهدیـد می کننـد که نابجـاست یا نمی تواننـد انجام دهنـد. این شـیوه، اعتماد فرزنـد و شاگرد را نسبت به پدر و مادر و مربی کاهش می دهد و سبب می شود تهدیدهای آنان را پوچ بشمارد. افزون بر آن، آرامش روانی او را نیز بر هم می زنند. علی علیه السلام در این باره می فرماید:

اَلْمَطلُ عَذابُ اَلنَّفسِ.

وعده دادن و انتظار آفرینی در فرد و سپس عمل نکردن به آن، فرد را می رنجاند و آرامش او را بر هم می زند.(۱)

۵_ رخت بربستن نگاه معنادار از صحنه ی تشویق و تنبیه

۵_ رخت بربستن نگاه معنادار از صحنه ی تشویق و تنبیه

نگـاه یکی از عوامـل نیرومنـد تربیت است. گاهی اثر بخشـی نگاه بیش از سـخن گفتن است. در متون اسـلامی، نگاه گونه ای رفتـار است که پـاداش و کیفر الهی را در پی دارد؛ زیرا نگـاه بر دو گـونه است؛ آلـوده و پـاک که هر کـدام نیز نقش ویژه ای دارنـد. نگـاه سازنـده، پـاک و محبت آمیز، نور امیـد، صـفا و معنویت را به قلب کودکان می تابانـد و رشـد و کمال آنان را به ارمغان می آورد. نگاه را می توان عامل باز دارنده از خلاف و گناه دانست؛ زیرا نگاه

۱- غرر الحکم، ص ۸۰۱.

خشم آلود پـدر یا آموزگار بیش از تنبیه جسـمی در باز داشـتن کودک از بزه کاری مؤثر است. از این رو، مربیان با تجربه کم تر سـخن می گوینـد و کمتر امر و نهی می کننـد. آنـان بـا چهره و نگـاه معنـادار خود، پیـام تربیتی شـان را به شـاگردان انتقال میدهنـد. گفتنی است در مقابل، نگاه آلوده و عصـیان بار، نقش ویران کننـده ای در فرد و دیگران بر جای می گذارد و ممکن است زمینه ساز جنایت های دیگری باشد.(۱)

۶_ از میان رفتن اقتدار پدر و مادر

۶_ از میان رفتن اقتدار پدر و مادر

در کنار عامل گفتاری، اقتدار پدرو مادر و آموزگار، اساسی ترین عامل تربیت است. فرزندان از اقتدار معنوی پدر و مادر بیش از گفتارشـان اثر می پذیرنـد. آنان که پـدری مقتـدر دارنـد، احساس غرور می کننـد و همین احساس به رشـد فکری، علمی و مذهبی آنان یاری می رساند و آنان را از خلاف کاری بازمی دارد.

به گفته ی عارفان: «آن که دیـدارش در تو اثر نکنـد، گفتارش اثر نخواهد کرد.» پدرومادر و آموزگار باید به جای گفتارهای آمرانه و سرزنش بار بکوشند اقتدار معنوی خود را افزایش دهند یا دست کم آن را با دست خود ویران نکنند.

اینک پرسش آن است که چگونه می توانیم اقتدار خود را افزایش دهیم؟

آیا با زورگویی یا ایرادگیری های بی مورد می توانیم بر اقتدار خود

۱- نقد باورهای غلط تربیتی، علی رحمانی یزدی، ص ۲۲۶.

بیافزاییم یا گـذشت کریمانه، سـکوت بهنگام و برخورد منطقی می توانـد اقتـدار ما را افزایش دهد؟ در گفتار پیشوایان معصوم علیهم السلام عوامل اصلی اقتدار معنوی این گونه بیان شده است: علی علیه السلام می فرماید:

عَظِّمُوا اَقْدارَکُمْ بِالتَّغافُلِ عَنْ الدَّنِیِّ مِنَ الاُمُورِ.(۱)

با چشم پوشی از امور ناچیز اقتدرا خود را افزون کنید.

غفلت از فعـالیت تربیـتی و بی توجهی به فرزنـدان، اقتـدار نمی آورد. آن چه اقتـدار می آفرینـد، نادیـده گرفتن بعضـی امور به خاطر مصلحت اندیشی تربیتی است. امام علی علیه السلام می فرماید:

بِکَثْرَهِ الصُّمْتِ تَکُونُ الْهَیْبَه.(۲)

سکوت معنادار اقتدار می آفریند.

سکوت معنـادار به معنـای بی تفـاوتی و مهر بر لب زدن نیست، بلکه منظور از آن، هشـیاری در برابر رفتـار فرزنـدان و سـکوت مصلحت آمیز است.

یکی از نویسندگان می گوید:

اگر می توانستیم قدری خاموش باشیم، چه قدر گویا می گشتیم! اگر زبان سکوت را فرامی گرفتیم، چه قدر به شکوه کلام می افزودیم.(۳)

متأسـفانه پـدر و مادر با امر و نهی های بی مورد و بیش از انـدازه، اقتـدار خود را از دست داده انـد و فرزندان دیگر به سـخنان آنان چندان توجه نمی کنند.

۷ـ نیافتن علت ها

۷ـ نیافتن علت ها

۱- تحف العقول، ص ۳۶۶.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۱۵.

۳- نقد باورهای غلط تربیتی، صص ۲۲۷ ـ ۲۲۸.

برخلاف باور برخی افراد، هر خطایی را نمی توان با تنبیه پاسخ داد؛ زیرا ممکن است خطا به دلیل مشکلات خانوادگی و محیطی، صورت گرفته باشد نه به دلیل سرکشی و طغیان. برای نمونه، کودکی که به دلیل چشیدن طعم تلخ تبعیض از سوی پدر و مادر یا آموزگار دست به خلاف می زند، سزاوار تنبیه نیست. تنبیه در چنین وضعیتی، پاشیدن نمک بر زخم جان سوز او است. راه کار این مورد آن است که مشکل او را برطرف کنیم. بسیارند کودکانی که بدون تقصیر تنبیه می شوند خاطره ی زیر از مظلومیت بعضی کودکان و لغزش نابخشودنی بعضی مربیان حکایت دارد.

یکی از مربیان تربیتی می گوید:« حسین در زنگ های تفریح اغلب ازدیوار مدرسه بالا می رفت و پس از چند دقیقه به حیاط بازمی گشت و با چوب و فلک ناظم مدرسه روبه رو می شد. این حادثه ی مکرر برای من سؤال برانگیز بود که: آیا چند دقیقه بیرون رفتن، ارزش به جان خریدن چوب های ناظم را دارد؟ من سعی کردم خود را به حسین نزدیک کنم و سرّ این قضیّه را دریابم، بعد از مدتی، حسین این موضوع را با من در میان گذاشت و گفت، پدرم سال پیش فوت کرد و ما هم وضعیت خوبی نداشتیم. مادرم دنبال کار رفت. کسی به او کار نداد. کسی هم به من کار نمی دهد؛ چون جثه ام کوچک است. ناچار مادرم به گدایی روی آورد. او در فاصله ی چند متری دیوار مدرسه نشسته است. من گاهی در ساعت زنگ تفریح از دیوار مدرسه بالا می روم. نگاهی به مادرم می اندازم و از او مواظبت می کنم

تا کسی او را اذیت نکند.»(۱)

آری، اگر علت رفتار کودکان شناخته شود،می توان رفتار مناسبی انجام داد و نیازی به تنبیه نخواهدبود. چون در بیشتر موارد، علت شناسی صورت نمی گیرد و مقابله ی نامناسب انجام می شود، آسیب های جبران ناپذیری درپی می آید که بسیار زیان بارتر از رفتار کودک است.

۸_ بی توجهی به هدایت پیش از تنبیه

۸_ بی توجهی به هدایت پیش از تنبیه

هدایت وراهنمایی کودک پیش از تنبیه یک اصل است. پدر و مادر باید کودک را از نقطه ای که در آن به سر می برد، به سوی نقطه ی مطلوب بکشانند. آدمی، رفتارهایی انجام می دهد که به دلیل هدایت نشدن، ناروا و ناپسند شمرده می شوند.

هنگامی که کار ناروایی از فردی سرمی زند، پدر و مادر باید به یاری او بشتابند و با هدایت وی به راه درست، ناروایی آن کار را به او تفهیم کنند. هم چنین اولیای مدرسه می توانند با مهر و صفا، به هدایت او بپردازند و گونه ای رفتار کنند که افراد، به نظر آنان احترام بگذارند. نکته ی مهم در هدایت کودکان آن است که خواسته های کودک کنترل شود. رعایت همه ی مقررات و خواسته ها و به کار بستن صددرصد قانون انضباطی درباره ی کودک، خطاست؛ زیرا کودک را به سوی رشد و صلاح عمومی، رهنمون نخواهد ساخت و کنترل او سودمند نخواهد بود.(۲) کودک بیش و پیش از آن

۱- نقدباورهای غلط تربیتی، ص۲۴۲.

۲- حدود آزادی در تربیت، ص ۲۰۵.

که تنبیه شود، در دنیای خود نیازمند هدایت پدر و مادر است. اگر پس از نشان دادن راه درست،کودک از آن سرپیچی کرد، آن گاه تنبیه هشدار دهنده خواهد بود. در غیر این صورت، کودک تنبیه پیش از راهنمایی را انتقام گیری از سوی پدر و مادر و مربی خواهد پنداشت و در رفتار خود تغییری نخواهد داد.

۹ـ ارتباط کلامی نامطلوب

۹ـ ارتباط کلامی نامطلوب

شیوه ی برقراری ارتباط کلامی مربی با شاگرد در تربیت وی بسیار مؤثر است. با ارتباط کلامی مطلوب وبهره گیری از واژگان و جمله های درست، قابل فهم، منظم، زیبا وخوش آیند می توان رابطه ی خوبی میان مربی و دانش آموز برقرار کرد. در این صورت، شاگرد با فراگیری ارتباط کلامی مطلوب والگوبرداری از مربی، در رفتار خود با آن عادت می کند و آن را به صورت مهارت، از خود نشان می دهد.

چنین مهارت و عادتی سبب می شود دیگران نیز هنگام برقراری ارتباط با وی به زیبایی و محبت سخن بگویند؛ زیرا ارتباط نیکو و زیبا، ارتباط زیبا ونیکو را به همراه دارد. علی علیه السلام می فرماید:

مَن عامَلَ اَلنّاسَ بِالْجَمیلِ کافؤوُه.(۱)

کسیکه با مردم زیبا رفتار کند، آنان نیز با وی زیبا رفتار خواهند کرد.

بدین وسیله، افراد جامعه از افتادن به گرداب اضطراب ها، عصبانیت ها و

۱- تربیت اسلامی، ص ۳۱۷.

پرخاش گری ها در امان خواهند ماند.(۱)

برقراری ارتباط کلامی مطلوب یکی از ابزارهای موفقیت آموزگار است. امام می فرماید:

مَنْ حَسُنَ کَلامُهُ کانَ اَلنّجْحُ اَمامَهُ.

کسی که کلامش زیباست، پیروزی پیش روی اوست.

متاسفانه بعضی اولیا ومربیان بر پایه ی احساسات خشم گینانه ی خود و بدون دوراندیشی واژگان سبک، زشت و گاه مستهجن درباره ی فرزندان و شاگردان خود به کار می برند که پی آمدهای روانی و تربیتی بسیار بدی برای آنان خواهد داشت. بااین کار، روابط عاطفی به سردی می گراید، اعتماد از بین می رود، کینه و دشمنی پدید می آید، نیکوکاران متنفّر می شوند و زبان اعتراض شخصیت های پست در برابر فردگشوده می گردد. امام علی علیه السلام می فرماید:

«اِیّاکَ وَ مُسْتَهْجِنُ اَلْکَلامِ، فَاِنَّهُ یُوغِرُ الْقَلْبَ، بَعْبِسُ عَلَیْکَ اَللِّئامِ وَ یَنْفِرُ عَنْکَ اَلکِرامُ.

از سخنان زشت بپرهیز، زیرا مایه ی کینه و دشمنی است. زبان پست صفتان را بر ضد آدمی می گشاید و بزرگواران را از تو متنفر می سازد.(۲)

۱- تربیت اسلامی، صص ۳۱۷ _ ۳۱۸.

۲- تربیت اسلامی.

سخن گفتن و نصیحت های بی جا سبب گریز کودکان و نوجوانان از پرورش شده است. پدر و مادر و مربیان باید از سخنی که وقار آنان را می شکند و مضحکه ی دیگران می سازد، پرهیز کنند.

علی علیه السلام می فرماید:

لاتَتَکَلِمُنَّ اِذا لَمْ تَجِدْ لِلکَلامِ مُوقِعا.

زینهار! سخن مگو آن گاه که جایگاهی مناسب برای آن نیافته ای.

در چنین شرایطی، سکوت بر کرامت و شرافت آدمی می افزاید و او را از سخنی که پشیمانی در پی داشته باشد، در امان نگه می دارد.(۱)

نتیجه

از آن چه در این فصل گفته شد، می توان نتیجه گرفت که داشتن یک نظام اداری درست با کارگزارانی شایسته و وجود نظام تربیتی درست، به کاربرد درست ابزارهای اصلاحی و بازدارنده بستگی دارد. تشویق و تنبیه یکی از این ابزارها است که اگر به درستی و برای حفظ شرایط و موقعیت های ویژه از آن ها استفاده شود، تأثیر مثبتی در اصلاح اجتماعی، خواهد داشت. در مقابل، اگر از این دو ابزار، بهره برداری درست صورت نگیرد، پی آمدهای زیر را خواهد داشت:

۱_ چاپلوسی جلوی انتقادهای سازنده را می گیرد.

۲_ افراد خوش سابقه و کار آزموده به مسؤولیت های مناسب گماشته نمی شوند.

۱- تربیت اسلامی، صص ۳۱۷ _ ۳۱۸.

۳ـ عزل و نصب ها بر اساس شایسته سالاری نخواهد بود.

۴ـ تناسب مجازات با تخلف رعایت نمی شود.

۵ـ مربیان، تنبیه را ساده ترین راه تربیت می دانند.

۶ـ به تفاوت های فردی توجه نمی شود.

۷ـ به وعده های تشویقی و تنبیهی عمل نخواهد شد.

۸ـ اقتدار و نفوذ کلام پدر و مادر و مربیان کاهش خواهد یافت.

۹ـ جامعه با معضل اداری، اجتماعی و تربیتی رو به رو خواهد شد.

بخش چهارم: همراه با برنامه سازان

اشاره

بخش چهارم همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

صدا و سیما و نهادینه کردن تشویق و تنبیه

اشاره

صدا و سیما و نهادینه کردن تشویق و تنبیه

پیدایش تلویزیون را باید مهم ترین تحول در عرصه ی رسانه های همگانی دانست. اگر فرهنگ تماشای تلویزیون به همین شکل ادامه یابد، پیش بینی می شود فردی که امروز به دنیا می آید تا رسیدن به ۱۸ سالگی، وقت خود را بیش از هر فعالیت دیگری ــ به جز خوابیدن ــ به تماشای تلویزیون اختصاص خواهد داد.

پیدایش تلویزیون به شدت بر الگوهای زندگی اثر گذارده است؛ زیرا بسیاری از مردم، فعالیت های خود را براساس برنامه های معین تلویزیون تنظیم می کنند.پژوهش های گسترده ای برای ارزیابی پی آمدهای روانی برنامه های تلویزیونی برکودکان انجام شده است. بررسی ارتباط مدت زمان تماشای تلویزیون با پی آمدهای احتمالی آن از نظر اجتماعی شدن، ما را به نکته های جالبی رهنمون می سازد.(۱)

با توجه به نقش روزافزون صدا و سیما در زندگی مردم، این رسانه می تواند در اثر بخشیدن ونهادینه کردن تشویق و تنبیه، نقش اساسی داشته باشد. اینک به ارایه ی برخی راه کارها در این زمینه می پردازیم:

۱- جامعه شناسی، آنتونی گیدنز، برگردان: منوچهر صبوری، صص ۴۶۶ ــ ۴۷۷.

۱_ فرهنگ سازی تشویق و تنبیه

۱_ فرهنگ سازی تشویق و تنبیه

نقش صدا و سیما در شکل دهی و دگرگون ساختن رفتار مخاطبان در همه ی دوره های سنّی _ از کودکی و نوجوانی تا کهن سالی _ بر کسی پوشیده نیست. فرهنگ سازی برای جامعه به معنای عرضه ی ارزش ها، مقررات، آداب و رسوم و ضوابط جامعه به مردم و ترغیب آنان به پیروی از این ارزش هاست. به سرانجام رساندن این وظیفه بیشتر بر دوش دو رسانه ی شنیداری و دیداری؛ یعنی رادیو و تلویزیون نهاده شده است. ویژگی های خاص، جنبه های آموزشی و اثر گذاری فراوان این دو رسانه بر نوجوانان و جوانان می تواند به راحتی، فرهنگ خاصی را میان آنان گسترش دهد، به همین دلیل، برای فرهنگ سازی تشویق و تنبیه باید به این دو رسانه ی ملی، چشم امید بست. در این زمنیه، رادیو و تلویزیون می توانند باتغییر دادن فرهنگ موجود متناسب با زندگی فرد، شیوه های فکری و میدان اجتماعی این فرهنگ ها را دریابند و برای دگرگون ساختن روابط اجتماعی، گام پیش نهند.

صدا و سیما باید جنبه های مثبت و منفی فرهنگی را که مردم در آن زندگی می کنند، بشناسد. پیدایش چنین شناختی در کارگزاران این دو رسانه هنگامی امکان پذیر است که شناخت بسته وقدیمی خود از فرهنگ و مفاهیم تربیتی را کنار بگذارند و با بازنگری در روش های تربیتی معمول، تلاش خود رابر اساس نظریه های تشویقی و تنبیهی جدید پایه گذاری کنند. اکنون تعلیم و تربیت یکی از بخش های اساسی هر کوششی است که برای رشد و پیشرفت جامعه های انسانی صورت می گیرد. صدا و سیما باید فرهنگ

درست بهره گیری از تشویق و تنبیه را به مردم بیاموزد تا مردم این دو عامل تربیتی را به درستی به کار بندند.

۲_ آموزش شیوه های تشویق و تنبیه

۲_ آموزش شیوه های تشویق و تنبیه

پیش از آغاز هر کاری باید هدف از انجام دادن آن کار آشکار باشد تا بتوان راه کارهای متناسب با آن را یافت. پس از انتخاب هدف، نوبت به گزینش روش ها می رسد. یکی از شرایط مهم پیروزی در هر کاری به ویژه امور تربیتی، به کار بستن شیوه هایی است که مربی را در تربیت و شاگرد را در پیمودن راه کمال، یاری رساند.

امروزه همه ی رشته های علمی، روش های ویژه ای دارند که اگر درست و به جا به کار گرفته شوند، پی آمدهای مطلوبی خواهند داشت. روش شناسی درهر دانش از اهمیت ویژه ای برخوردار است و پیشرفت های علمی جهان امروز تا اندازه ی زیادی وام دار شیوه های سنجیده و نتیجه بخشی است که در این علوم به کار گرفته می شود. تعلیم و تربیت نیز این گونه است. برای آنکه استعدادهای نهفته ی شاگردان شکوفا شود. و انسان هایی الهی و سودمند برای جامعه پرورش یابد، پدر و مادر، مربیان و دیگر افراد جامعه باید ازروش های تربیتی بهره گیرند.(۱)

۱– نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، مصطفی عباسی مقدم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱، صص ۸۳ _ ۸۴.

این کار نیز به آموزش نیاز دارد. در این میان، صدا و سیما به عنوان بزرگ ترین رسانه ی همگانی می تواند شیوه های تربیتی به ویژه تشویق و تنبیه را آموزش دهد.

امروزه مردم به طور گسترده از تشویق و تنبیه بهره می گیرند، ولی شیوه های به کار بستن تشویق و تنبیه، درست نیست. پدر و مادر، فرزندان خود را به طور تبعیض آمیز مورد تشویق و تنبیه قرار می دهند. آموزگاران نیز بدون توجه به تفاوت های فردی، تشویق و تنبیه می کنند. مدیران اداره ها و کارخانه ها، گاه کارمندان موفق خود را مورد تشویق قرار میدهند و کارمندان خطاکار را تنبیه می کنند، ولی هیچ یک ازاین دو عامل، انگیزه ی آنان را برای کار بهتر و درست تر افزایش نمی دهد. همه ی این نارسایی ها در بی بهره ماندن مردم از آموزش، ریشه دارد.

صدا و سیما باید در قالب فیلم، سخنرانی، میان پرده و گفت و گو بامردم، آموزگاران و مدیران، به مردم آموزش دهد که همواره باید از شیوه های تشویقی بهره گرفت و تنبیه، آخرین راه درمان است. هم چنین تشویق ها را به سوی انگیزه آفرینی درونی هدایت کند واز زیاده روی در تشویق ها بکاهد. افزون بر آن، رعایت تربیت در اعمال تنبیه ها را گوشزد کند تا افراد در نخستین برخورد به سراغ آخرین مرحله نروند.

۳_ نمایش پی آمدهای نیک و بد تشویق و تنبیه

۳_ نمایش پی آمدهای نیک و بد تشویق و تنبیه

آشنایی با مصداق ها و شاخص های تشویق و تنبیه، بحث درباره ی این دو موضوع را از مقوله ای کلی و نظری، خارج و با محسوس ساختن جنبه های گوناگون این دو مفهوم، آن ها را به واقعیت های اجتماعی روز،

نزدیک می کند. رسالت مهم صدا و سیما در این زمینه، شناساندن پی آمدهای نیک بد کردارها به صورت مصداق های عینی در قالب فیلم های جذاب و آموزنده است. صدا و سیما باید در زمینه ی مرز تشویق و تنبیه، موارداستفاده از دو ابزارتربیتی و شیوه های به کارگیری آن ها، به مردم آگاهی دهد.

امروز سطح آگاهی عمومی مردم از شیوه های تشویق و تنبیه در برابر اطلاعات آنان از هزاران موضوع کم اهمیت دیگر بسیار پایین تر است. بنابراین، در برنامه های صدا و سیما به ویژه برنامه های خانوادگی مانند: «تصویر زندگی»، «برنامه ی خانواده» و... باید موضوع تشویق و تنبیه را با دید اسلامی در قالب میان پرده ها و مجموعه های خانوادگی آموزش داد.

یکی از راه های یادگیری، دیدن رفتار دیگران است. انسان با دیدن رفتار دیگران یاد می گیرد که چگونه رفتار کند یا رفتارهای خود را تغییر دهد و رفتارهای مناسب را در پیش گیرد. از این رو، رفتار دیگران می تواند فرد را به سوی کارهای نیک یا بد بکشاند. بر این اساس، صدا و سیما می تواند با نمایش فیلم ها و برنامه های هدف مند، پی آمد کارهای نیک و بد را به تصویر بکشد.

موضوع های زیر را برای برنامه های تلویزیونی یا رادیویی می توان در نظر گرفت:

۱ـ استاندار شایسته.(۱)

۲ـ مقام آموزگار.(۲)

۱- داستان دوستان، ج۱، صص ۶۹ و ۷۲.

۲- داستان دوستان، ج۱، صص ۶۹ و ۷۲.

۳ـ پاداش فرمانبرداری از شوهر.(۱)

۴ـ مکافات عمل و پی آمد حسادت.(۲)

۵ـ بی احترامی به مؤمن.(۳)

۶ـ کیفر فرد سخن چین و بی بندوبار.(۴)

۷ـ سرانجام دوستی با نااهلان.(۵)

۸ـ احترام به رزمندگان.(۶)

۹ـ ارزش خوش رفتاری با پدر و مادر.(۷)

۱۰ـ محبت سرشار پیامبر صلی الله علیه و آله به شاعر اهل بیت علیهم السلام

۱۱ـ پاداش رسیدگی به امور نیازمندانْ.

۱۲ـ مجازات دنیوی ساربان بی رحم.

۱۳ـ پی آمد ترحّم.

۱۴ـ نکوداشت و پاسداشت پی آمدهای رفتار نیک.

۱۵ـ کیفر عیب جویی از مؤمنان.(۸)

۱- داستان دوستان، ج۱، صص ۶۹ و ۷۲.

۲- داستان دوستان، ج۳، صص ۳۹، ۱۰۸ و ۲۳۴.

۳- داستان دوستان، ج۳، صص ۳۹، ۱۰۸ و ۲۳۴.

۴- داستان دوستان، ج۳، صص ۳۹، ۱۰۸ و ۲۳۴.

۵- داستان دوستان، ج۳، ص ۲۳۴.

۶- داستان دوستان، ج۳، ص ۲۳۴.۸

۷- داستان دوستان، ج۴، ص ۱۱۵.

۸- داستان دوستان، ج ۵، صص ۵۶، ۱۰۷، ۱۵۸، ۱۹۰ و ۲۹۲.

ص:۱۶۲

۴_ نقد کارشناسانه ی تشویق و تنبیه

۴_ نقد کارشناسانه ی تشویق و تنبیه

تشویق و تنبیه پیچیدگی های ظریفی دارد که باید با دقت زیادی موشکافی شود. بنابراین، صداو سیما باید از حضور کارشناسانی برای بحث درباره ی این موضوع بهره بگیرد.

می دانیم که کارشناسان ما به ویژه در رشته های روان شناسی و تربیتی چند دسته اند. برخی دانش آموخته ی دانشگاه های اروپایی و امریکایی هستند و برخی داخلی. برخی گرایش های مذهبی قوی تری دارند و برخی ضعیف تر. بعضی دارای دیدگاه های نظری نیرومندتری هستند و تجربه ی عملی کمتری دارند و برعکس. بنابراین، نباید به شمارمحدودی بسنده کرد. هم چنین صدا و سیما باید از کارشناسانی بهره بگیرد که از تجربه ی کاری بیشتر و پایه های علمی نیرومندتری برخوردار باشند. افزون بر آن، با مبانی اسلامی آشنا باشند تا فرهنگ غرب را در جامعه ی اسلامی، ترویج نکنند.

ساخت فیلم با همکاری کارشناسان علوم روان شناسی و تربیتی و پخش آن در برنامه های ویژه یکی از شیوه های مورد نظر است. در کنار نمایش چنین فیلمی باید از نظر کارشناسان نیز سود جست؛ زیرا بعضی بینندگان به فیلم ها به دید سرگرمی می نگرند و برخی دیگر، توانایی درک پیام ها را ندارند. بررسی کارشناسانه ی فیلم و بیان نکته های فیلم به صورت شنیداری ودیداری که قابل فهم باشد، پی آمدهای مثبتی در آگاهی بخشی عمومی خواهد داشت.

افزون بر آن، چون موضوع تشویق و تنبیه از موضوع هـایی است که همه ی اعضـای خـانواده هـا ماننـد پـدرو مادر و فرزنـدان، آموزگاران مـدارس وکودکسـتان ها و کارفرمایان کارخانه ها و کارگاه ها بـدان توجه دارنـد، باید زمانی را برای پخش چنین برنامه ها و فیلم هایی در نظر گرفت که همه ی این مخاطبان را پوشش دهد.

۵_ گفت وگو با مدیران موفق در کاربرد تشویق و تنبیه

۵_ گفت وگو با مدیران موفق در کاربرد تشویق و تنبیه

یکی از عوامـل بسـیار مهم در دست یـابی به اهـداف عـالی تربیـتی، الگوگیری از بزرگـان و افراد موفقی است که در زمینه ای خاص، مراحل پیشـرفت را پیموده انـد. برنامه سازان در این زمینه بایـد با نخبگان علمی، زبـدگان فرهنگی و اجتماعی، ممتازان قرآنی و دینی، مدیران مدارس و برجستگان ورزشی، گفت وگو کنند و نقش تشویق و تنبیه را در موفقیت آنان جویا شوند.

بعضـی آموزگاران با روش های تشویقی مناسب چنان کودکان را با انگیزه ی درونی تحریک می کنندکه دیگر به تنبیه بدنی، نیازی نیست.

گفت وگو بـا فرزنـد پروفسور حسابی درباره ی زنـدگی او و برخوردهای تربیتی وی با دانشـجویان و نیز گفت وگو با فردوس حاجیـان، آموزگـار شـهرک الفبا و از جانبازان جنگ تحمیلی از برنامه های بسـیار آموزنـده ی صـدا و سـیما بود که می تواند آموزگاران را در ادامه یافتن پخش چنین برنامه هایی و ارایه ی برنامه های آموزشی و تربیتی درست، یاری رساند.

۶_ نقد باورهای نادرست اجتماعی درباره ی تشویق و تنبیه

الف _ تنبیه برای سازگاری نیست

گروهی از پـدران ومـادران و حتی برخی نظریه پردازان، تعلیم و تربیت راسازگـار کردن کودک بـا محیط اجتماعی و فرهنگی می دانند و می گویند: «تربیت، رام کردن و اهلی کردن است».

این گـونه افراد، تنـبیه را وسـیله ی رام کردن و سازگـاری کودک و نوجوان باخواسـته هـای خود می دانـدو هر جـا کودک یا نوجوان باخواسته های آنان هم آهنگ نباشد، می کوشند او را با تنبیه، سازگار کنند.

گروهی از پدران و مادران، مربیان و کارفرمایان، تنبیه را وسـیله ی اعمال سـلیقه ی خود به زیردسـتان می شـمارند. آنان با این باور، زیردستان خود را افرادی منفعل و تسلیم محض تربیت می کنند و قدرت نوآوری و اندیشه را از آنان می گیرند.

صدا و سیما باید با نقد باورهای غلط مردم، باورهای درست رابه آنان بیاموزد و به مردم بفهماند که تنبیه؛ آگاه ساختن و بیدار کردن است. حتی آن جا که شدیـدترین تنبیه ها از نظر اسـلام مطرح می شود _ ماننـد اجرای حـدود _ هـدف ما، آگاه کردن خطا کار و پندآموزی دیگران است. تنبیه، شوک جسـمی یا روانی است که کودک را از خواب غفلت بیدار می کند و نسـبت به پی آمدهای کارش، به او هشدار می دهد.

ب _ تشویق، شتاب دهنده ی پرورش نیست

برخی پـدران و مادران بر اثر باورهای آسـیب زا یا عشق شدید به تکامل فرزندان شان، همیشه به شـکل های گوناگون، شـتاب زدگی از خود نشان می دهند. برای نمونه، پیش از رسـیدن فرزندشان به ۶ سالگی، آنان را در مدرسه نام نویسی می کنند یا با دادن وعده های تشویقی بزرگ، می کوشند واژه های زیادی را یکی پس از دیگری بر ذهن آنان تحمیل کنند. آنان

دوست دارند فرزندشان در یک سال، دو کلاس را بپیماید و حتما با معدل بالا، شاگرد اول کلاس باشد.

برخی پـدران و مادران می پندارنـد تنها با تشویق فرزندان خود می توانند مهارت نظافت فردی را به فرزندشان بیاموزند تا آنان نیزماننـد بزرگ سالاـن پاکیزه زنـدگی کننـد. اگر فرزنـد در این کار سـستی نشان دهـد، او را سـرزنش و تنبیه می کننـد؛ زیرا دوست دارنـد فرزندشان با نخستین گفتار و وعده ی تشویقی، رفتار اجتماعی را فرا گیرد و در برخوردهای اجتماعی، ماهرانه و بی هیچ خطا و لغزشی رفتار کند.

چنین برخوردهایی از آن جا ریشه می گیرد که مردم، تشویق را ابزار شـتاب بخشیدن به فرآیند آموزش و پرورش می پندارند. این باور بسـیار غلط است؛ زیرا هـدف اصـلی تشویق، آفرینش انگیزه ی درونی و فعالیت دل خواهانه ی فرد است. تشویق برای آن است تـا فرد از درون برانگیخته شـود و خـود بـدون نیـاز به تشویـق، حرکت کنـد. اگر تشویـق هـا، انگیزه ی درونی فرد را تحریک نکند، با پایان یافتن آن، رفتار مثبت فرد نیز پایان می گیرد.

ج ـ اصلاح باورهای غلط درباره ی تنبیه بدنی

بعضـی پدران و مادران به ویژه کسانی که به سـنت های تربیتی گذشـتگان پای بند هستند، تنبیه را اصیل ترین عامل تربیت می دانند و آن را بسـیار به کار می بندند. آنان بر این باورند که کودکان، حیواناتی هستندکه بدون ترس و ارعاب، رام نمی شوند و از بزرگ سالان، فرمان نمی برنـد. در مقابل، گروهی دیگر می گوینـد هرگز نباید از تنبیه بدنی اسـتفاده کرد، حتی اگر هیچ یک از

شیوه های تربیتی دیگر نتواند فرد را اصلاح کند. صدا و سیما باید این دو باور غلط را اصلاح کند؛ زیرا تنبیه بدنی، اصیل ترین عامل تربیت نیست، بلکه آخرین درمان است که کاربردی بسیار ظریف دارد. باید از تنبیه ماهرانه استفاده کرد تا آسیب رفتاری به بار نیاورد. باید در آخرین مرحله ی تربیت به میزان بسیار اندک از تنبیه بدنی استفاده کرد تا لجاجت فرد برانگیخته نشود.

هم چنین باید اندیشه را اصلاح کرد که هیچ گاه نباید تنبیه بدنی را به کار بندیم. باید دانست در بعضی موارد، تنبیه بدنی، حکم ضرورت را پیدا می کند؛ زیرا در صورت به کار نبستن آن، نسلی خشن و بی مسؤولیت خواهیم داشت. البته در هر دو صورت، باید به تنبیه بدنی به عنوان آخرین راه کار تربیتی بنگریم.

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱_ تشویق و تنبیه در پرورش چه نقشی دارد؟

۲_ به کار بستن تشویق اولویت دارد یا تنبیه؟

۳_ وعده های تشویقی تا چه اندازه سودمند خواهد بود؟

۴_ آیا تنبیه بدنی برای پرورش جایز است؟

۵_ اصولاً چه گونه تنبیه هایی در اسلام جایز است؟

۶_ آیا لازم است فرد بی درنگ پس از رفتار مناسب، تشویق شود؟

۷_ چگونه می توان رغبت های درونی افراد را برانگیخت؟

۸_ تشویق و تنبیه باید چه ویژگی هایی داشته باشد؟

۹_ مهم ترین تفاوت های تشویق و تنبیه در اسلام و غرب را برشمارید؟

ص:۱۶۷

۱۰_ چگونه می توان خانواده ای متعادل در زمینه ی بهره گیری از تشویق وتنبیه پدید آورد؟

۱۱_ صدا و سیما در ایجاد فرهنگ تشویق و تنبیه چه نقشی دارد؟

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱_ آیا شما از ابزار تشویق و تنبیه در اصلاح رفتار و هدایت فرزندان تان به سوی حقیقت بهره می گیرید؟

۲_ بیشتر از تشویق های مادی بهره می برید یا تشویق های معنوی؟

۳_ اگر فرزند شما به خلافی دست بزند و بخواهید او را تنبیه کنید، از چه تنبیهی استفاده می کنید؟

۴_ آیا هرگز برای تربیت فرزندتان، او را تنبیه بدنی کرده اید؟

۵_ به نظر شما چند نوع تنبیه داریم و بهترین آن ها کدام است؟

۶_ واکنش فرزندتان به تنبیه بدنی شما چه بوده است؟

۷_ به نظر شما شیوه های تشویق باید چگونه باشد؟

۸_ چه شرایطی را در تشویق فرزند باید رعایت کرد؟

۹_ اگر قرار باشد کودکی تنبیه شود، چه شرایطی را باید در نظر گرفت؟

۱۰_ به نظر شما، آموزگاران در مدارس باید بیشتر از شیوه های تشویقی استفاده کنند یا تنبیهی؟

۱۱_ آیا شیوه های تشویقی یا تنبیهی که آموزگاران در مدارس به کار می بندند، درست است؟

۱۲_ در صورت دیدن رفتارهای انحرافی در فرزندتان، چه می کنید؟

۱۳ـ نقش پدرو مادر در تشویق و تنبیه فرزندان چیست؟

۱۴ـ انتظار شما از صدا و سیما در زمینه ی گسترش فرهنگ درست تشویق و تنبیه چیست؟

۱۵ـ تشویق و تنبیه در روند تربیت، چگونه اثر مثبت و منفی می گذارد؟

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن کریم، برگردان: ناصر مکارم شیرازی.

* نهج البلاغه، فیض الاسلام.

* صحیفه ی سجادیه.

۱_ آمدی، عبدالواحد؛ غرر الحکم، ج ۲، محمدعلی انصاری، تهران، مؤسسه دارالکتاب.

۲_ آیینه وند، صادق؛ ادبیات انقلاب در شیعه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.

۳_ اشتهاردی، محمد؛ داستان دوستان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۴_ باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۰.

۵_ باقری، محمد؛ معیار گزینش کارگزاران از دیدگاه امام علی(ع)، پایان نامه، قم، موسسه ی امام خمینی، ۱۳۷۹.

۶_ بهشتی، احمد؛ اسلام و تربیت کودکان، تهران، ۱۳۷۲، سازمان تبلیغات اسلامی.

۷_ تربیت اسلامی مجموعه ی مقالات همایش «تربیت در سیره و کلام امام علی علیه السلام »، کتاب چهارم، زمستان ۷۹، نشر تربیت اسلامی، زیر نظر علی رضا اعرافی.

۸_ حجتی، سید محمدباقر؛ اسلام و تعلیم و تربیت، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.

۹_ حرانی، حسن؛ تحف العقول، انتشارات علمیه ی اسلامیه.

۱۰ــ حر عاملی، محمد بن حسن شیخ حر؛ وسایل الشیعه، بیروت، احیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ ه.

۱۱ــ حکیمی، علی و برادران؛ الحیاه، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۰.

۱۲ــ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، زیر نظر آقای علی رضا اعرافی، جمعی از نویسندگان.

۱۳ــ دلشاد تهرانی، مصطفی؛ مشرب مهر، فرهنگ و ارشاد اسلامی، پاییز ۱۳۷۹، چاپ اول.

۱۴ــ دولتی، غلامرضا؛ بررسی تشویق از دیدگاه اسلام، پایان نامه، مؤسسه ی آموزشی پژوهشی امام خمینی، رشته ی علوم تربیتی، کارشناسی ارشد، ۱۳۷۷.

۱۵ــ رحمانی یزدی، علی؛ نقد باورهای غلط تربیتی، قم انتشارات مشهور، ۱۳۷۹.

۱۶ــ سیف، علی اکبر؛ روان شناسی پرورشی، تهران، انتشارات آگاه، تابستان ۷۷.

۱۷ــ طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان، تهران، انتشارات امیرکبیر و نشر رجاء، چاپ گلشن، ۱۳۶۳.

۱۸ــ طوسی، اسدالله ؛ دیدگاه اسلام نسبت به تشویق، پایان نامه، موسسه ی آموزشی پژوهشی امام خمینی، رشته ی علوم تربیتی، ۱۳۷۷.

۱۹ــ عباسی مقدم، مصطفی؛ نقش اسوه ها در تبلیغ و تربیت، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

۲۰ــ فائضی، علی؛ جایگاه روش های تنبیه در تعلیم و تربیت، مؤسسه ی

انتشاراتی فیض کاشانی، بهمن ۱۳۷۳، چاپ دوم.

۲۱ــ فاضل لنکرانی، محمد؛ آیین کشورداری ازدیدگاه امام علی علیه السلام، تقریر و تنظیم، حسین کریمی، چاپ پنجم، ۱۳۷۶، نشر فرهنگ اسلامی.

۲۲ــ فرید، مرتضی؛ الحدیث، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶.

۲۳ــ قائمی امیری، علی؛ حدود آزادی در تربیت، انجمن اولیا و مربیان، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۲۴ــ قائمی مقدم، محمدرضا؛ روش های آسیب زا در تربیت از منظر تربیت اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته ی علوم تربیتی، ۱۳۷۹، پژوهشکده ی حوزه و دانشگاه.

۲۵ــ قمی، عباس؛ انوار البهیّه، انتشارات اسلامی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.

۲۶ــ کریمی، عبدالعظیم، تربیت آسیب زا، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۳.

۲۷ــ کریمی، یوسف؛ تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان، تهران، فاطمی، ۱۳۶۸.

۲۸ــ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جواد مصطفوی، تهران، نشر فرهنگ اهل البیت(ع).

۲۹ــ گیدنز، آنتونی؛ جامعه شناسی، منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۳۰ــ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.

۳۱_ مجوزی، عبداللّه، چرا تنبیه؟، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۹.

۳۲_ مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، زمستان ۱۳۶۶.

۳۳_ معادی خواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب.(فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه).

۳۴_ نادری قمی، محمدمهدی؛ قدرت در مدیریت اسلامی، موسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ یاران، چاپ اول، بهار ۱۳۷۸.

۳۵_ نوری، حسین؛ مستدرک الوسایل، بیروت، آل البیت، احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۹ه.

۳۶_ هاشمی، سید مجتبی، تربیت و شخصیت انسان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، پاییز ۱۳۷۲.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹